

19

Ketabton.com

افتخار و قایه

د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند دمر کزی
کویتی دیپاپی بیروت غیری، دانقلابی شورا
مرستیال اود افغانستان دموکراتیک جمهوریت
د صدراعظم مرستیال سلطانعلی گشتهند چی
د کیوبا د گونست گوند په دویمه کنگره کی
د گونهون له پاره دیوه هیات په هشري هغه واده
تللی وو دقوس په نهه ویشته نیته بین ددغه
کنگری په بشیره غونه کسی خپله اوینه
وئنا وکره چی د کنگره گهون گونکو بی
تود هر کلی وکر .

از طرف ببرک کارهه منشی عمومی کمیته
هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان پیام تسلیت به مناسبت انتخاب
مجدد فیدل کاسترو بعیث منشی اول کمیته
هر کزی حزب گمونست جمهوری کیوبابه هوانا
مخابره شده است .

سلطانعلی گشتهند عضو بیروتی سیپاپی
کمیته هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان که در اس یکه هیات هزبی
جهت اشتراک درد و مین کنگره هزب گمونست
کیوبا به هوا نه رفته بودو همچنان پس از انجام
یک سلسله هذکرات رسمی در مسکو پیرامون
شمکاری های انتصادی بین چههوری دموکراتیک
افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیا
لیستی روز ۵ جندی بکابل باز گشت .

از طرف ببرک کارهه منشی عمومی کمیته
هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان پیام تسلیت به مناسبت در گذشت
الکسی نیکو لایوچ کاسیکین سخنیت بر جسته
حزب گمونست اتحاد شوروی و دولت شوروی .
عضو کمیته هر کزی حزب گمونست اتحاد شوروی
ونهاینده شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی
سوسیا لیستی عنوانی لیونید ایلیچ بریزنه
نشی عومی کمیته هر کزی حزب گمونست
اتحاد شوروی و صند رهیان رئیسه شورای عالی
اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی و نیکو
لای اکساندر روزیج تیخونوف رئیس شورای
وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی
به مسکو صادر گردیده است .

دکتور اناهیتا راتب زاد عفو بیروتی سیپاپی
کمیته هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
عضو شورای انقلابی رئیس سازمان دموکراتیک
زنان و رئیس سازمان صلح ، همبستگی و
دوستی چههوری دموکراتیک افغانستان روز ۳۰

د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند دمر کزی
کمیته دیپاپی بیروت غیری دانقلابی شورا
مرستیال اود صدراعظم مرستیال سلطانعلی
گشتهند دجدی ۳ ماسپیشین دشوروی سوسیا
لیستی چههوریتو تو داتحاد له واکمنو مقاماتو
سره داتتصادی ، او تخیکی همکار بیو یولی
هههی موافقی په مسکو گی په نهه اولاس لیک
ولیدههی بیل وکر .



از بالا به پائین :

ببرک کارهه منشی عمومی کمیته هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه با یکتن از چاپ اندازان
با صمیمت خاص مصافحه و احوال پرسی مینمایند .

ببرک کارهه منشی عمومی کمیته هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگامیکه هدال انتخاری رایه سینه
یکتن از چاپ اندازان می آویزند .



سلطانعلی گشتهند عضو بیروتی سیپاپی کمیته هر کزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام مواصلت
به میدان هوابیین بین المللی کابل میدان مستقبلین

درين شماره

در طول سال گذشته نظر مطبوعات و شخصیت
عای چهانی در قالب ، انقلاب افغانستان و
مداخلات خارجی .

...

یک سال در یک هفته .

...

این چواغی است کریم خانه بدان برند .

...

نهم ژانویه .

...

دور انقلاب له نوی پرو او خخه یوکال تیر
شو .

...

پرندگان مهاجر

...

قسمت اخیر قانون جرایم علیه
احضارات محاربوی .

...

پیروزی زنان در بیوان انقلاب تور .

...

تحول شش جدی .

...

سپاهی گمنام .

...

دوست افغان و شوروی دست آورد جز ب
و مردم هاست .

...

ششم چدی پاروزنی هردم، هیین و انقلاب
خلق افغانستان .

...

ای خانم به یکی از شهر های بی نظیر
باستانی .

...

جدی پیروزی اهورا هزار اهربیم .

«بیترین شکل سازمانی اتحاد تمام نیروهای ملی وظیر است واقعی و سازمانهای مربوط
شان همانا جبهه ملی پدروطن است . این جبهه شکل مطمئن و آزاده سازمان توده های
مردم براساس آرمانهای ملی و دموکراتیک است که تیوری انقلابی ، تجربه تاریخی
چنین های انقلابی جهان و عمجهان تجربه سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و
نهضت انقلابی کشور مؤید آن است .. ببرک کارمل

شنبه ۶ جدی ۱۳۵۹ ۲۷ دسامبر ۱۹۸۰

د پلارنی و طن پر اخه ملی جبهه

زموریه لرغونی اوتاریخی هیوادکی دور دخلکو دسمندری پاخون په خپانه ه خپوکن کمیتی عمومی منسی ، دانقلابی شورا دیس او
ذمی او دموکراتیک انقلاب دبرایلیتوب په ایوپلاهو سول چی دلرغونی او تاریخی صدراعظم ببرک کارمل اساسی ویناکره چی
نتیجه کی دموکراتیک نظام مینخ ته داتللو او افغانستان دنابود لو له پاره بین دخیل ست دهقی به یوه برخه کی بین وویل :
په تیوره بیا دطبقاتی جول جول ستمونو له جاسوس نامیه نحلیله الله په وسیله تطبیغول «دبلرنی وطن ملی جبهه دیولنیزو» سیاسی
منخه و پونکی انقلاب دنوی بی او بیل چی ۱۳۵۸ خو خنگه چی دافغانستان قبرمان خلک
کال دجدی یه شپن هه نینه دافغانستان دخلک دخیل هیواد سره دزیه له کومی مینه لری اود
دموکراتیک گوند (دهیواد دکارگری طبقی او خپلی وینی به وروستی خاکی هم دخیل هیواد ،
نورو زیار ایستونکو مخکنی) سره د هیواد خپلی خیلواکی ، دخاوری تمامیت او ملی حاکمیت
عملیونی برگنو یه ملاتراو پیوستون د جلال دفاع کوی ، دنی بیوال امیر بالیزم تول منحوس
امین اودده دجنایتکار بانه یه رانسکوریدلو پلانونه او نقشی چی دددی دهیواد او خلکو
سره بین زمونر دشواریدلو خلکوا دخیلو بجیانو ، کیتوهه تاوان رسی شنبوی اوله خاوروسه بی خاطر دعمکاری له پاره سره یوهونی کوی »
پلرونو او هیرونو یه بیلتون کپیدلو کوردنو برابریو .

زدو نه یس خوشحاله کمال او دلومیزی دوی چی هر وخت خیل هیواد او خپلی وطنالو نکوملی قوتونو جوخری یه خپلی اعلامیه
خل له پاره یس یه وجو شونداو خپلواکی دختر سره مخانع لیدلی ده نوخپلی کی له دغه علمی تحلیل سره دخیل یووالی
عملیتیم پاده کوونکی خلا خپره شوه ، یولی خوابدی ، دبمنی او تریکنی بی شانه او از داسی ملکری کو :
نیبیوال امیر بالیزم یه تیره بیا دامریکا نهی غورزولی او بیه یوه براخه جبهه کی سره دخیلو «مونی یه تینگ او خل نه منونکی اعتقاد سره
خوب ونکی امیر بالیزم له خیلو تور مخوانه بیلانو دبمنانو دلزیاتو پکو لو له پاره راچو شوی چی دخیلو خلکوبه خلاندومبارز و بی لرویه همه
(خونوونکی انگلیس ، لویی غوتستونکی چن او او خپل هیواد نهی نجات و دکریدی . زور احترام چی دخیلو پلرونو عالی دودونو
دعریبوه ارجاع سره نامقدس اتحاد و کر او او خپل هیواد نهی نجات و دکریدی . اوس چی دسیمی ارجاعی حکومتونو ، دکورنی اودستورونو یه لرو او یه عفو الیامونو سره
اددوی یه خپل اصطلاحیه دغه سیمه کی دامریکا توی ارتیاع سره یو خای دامریکا دنی چی دهفی له حمامه چوپوونکو جنگونواو
دیبوزلو خلکو یه وینولی لاسونه دهیجاله چین او دعریبو دار ارجاع په لمسه او هرای خیزه او بیلاس برمخ خواه مستقل ، آزاد افغانستان
نظمه نه شی بیلولی دوهره تاوردغی چی دتولی مرسته زمونر دهیواد یه کور نیو چارو کی آباد وو »

نری دخویلوله پاره بی خوله واژه کره اودنری لاس و هی او یه دغه سیمه کی دامنیت او کرادی داهنفه غیر امیریانی خخه خرگنده اویزو -
په هره براخه کی بی دلاس بیه به صورت کی دکبودوله پاره هرگونی علی خلی کوی ددی ونکی او از دی چی ددی خاوری دزیار ایستونکی
منکولی بشنی گری او بیه افغانستان کی بیه ایتیا محسوسه ده چن تول ملی او وطنی فوتونه انسان دعنه دغوره دود اودستور عالی هعنی
دخرگندی لاسوهنی یه ذریعه چی اتکارنه منونکی سره یو خای دبلاند وطن په براخه ملی جبهه
اسناد او شواهد یه هره ورخ زموقلاس ته کی راچو شی او هفته توی دسیمی او توطنی اعتقاداتو اوددی وطن دغرونو او دبستو هیونی
راخی یه سیمه کی دحالاتو دکبودوله له پاره یه داسی توگویکوی چی بیاعیخ وخت سرداپوره دفعه بین گریده او دخیلوکو عقاپانو دغه آزاد
زهیته براابر گریه اودخیلو تالی ختیوه وسیله نه گریه .

بن زمونر دهیواد او خلکو بی قدر دنا اعلان دغه ستر انسانی هدف ته در سیدللو یه غرض قوتونوا امیر بالیستی تور و غرفه نهی او
شون جنگی یه ترخ کی یه داسی غیر انسانی همدا خوورخی ترمه دجده یه شپرمه نینه ناولی سیوری او دددی داسونو دتا ختنونه
چارو او انسان و دنیولاس بیوری گری چی انسانیت دهیواد دتولو زدورو و امیریه نیو قومونو ، ملیتو نو تور گرد خخه آزاد او خپلواک ساتلی دی .

پری شرمنی او بشربالونکی نری تری گرکه او بیالویه گیون دانقلابی افغانستان یه مرکز دازهونه وسینز هوداونه هاتیدونکی اراده
کوی . کابل کی دبلرنی وطن دهیلی براخه جبهه دچوپیدو ده ، یه همنه هوداونه دغه اراده به برمخ خو
، دامریکا دنری خویونکی امیر بالیزم ددهمهاتو دبرا بر ولو او تداوک له پاره ستره او بیه افغانستان کی دخیلوانقلابی هدفوند
تاو ، غوسی دلیل خرگند دی او همه داجی تاریخی جرگه جووه شوه ، یه دغی جرمی کی تطبیق په وسیله له هر راز استثمار خخه خلاصه
دامریکا همه تول شر هیدلی پلانونه زمونر دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند دهیزی توونه جویوو .

مجله افغانستان

در طول سال گذشته نظر مطبوعات و شخصیت‌های جهانی درقبال:

دشمن و دفاع از استقلال ملی

و حاکمیت ملی و تما میت از ضمی
کشور ما فرستاد تا دو شادو شن
قوای مسلح قهرمان افغانستان
و مردم افغانستان در همکاری با
آن نقشه‌ها شوم امپریالیستی
وار تجا عن را نقش بر آب سازد.)
لیو نید ایلیچ بربیزند در مصادر
جهه مذکور بجواب نامه نگار

روز نامه ((براؤدا)) در مورد
ضرورت کمک نظامی به افغانستان
افغانی چنین فرمودند
((... تجاوزات قطع نشو نده ،
تو طنه نیروهای خارجی از تجاوز
که عمیقاً توسعه یافته است ،
تهدید واقعی از دست داد ن
استقلال افغانستان و تبدیل
آنرا یا یکاه نظامی امپریالیستی
در سرحد جنوبي کشور می‌باشد
بار آورد . به عباره دیگر موافقی
فرار سید که دیگر نمی‌توانستیم
در خواست حکومت افغانستان
دوست‌های را نادیده بکیر یسم
رفتار دیگر ما بدین معنی بود
که افغانستان به جنگ در نده
امپریالیزم گذاشتند می‌شد و به
نیروهای تجاوز کارانه اجازه
داده می‌شد درین کشور آنقدر
ما تی را تکرار کنند که به انتقام آن
مثلث در چلی موافق شدند که آزادی
خلق آنها در خون غرق شد
بود ...))

بنا بر این ضمیمان مقاله ای در مجله
گفتند : ((... در روزهای بسیار
دشوار هنگامیکه مردم افغانستان ،
عده خلافت خارجی در امور داخلی
افغانستان متوجه چنین نوشته‌دار
طی یکنیم سال سیل اسلحة از طرف
یق پاکستان بطور لا ینقطع سر ای
زیر می‌شد ، باشد های اجیران
بسیار آناییکه تحولات افغانی
را قبول نکردند و آرزو داشتند ،
افغانستان را پس به ایام
سلطنت و قتو دلیز بگردانند ،

در تبصره امروز به پیشواز
سا لکرد خیزش ۶ جدی ۱۳۵۸ که
انقلاب نور با پیروزی آن وارد
مرحله نوین و تکا ملی خود شد
شمه از بیانات مصالحه‌ها و
نشرات مطبوعات جهانی نرا (داخلی
و خارجی) در جهی کنیم تا چکو.

نکی و ما هیبت انقلاب شکوهمند
نور و موضع گیری‌ها مخالف
مختلفه جهان نرا در قبال آن خوبیتر
انعکاس داده باشیم :

بنا بر این ۶ جدی ۱۳۵۸ ببرک کارمل
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکرا تیک خلق افغانستان رئیس
شورای انقلابی و صدر را عظم
جمهوری دموکرا تیک افغانستان
ضمن بیانیه تا ریختی شان را جمع
به سقوط امین و امینی‌ها چنین
فرمودند : ((... اکنون درین
(افغانستان) انقلاب پیروز شد
خلق افغانستان سر تو شت خود

یت مردم افغانستان وارد مرحله
نوینی از انقلاب ملی و دموکراتیک
نور می‌شود ، دوران تا خت
و تاز و حاکمیت دودمان امینی‌ها ،
این مستکبرین و خائن بخلق
و وطن بیان رسید و جبهه ملی
پدر و طن به رهبری حزب دموکرا
تیک خلق افغانستان ، با اتکاء

به اراده اکثر یت عظیم توده های
مردم کشور و به کمک اردوی آزادی
بخش افغانستان ، بخاطر دفاع
از دست آوردهای بزرگ انقلاب
پر جلال نور ، قدرت حاکمه را
بدست گرفت . اکنون می‌باشد
ایمان را سخن داریم که انقلاب ملی
از عهدۀ دشوار یهای عظیم خلی
برخواهد آمد ، تاریخ مردم می‌باشد
درین لحظات یکی از بزرگترین و
شگفت‌انگیز ترین چرخشی‌رالجام

انقلاب افغانستان و مداخلات خارجی

می‌دهد که برای احراز آزادی و بود ، زمینه عملیات متجاوز یعنی
زندگی مستقل مردم ما ، اهمیت بر ضد افغانستان را فراموش ساخت . مردم تحت رهبری حزب
عظمی و بیان دارد ...) خت . مردم افغانستان که دموکرا تیک خلق افغانستان که
لیونید ایلیچ بربیزند منشی در راس آن ببرک کارمل قرار
عمومی کمیته مرکزی حزب کمو - نیست اتحاد شوروی و صدرهای
رئیس شورای عالی اتحاد شوروی
بر خاستند و آنرا نا بود گردند
امروز در واشنگتن و در بعضی
مراکز دیگر بمناسبت مرگ
امین گریه می‌کنند . این مردو -
آن روزهای اول انقلاب
و نی شان را به طور فوق العاده
آشکار و انشا می‌کند . وقتی
امین سرکوبی‌های دسته جمعی را
انجام می‌داد ... این گریه
کنند کان کجا بودند ؟ ...))

برک کارمل در مورد ضرورت
حیاتی کمک‌های اتحاد شوروی
متوجه کمک‌های محدود نظا می
از همان روزهای اول انقلاب با
تجاویز خارجی با مذاخله فاصله
در امور داخلی خود مواجه گردیدند
در بیانیه انقلابی و پر شور شان در
جلسه نیانیند گان رو شنیدند
شهر کابل که بنا بر این ۱۶ سپتامبر
۱۹۷۸ (نور ۱۲۵۷) در آنجا
خانه افغانستان (انقلاب پیروز شد
خلق افغانستان سر تو شت خود
را در دست گرفت در راه استقلال
و آزادی گام برداشت ... ولی
از همان روزهای اول انقلاب با
تجاویز خارجی با مذاخله فاصله
در امور داخلی خود مواجه گردیدند
هزاران و هزار شور شدند
ایکه در خارج تعلیم و تربیت
و تسلیح شده بودند یونیورسیتی
کامل مسلح به خاک افغانستان
فرستاده می‌شوند . امپریالیزم
یکجا با چاکران خود در واکیت
امر به جنگ اعلام نشده بر ضد
خلق افغانستان می‌دردت و وزید
هستی یا نیستی ، بود و نبود
... امین که با غصب قدرت سرکوب
بی‌های گسترشده علیه قشرهای
و سیمیجای افغانی ، کا در های
مطریح بود ، دوست دیرین و وفادار
ما اتحاد شوروی به خواسته
مت قانونی افغانستان یا سخن
همان افشار یکه انقلاب ابریل بر
خود را برای رفع و طرد تجاوز

عزیز ، آیا شو اهدی بیش ازین
ارا نه شد ه می تواند که ار تجاع
جهانی بسر د مداری امپر یالیزم
ایالات متحده امریکا جدا بادوام
جنگ اعلام نشده ای علیه
افغانستان قبرمان و انقلابی
دست می زند . از همین رو است
که ما به کمال مبارکه گفته
می توانیم که مردم دلیر افغانی
سی، آی، ای فعالیت خوش را با
نستان به کمک دولت افغانستان بین -
خدمات استخباراتی عربستان
الملکی خوش در رایوری
جمهوری شوروی سو سیا لیستی
که در اوایل ماه می ۱۹۷۹ از
مردانه همه این تو طنه ها را
جانب امریکا به ((ریاض)) ارا نه
نقش بر آب میسازد . با قرائت
چکو نکی تو طنه ها و دسایران
لیت به غرض تعمیق اختلافات
بین کابل و تهران و پرانگیختن
امپر یا لیزم و ار تجاع در قبال
انقلاب ، مردم و کشور ما حقا -
نیت این موضوع که خیز شن
پیروزی آفرین ۶ جدی ۱۳۵۸ که
مناسب برای دخالت نیروهای
طر فدار ایالات متحده امریکا در
امور ایران و افغانستان تضمین
و تامین شوند ...

نشریه اندیین اکسپرس چاپ
هندوستان بتاریخ ۱۵ دسامبر
سال ۱۹۷۹ نوشت : عناصر
ضد انقلابی در افغانستان از حمایت
یت حلقه های حاکمه چین ما نو -
نیست و پاکستان بر خور دارند
از مدت ها قبل بدینسو هیچ
کس شک و تردیدی ندارد که
ضد انقلابیون افغانی بر یا یکاه
ها نیز واقع در پاکستان اتفاقی
نمایند . غار تگران و خرابان
تو سط صاحب منصبان از دوی
پاکستان و چین تربیه می
شوند ... هم چنان دیلی تلگراف
چاپ لندن بتاریخ ۵ جنوری سال
۱۹۸۰ می نویسد : چین مقادیر
زیاد اسلحه و مهمات را برای
عناصر ضد انقلابی افغانی تهیه
می نماید . چین انتقال این اسلحه
را هم مستقیما از طریق سرحد
هم از راه جاده قراقره که در
حاشیه پاکستان منتظر می گرد
بعمل میورد ...

آزادی روز یتر بتاریخ ۱۸
جنوری ۱۹۸۰ خبر داد که : مصطفی
خلیل صدر اعظم مصر گفت که
حکومت وی در نظر دارد به قیام
کنند گان افغانی کمک های مالی
و نظامی ارسال نماید ...
خواهند معتبرم ، هموطن

نوشت : در نتیجه انقلاب ایران،
سی، آی، ای مقر خود را به پاکستان
انتقال داد و به اداره مذکور وظیفه
داده شد جریان و قایع در افغانستان
و ایران را از ینجا کنترول
کنند ...

مطبوعات اتحاد شوروی
(پراودا ، کراسنیه زویز داوسایر

روز نامه ها) یک عدد واقيعاً ترا
به نشر رسانید که بطور
طمثناه شهادت می دهد که در
هر کنگ تو طنه ها علیه جمهوری دمو -
کرا تیک افغانستان هماناسی، آی، ای
قرار دارد ورهبری مستقیم طرح
پلانک و تعییل حملات باشد
عای مسلحه از پاکستان را به
عهده خود گرفته است ...

روز نامه کابل نیو تایمز
بتاریخ ۲۱ جنوری ۱۹۸۰ نوشت :

جا سو سان زیاد سی، آی، ای
که متخصصین تنظیم فعالیت خواهند
بکار راند در مالک اسلام می
هستند پس از انقلاب توربندو لهم
جوار افغانستان اعزام شدند
محاذیل حاکمه پاکستان اجازه
می دهند از سرزمین آن برای
ایجاد تعداد زیاد مرکز تخریبی
در پهلوی سرحد با جمهوری دمو -

کرا تیک افغانستان استفاده به
عمل بیاورند . تروریستان فقدان
اسلحة و مهمات را احسا سنت
کنند زیرا آنرا پیوسته از ایالات
متده امریکا ، چین ، انگلستان و
مصر دریافت می کنند ...

جريدة انکاچ العریبی در
شماره ۸۰ سال ۱۹۷۹ خوش
می نویسد : اداره مرکزی
استخبارات ایالات متحده آمریکا
برای خرابکاری بر ضد افغانی
نشست و ایران از گروه های
افغانی مسلمانان کار می گیرد .

برای انجام مداخله تعلیم و تربیه
می شدند . تعلیم و تربیه این
اجیران از طرف افسران سی -
آی، ای یکجا با مشاورین چینی
عملی گردید و اجیران مذکور
در گار نیزیون های پاکستانی
پرا تیک داشتند . پاکستان به
پا یکا عملیات جنگی علیه
افغانستان مبدل شدند ...

مجله نیوز ویک چاپ ایالات
متده امریکا بتاریخ ۲۸ می سال
۱۹۷۹ نوشت : در بین اعضای
اداره کارتر راجع به مذاخلة
مخفیانه ایالات متحده امریکا
در جنگ داخلی بین مجاہدین
و رژیم ترکی مبارکه حثایت جریان
دارد ...

مجله ((الشعب)) چاپ لبنان
بتاریخ ۱۶ جنوری سال ۱۹۸۰ می
نویسد : پلانهای ضد انقلابی
جنگی به باندهای ضد انقلابی
اجیران در افغانستان در طی جلسه
شورای امنیت ملی دروازنگان به
تا ریخ ۲ جنوری سال ۱۹۸۰ مطرح
بحث قرار گرفت . در جلسه مذکور
تصمیم گرفته شد به همه سازمان
ها و گروههای افغانی ضد حکومتی
متی به مقصد تشدید فعالیت
خرابکاری شان و تحریکات
بر ضد اداره افغانی و شوروی
در کشورهای مختلف کمک متنوع
ادامه داده شود ...

در ماه جنوری سال ۱۹۸۰
سناتور ((چارلز پرسی)) در -
سنای ایالات متحده امریکا گفت
ما باید به نیروهای ناسیونال
لیستی و مجاہدین ! در افغانستان
کمک مستقیم را اهداء نماییم ماباید
به پاکستان با اسلحه مساعدة
مستقیم کنیم ...
نشریه ملیت چاپ پاکستان به
تاریخ ۴ جولای سال ۱۹۷۹

سال ۱۳۵۹ در قیمت خرید پخته دانه‌دار بیست
فیصد و قیمت خرید بلبو سی فیصد افزایش
بعمل آمد .

ببرک کارمل هشی عومنی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دیوبس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت سه و نیم بعداز ظهر ۲۵ دلو
هیات سازمان غفو بین المللی رادر مقر شورای
انقلابی پذیرفتند .

در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
شامل ممتاز سوسل و ایران ترکیبیون می‌

دګرسان



داغستان دخلک دموکراتیک گوندمر کزی کمیته عومنی هشی داغستان دده‌گراییک جمهوریت دانقلابی شورا دیوبس او صدراعظم ببرک کارمل گله چی بی یوشیمیر انقلابی او بیکارغوبنستونکی
مبازان چی دور دکودچک چیپی نه تلی و دانقلابی شورا دفتریه بن کی دکتن له یاردهنلی او ورسه خبری گوی .

ببرک کارمل از طرف کمیته مرکزی حزب بوده واژاین روز خجسته و میمون مردم متدين باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی حقوق بشر در افغانستان پس از هرچله نوین
و مسلمان مادر سراسر کشور تجلیل بعمل جدید چمهوری دموکراتیک افغانستان

آوردند .
و مسلمان مادر سراسر کشور تجلیل بعمل
انقلاب تور بکلی احیا گردیده است .

فاکولته ژورنالیزم وابسته به انتیوت علوم
به مقصد تشویق و تقویه بئیه اقتصادی
زارعان بخنه کارو بلبلو کار کشور و محکمان
به منظور ارتقای سطح تولیداین دو نبات در
بایانیه دستگیر پنجش ری غضو بورزوی سیاسی

او چریدو یو شمیر ژورنالیستان او استازی
دمعطبوعاتی هرکی له پاره و متل .
جندید چمهوری دموکراتیک افغانستان
به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ بعیت

منشی عومنی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و دیوبس شورای انقلابی
صدراعظم چمهوری دموکراتیک افغانستان
انتخاب شد .

پانزدهمین سالگرد تاسیس حزب برافتخار
دموکراتیک خلق افغانستان رو ۱۱ جدی ۱۳۵۸
جله مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان انعقاد یافت .

اعضای حکومت و بعضی از فعالین حزبی در
تالار عمارت چهلستون تجلیل گردید .
داغستان دخلک د دموکراتیک گوند د
مرکزی کمیته عومنی هشی د افغانستان

ددموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا دیوبس
او صدراعظم ببرک کارمل ۱۳۵۸ دیوبس
انقلابی شورا د مرکز یه تالارگی د بهرنیمو
بین المللی خبری آزانسونو رادیو تلویزیون

id

بیزک کارهله منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دنیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت هیات
اتحاد یه بین المللی حقوق دانان دموکرات رادر
مقر شورای انقلابی (ارگ) برای ملاقات
بدین فتنه.

برو توکول نصب و بکارانداختن یک استیشن
زیمنس استفاده از قمر مصتوبی به متلوریخش
واحد نشرات تلویزیونی و انجام خدمات مخابراتی
بین وزارت مخابرات جمهوری دموکراتیک
افغانستان و موسسه پرورش اکسپورت اتحاد
جمهوری شوروی سوسیالیستی ۳۰ حوت در کابل
عقد شد .

قرار داد خریداری سی هزار تن شکر و علم مبارک روپه مطہر شاه ولايتماپ حضرت
تقدار هفت هزارو نهصد تن شکر کهان بسلا على گرم الله وجه در شهر هزار شريف هر كنز
بوقس اتحاد جماهير شوروی سوسیالیستی ولایت بلخ قسمن مراسم باشکوه و مجلل روز
تاریخ ۲۰ حوتدر کابل عقد واستناد هربوط آن اول حمل افراسه شد و توام به آن میله
بیادله گردید .

نخستین کنفرانس زر اعضا جمهوری
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دموکراتیک افغانستان ساعت ده و نیم قبل از
وعضو شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک ظهر ۷ حوت با بیانیه انقلابی بیرون کارامل منشی
افغانستان در انتستیتوت پولی تغذیه افتتاح عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم شد .

* * *

جمهوری دموکراتیک افغانستان در قصر دلکشاہ (ارگ) افتتاح گردید .

در مراسم افتتاح این کنفرانس اعضا در افغانستان شب ۲ حوت در فیافت مجللی بوروی سیاسی و اعضا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اعضا شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز اشتراک ورزیده بودند .

بیرون کارامل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شب ۴ حوت در فیافت مجللی اشتراک گردند که به مناسبت شصت و دوین سالگرد تاسیس اردوی سرخ و رهایی بخش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سفارت کبرای آن گشورد مقیم کابل برگزار گردید .



بیوک کارهمل منشی عمومی گمینه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، هنگامیکه بایکی از زارعان کشور مصالحه می نهایند.

یکسال در یک هفته^۴

انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
هزاران شورای وزیران شام ۵ حمل در
زراعتی هریو طبقه ریاست پروزه اکشاف وادی
بزرگ پشتون در مقر شورای انقلابی (ارگ) ملاقات تودیعی بعمل آوردند.

عنوانی وباستانی گل سرخ آغاز گردید.

هنگام افراسن علم مبارک حضرت سعادولایتماب
هزاران نفر از مردم شریف نجیب و مسلمان
ماکه از اطراف واکناف کشور جمع شده بودند
ترقی و تعالی کشور صحت وسلامت مردم
افغانستان پیروزی های هرچه بیشتر انقلاب تور
زعامت حزب و دولت جمهوری دموکراتیک
افغانستان را از خداوند متعال آرزو بردن.

هفتاد چهار هزار تن گندم امسال از فارمابی
افغانستان شورای وزیران شام ۶ حمل در
هزاران شورای انقلابی جلسه نمود.

۱۹ حمل :

روز جهانی صحت تحت شعار، سگرت
یا صحت انتخاب با شماست درسراسر گشود
با برگزاری معاهله خاصی تجلیل گردید.

۲۱ حمل :

جشن جیالوجست ها فمن محفل باشکوهی
از طرف وزارت معدن و صنایع درادیوریم
انستیتو پو لی تختیک برگزارشد.

۲۵ حمل :

دو صد هشتاد ویکمین سالگرد (ویساک)

جشن مذهبی اهل هندومن هراسی شانداری
مطابق بهرسوم و عنوان مذهبی در دو مسال
کاره بروان تجلیل گردید.

۳۰ حمل :

جلسه باشکوه حزبی کمیته هرگزی و کمیته

شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
هزاران شورای وزیران شام ۷ حمل در
هزاران شورای خان زعیم
مقر شورای انقلابی جلسه نمود.

۱۲ حمل :

برای دو صد و شصت و نه هزار مامورین،
کارگران و اجریان دولتی و در هر کز و ولایات
گشود امسال بیش از چهل قلم مواد اولیه
واموال مورد فضورت از طریق کوبون توزیع
میشود و بیش از یک میلیون و هشتاد هزار
اعضای فامیلیا کوبوندار از مواد واموال

کوبونی استفاده می نمایند.

اعضای هیات عالیترین افغانی که به ریاست

سلطان علی کشمند غضو بوروی سیاسی کمیته

مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان،

معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم و

انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
عصر روز (۵) حمل باخان عبدالغفار خان زعیم
بزرگ پشتون در مقر شورای انقلابی (ارگ)

ملقات تودیعی بعمل آوردند.

دوازدهاری سه صد بیست و پنج میلیارد مت

مکعب گاز ذخیره جر قیوق و خواجه گوگرد

برای سال ۱۹۸۰ به اتحاد چهارمین شورای

صادر میگردد که عواید حاصله ازین هدایت

نرخ روز در حدود دوصد میلیون دلار بیشتر

گردید که در شترین قلم عایداتی کشوریه

حساب می آید.

علم مبارک حضرت امام محمد باقر (رض)

روز پنج حمل طی مراسم باشکوهی بر افراد

شید.

بتاریخ ۶ حمل برای نخستین بار در تاریخ

روز ۲۱ مارچ ۱۹۸۰ مطابق اول حمل ۱۳۵۹

صادف با روز بین المللی املاح تبعیض نژادی

بوده و به این مناسب از طرف ببرگ کارمل

منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دموکراتیک

خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و

صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی



ببرگ کارمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیه هیأت اتحادیه بین المللی حقوق دانان
دموکرات را برای ملاقات تعاریفی در مقر شورای انقلابی پذیرفتند و با آنها صحبت می نمایند.

حداد گردید که شام جمهه اول حمل ۱۳۵۵
وزیر اموریلانگداری جیت مذاکره و عقد مفاوضتname شهربی شهر کابل حزب دموکراتیک خلق

آزادی سیاست سریلند وزیر اطلاعات و کلتوراز
او برو توکولهای همکاری اقتصادی، تاختیک افغانستان به نسبت یکصدو هعین سالگرد
علومی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و توله ولادیمیر ایلیچ لنین بنیانگذار حزب

جمهوریت سوسیالیست چکوسلواکیا به براک
جمهوریت سوسیالیستی اکتسبر و بنا نگذار
رفته بود روز ۱۴ حمل به کابل مراجعت کرد.

دولین دولت سوسیالیستی و پیشوای طبقه کارگر
بن امللی و تمام زحمتکشان جهان بعد از ظهر
۲۶ حمل در قصر دلکشا برگزار شد.

۳۰ حمل :

برای تعمیم و تعمیق سیستم تعلیم و تربیه

رایگان و همگانی مدرن مطابق به مسوذین

منطقی و انسانی بدون هر نوع تعیین و امتیاز

طبق پلان پیشیگانه شده اصله از یکصدو

الفغانستان مخابر اخبار داخلی گشود ماز طریق
از انس با خبر به جهان خارج مستوفیها آغاز
طریق رادیو و تلویزیون جمهوری دموکراتیک
الفغانستان قرائت گردید.

علم مبارک حضرت امام عجمی با پسرگذاری
هر اسم باشکوهی بدعا تحقق اهداف والای
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس

شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
الفغانستان شورای وزیران شام سوم حمل در
هر شورای انقلابی (ارگ) جلسه نمود.

ببرگ کارمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب
تحت ریاست ببرگ کارمل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس

بیرون کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دنیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ظهیر روز ۱۷ نور در غیافتی استراک
نمودند که به هنابت سی و ینجمن سالگرد
روز آزادی چکوسلواکیا از بوغ فاشیزم در
سفارت کبرای آن کشور مقیم کابل ترتیب
شده بود.

هزدهم نور ۱۳۵۹ مطابق ۲۸ دی ۱۹۸۰
جهانی سره میاثت عابده وظیق معمول ازین
روز بسویه بین المللی تجلیل گردید.

۲۲ نور:

بروزه نصفه گاز جرائد واقع در حومه شهر
شیرخان مرکز ولایت جوزجان که به همکاری
و مساعدت تغییک کثیر دوست و همسایه
بزرگ اتحاد جماعت شوروی سوسالیستی
به پایه اکمال رسیده است ضمن مراسم خاصی
التحاج گردید.



یلان اکتساب اجتماعی، اقتصادی جمهوری
دموکراتیک افغانستان که قبلاً مورد ارزیابی
و تصویب بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان و شورای وزیران
سازمان جوانان ازاد جمهوریت دموکراتیک
جمهوری دموکراتیک افغانستان فرار گرفته
و خبر آن به نشر رسیده بود در جلسه تاریخی
۲۲ نور ۱۳۵۹ هیات رئیس‌شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان به تصویب‌نها بررسید.

۱۰ نور:
طبعه حزب دموکراتیک خلق افغانستان که
به مساعدت جمهوریت دموکراتیک آلمان اعمار
میگردد ضمن مراسم رسمی در منطقه صنعتی
نخستین کنگره معلمان جمهوری دموکراتیک
افغانستان که به تاریخ سوم جوزا ۱۳۵۹ با
پاچرخی تهداب گزاری شد.

۱۲ نور:
شکوهمند نور بارسم و گذشت نطفات مختلف
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان شام ۸ نور هیات های کمیته
جمهوری دموکراتیک افغانستان و روزه باعث
سازمان های حزبی و اجتماعی واشاره ملی و
کمونیست دیمتروف جمهوری مردم بلغاریا

بیرون کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس‌شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در غیافتی به انتشار علم و روحانیون ترتیب شده بود با انتباخت می‌نمایند.

یک‌سال دریگ هفتیه

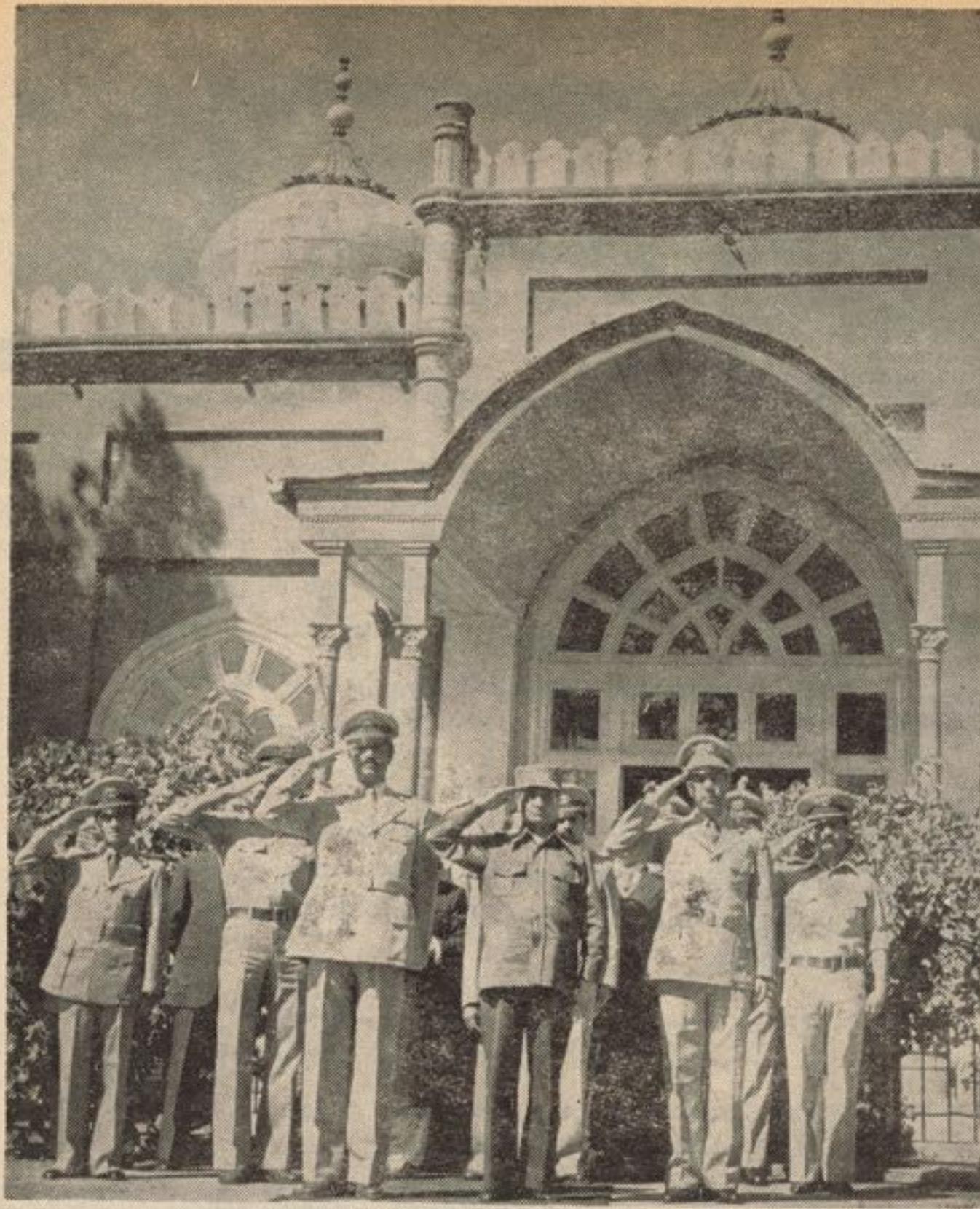
خارندوی و سازمان های حزبی و اجتماعی را قبول
و رسماً گذشت آنها را مشاهده نموده با ابراز
حساست گرم آنها پاسخ دادند.
سورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند.

۷ نور:
بیرون کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
تعطیل ازدوین سالگرد برافتخار انقلاب

روز اول ماهی روز عبستگی بین المللی
کارگران جهان طی مخالف و گردهم ای های
دنیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
باشکوه و شاندزی در سرتاسر کشور تجلیل
جمهوری دموکراتیک افغانستان رسماً در کابل
گردید.



بیرون کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس‌شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ایراد بیانه شان در جلسه فعالین حزبی
کمیته ولایتی و شهری ولایت کابل



پیکال در یک هفته

شده بود روزه جوزا با صدور پیام شرکت کنندگان
کنگره باران یافت.

۱۲ جوza :

روز جهانی طفل در مرکز و ولایات کشور
تجزیل گردید.

۱۳ جوza :

با ساس قبصه سورای وزیران و در تبعه
فراغم آوری تسپیلات و شرایط بهتر از طرف
جمهوری دموکراتیک افغانستان امسال
شش هزار نفر از هموطنان مسلمان و متدین
ماجرب ادای فریضه حج عازم بیت الله شریف
گردیدند.

۱۴ جوza :

دروزارت یلان گذاری ۲۱ بروزه تولیدی به
سرمهای مجموعی بیش از ۳۶۰ میلیون افغانی
منظور گردید.

بیرک کارمل هشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
سورا ی انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت نه قبل از ظهر ۲۰ جوزا با همراهان

جمعیت العلمای افغانستان و نمایندگان علماء
روحانیون شهر کابل در مقبر شورای انقلابی
(ارگ) در حالیکه عبدالوهاب صافی معین وزارت
عدلیه نیز حاضر بود ملاقات و گفتگو نمودند.

سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی
کمیته مرکزی حزب دموکرا تیک خلق افغانستان
معاون شورای انقلابی معاون صدراعظم و وزیر
پلان جمهوری دموکرا تیک افغانستان به غرض
اشتراک در جلسه سالیانه روسای حکومات کشور
های شورای تعاون مقابل اقتصادی ۲۵ جوza
در راس یک هیات عازم پراگ گردید.

نخستین کنگره کارمندان طبی جمهوری
دموکرا تیک افغانستان بایانیه بیرک کارمل
منتسب عمومی کمیته مرکزی حزب دموکرا تیک
خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکرا تیک افغانستان قبل از ظهر
۲۶ جوزا در تالار سلام خانه ارگ رسما افتتاح
گردید.

بیرک کارمل هشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ادای نهاد عید سعید فطر سلام کارد را قبول نمایند . در عکس وزیر دفاع ملی و عنده ای از افسران اردوی قبیرمان افغانستان نیز دیده هیشوند .

بازدید مساجد و اماکن متبرکه و ملاقات
با مسلمانان اتحاد جهانی رهبری سوسیالیستی
بازم آن کشور گردید .

بیرک کارمل هشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورا ی انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان عصر ۱۷ سرطان شرکت کنندگان
سیمینار هشی هاو معاونین کمیته های ولایتی
سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان را برای
ملاقات در مقبر شورای انقلابی پذیرفتند .

۲۱ سرطان :

ستشن زمینی اتمار مصنوعی بخاره پخش
افغانستان طی فیلأت چاشتی که به انتشار
جریان بازیهای المیا (۱۹۸۰) مسکو و
بریگامهای تلویزیونی اتحاد شوروی به
افغانستان توسط سلطانعلی کشتمند معاون
شورای انقلابی ، معاون صدراعظم و وزیر پلان
کردند .

یک هیات هشتاد و هشت نفری مشتمل بر بالقطع نوار و فشارد کم مخصوص افتتاح گردید .
(باقی مدار)

تصدیق نامه های دوین دوره فارغان فاکولته روحانیون ، علماء و موسفیدان شهر کابل برای

ستارگان سرخ

په هفو شیبو کي چي زمو نبر
کېيدلی او با تور او لس ددو يسم
خل لپاره دانگریزانو بنسکیلاڭىرىقۇت
له هيواود نه و روسىتە زەمونىز دىگران
وطن په غىر (دېفمان پەزىزگەر درە)
كى يو ماشومۇزىزير چى دامان ا لىه
په نوم نو مول شو .

امان الله خان په ۱۸۹۲ کال
و زىبىر يە . او په ۱۹۱۹ ع کال
كى دا فغانستان وا كمن شو چى
زمۇر دىمعا صار تارىخ يوه نەھىرىدۇ
نکى خىرە گىل كېرى .

دەغە ستر ملى كارونە دادى چى
دمى يەتوب دود يى لە مېنىخە يۈۋەر او
دەھيواود ېول مەرييان او مېنىخى يىس
آزادى كىرى .

لە سىياسى پلوه دا فغانستان
لۇمۇرنى اساسى قانون چى د
مشروطە يارلىمان حۆكمت بىنىت
يى كېسىد دلو بىرى خل لېمارە
دەغە بە تو سەت زەمىنخ تە شۇ دەغە
رەز ددو لىت دەشىلەن تو بوا لى
بە نظامى يەرچە كى لە سو نىمە
درېسا تىر قاسىزى رسالو دوسلو
دجورۇلۇ دقا بىرىكى تو يۇوا لىسى
پە مالى آزادى يەرخە كى تو بىت ،
دىتىرۇ ناپىرو استنادو سو خى قول
دەخلىر لىسو برا نىستل (اما نىمە

امانى ، غازى او استقلال) درېس
مىسلكى بىسۇونخىيۇ پېانىستىل (كىرنى
تلىگراف او ژېبى) دېنىخۇ دانجىمن
پېانىستىل بېر تە دا فغانىسى زىدە
كۇو نكۇ لېرل ، دەمۇزىم منىخ او تىيانار
او سىنى منىخ بە را و سىل دراپىي - و
لۇمۇرنى دىستگاه ، مطبعى او او سىنى
پېتىلى پە كار اچ قول ، هەنە نە

ھېرىدۇ نكى تو بىتىو نە دى چى لە
بىدە مەنە دەغە وخت د تو رو
ارتىجاع دىسیسو لە كېلە لە ناكا مى
سەرە مخامنخ شوى .

درود بروان پاڭ تان اى آزادى خوا هانىكە هەمچو ستارگان سرخ در
آسمان دل وطنپىر سitan وعا شقا ن آزادى تلالۇورخىشىند گى دارىد و تجللى
كارنامە ھاوپىكار ھاي وطن بىرستانە تان هەمچو ستارگان جا ويدان راه
زندگى آيند گان را منور و تابنالا ساخته است .

• • •

رايىھە گلپای سرخ نشار آرا مگاھ تان اى مردان متورزەمند گان مېھن
كەما نىند شەق سرخ در سچىزندگى ماطالع شىدىد وافق تار يك را ازگە
يىان كوه ھا تا بدامان دشت ھا پارە گردىد و زۇيا يائىزندگى رانور بخشىدىد .

روان پاڭ تان در بېشىت باد، اى مەتفىكىرىن . اى نويسىندىگان و شاعران
راه آزادى كە خامە بانفۇد و توانا ئى تان بىر نە ترازىشمەسىر در حر كەت
افتادەوراھ زندگى و آزاد گى راتابناڭ نەمودىد درود بىر سما ئى عنى مەندان
باقۇظمەت كە سر انكىستان مەقدىر و خلاق تان روی بىر دەھا تار ھاي مو سىقى
وھنر ھاي زېباي روچ يەرور تۈام باعشقۇ وطن درحر كەفتادو آھنەتكەھاى
آسمانى آن هەمچو نوای سەحر انگىز فەرىشتگان آزا دى در گوشعا شقا ن
وطن طىنەن اندى خت جىنىش آورد و جەپىش جا ويدانەار مەقان كەد .

• • •

درود بروان پاڭ تان اى سپاھىيانىكە جانباز يە ئى رەها يىس بخشى تان
بىرىشىتگان مېھن آزاد سر مەشق بىزىگ و دەستور زندگى آزادەاست .
روان پاڭ تان در بېشىت باد اى شەهداي راه انقلاب تۈرۈستا ر گان
سرخ افق دوشىن تار يىخ ما كەرىختەن قەترا تخون پاڭ تان آغا زەنجىر -
شىكىن و دىگەر گونى این دىيار رەز مەند گان شد .

غلام حیدر خان چرخی

شیوه قبلی را به غرض تا مین
اعمال خود دنباله کند عفو عمومی
آنهم بمحاطه فریب افکار جما نیان بوده
اعلام گرد کنه تنها شا مل
حال این سر سپرده راه آزادی
نشده بلکه برای اسیر گرفتن
ویا بدست آوردن سر او دو لست
انگلیس جایزه تعیین کرده بود.
لودویک ادمیک گرد آورنده کتاب
(عواز هو) زندگی نامه این چهره
مبارزو وطن پرست را بر رسمی
نوده است که بذکر نکات مهم
آن می پردازم :

غلام حیدر خان دشمن سر سخت
انگلیس باشد .

عصمت الله خان از چرخ لو گر بوده
انگلیس در حالیکه از کار سبکدوش
بود با گروه زیادسر بازاند او طلب
سپه سالاری رسیده است وقتیکه
انگلیس باشد به خاک افغانستان از راه
های مختلف حمله کرده یکی هم
عمومی نام نهاد جنرال را بر تس در
راه علی مسجد بوده و غلام حیدر
حالیکه تمام سیاه کاری های
خان قوماندان قوای افغانی در همین
 محل (علی مسجد) بود.

ادمیک تائید می کند وقتیکه
گردیده و بیش از این نمی توانست
بقیه در صفحه ۱۷



غازی امان الله خان



غلام حیدر خان چرخی

داغستان له آبادی و دانسی او
او زبی خلک خانته رابنکیل . دهله
کله چی له وطن و شرل شو بیاهم
به هله کی کموالی رانه غی دا سی
ویل کبری چی یو وخت دهله یو
ملکری او دوست وطن تهرا ته هله ته
یی وویل چی له وطنه خه در ته
راویم هله ورته وویل : (یوه موئی
خاوره یی) او دمر گ په شیبو کی
دهله یوازنی وصیت دا و چی
به خیل وطن کی خاوره ته وسیارل
شی .

هو کی هله دمر گ تر شیبو
بوری له افغانستان او افغانان تو
سره مینه در لوده .

خو له بده مر غه ارجاع دی په
دهله یو نوی غو بنتو نکی لا ربنود
او چی له نو یوا لی سره یی زیاته
مینه در لوده هله دیبان د آزادی او
انسانی کرامت ته زیاته عقیده در لوده
او دیوره عقایدو ته یی احترام کاوه .
دهله ستر صفت دو طن سره
نه جلا او ارمانو نه دگور خاوره ته
مینه و له افغانستان سره مینه و پی .

دهله یو نوی غو بنتو نکی لا ربنود
او چی له نو یوا لی سره یی زیاته
مینه در لوده هله دیبان د آزادی او
انسانی کرامت ته زیاته عقیده در لوده
او دیوره عقایدو ته یی احترام کاوه .
دهله ستر صفت دو طن سره
نه جلا او ارمانو نه دگور خاوره ته
مینه و له افغانستان سره مینه و پی .

نیست به مردم افغانستان خیلی ناروایی و حق-
کنی رو داشت . این مرد تاکه توانست
آدم کشت و عمرش را صرف مال اندوزی و کسب
نرود و مکنت کرد و چون خود از مردی و
مردانگی بی بیزه بود یعنی مدتی قبل توانایی
رجولیت از اورا گرفته بودند لاجرم از خود
فرزندی بجای نکداشت و از نعمت ازدواج برای
همیشه معروف گشت هاشم زمین های خوب
و درجه یک رادر کابل و نواحی آن همراه با سایر
برادران و برادر زادگانش غصب کرد و بدین
گونه عده زیادی از دهستان و زحمت کشان را
به برداشتن و بندگی و اطاعت فروں و سطایش
خانواده نادری در آورد .

و رسکستکی اقتضا دی :

من دانیم که هیچ تحول سیاسی و تاریخی
نیست که یکی از عوامل انشاء آن، عامل
اقتصادی نباشد و هیچ پدیده تاریخی و سیاسی
هم نیست که منشاء یک تحول اقتصادی
نشود .

خانواده نادر به این نکته توجه فردی و کاملاً
عندی داشتند و تصور می کردند که کشور
افغانستان مایملک خالص چند فرد خانواده
موصوف می باشد بنابر این، تمام عواید و در
آمد های این کشور را در میان افراد خانواده
خود و یا خانواده های وابسته به خود تقسیم
کردند و بدینوسیله زمینه غارت و چاول اموال
 عمومی و بیت المال کشور را برای افراد
نژدیک شان فراهم ساختند . آنان چون دوران
سیاه عبدالرحمان خان برای تمام افراد اعشاری
خانواده نادری و برادرانش و سایر افراد وابسته
به آنان حقوق مستقری تعیین کردند که با
توجه به افزایش جمعیت که در طی چندین سال
بدينگونه که دو سال بعداز زمامداری نادر برادر
اوکه محمد عزیز نام داشت و پدر داود خان
بود در برگین بدست جوان افغان بنام سید
کمال به جریان توهین به مقدسات ملی افغانی
به قتل رسید و از آن گذشته عده ای از جوانان
های هنگفت را نهاده از این روزگار این شیوه
ویا ایجاد عوارض مالیات کوئنگون ارضی و
گمرکی ستگین بردن . اعمالیته اموال وارداتی
افغان و نویسنده این که مدتی در راه کسب
خانواده سلطنتی از محصول گمرکی، محصول
سوخت برق و محصول تلفن و غیره معاشر شمرده
می شد واحد حق نداشت از این منازل و این
افراد مالیاتی را تقاضا و یا مطالبه کنند .

برای اینکه در این زمینه برداشت دقیق تری
ارائه داده باشیم به احصایه زیر استناد می
باشیم سپردن نادر، فرزند جوانش بنام «محمد
کنیم» در سال سقوط دوره امپراتوری افغانی
ظاهر که از سواد و داشت کافی بی بیزه بود
و نسبت به تعهدات پدر خایش با اینکلیس
عاظه ای امدادگی نمود توانست با همراهی کاکا
آن شش میلیون افغانی بود اما در سال ۱۳۲۸ ش
و در زمان حکومت خانواده نادری و برادران و
برادر زادگانش، عواید دولتی به شمول عوارض
چون این جوان خیلی غبی بود، لاجرم
کاکاها باشند مسوویت زعامت گشود افغانستان
را بعده گرفتند که در آن جمله «هاشم» بود که
سلط گشت و به مقام سلطنت رسید .

پرده‌ها از رخداد حقایقی افتاد

به پول و نان از گلیس پروردش یافت و به اشاره ابروی

او به مسند سلطنت نشست

توضیح : این مقاله باید خیلی پیش از این به نشر می رسید ، ولی از آنجاییکه امین خان
و یاند خون آشناش در مطبوعات کشور مسلط بودند از نشر آن که پرده از اعمال ولی نعمتان
شان بر می داشت چلوگیری کردند . اکنون که زمینه برای آزادی بیان حقایق تاریخی و اجتماعی
جامعه نیمه فیودالی و ماقبل فیودالی گذاشته است، به نظر این مقاله که محتوای آن جالب
خواندنی و تحقیقی می باشد ، اقدام گردید . تاخوانندگان بدانتند که در شرایط اجتماعی ،
سیاسی و اقتصادی گذشته چه ستمایی که براین جامعه اعمال تکرید و چه فجایع که بر
هردم بکار گرفته شد !!

نادر همین که قدرت مطلق زمامداری افغانستان
تور سال ۱۳۵۷ در افغانستان انقلاب ملی و
دموکراتیک بر عربی حزب دموکراتیک خلق افغان
ستان به پیروزی رسید .

در باره این انقلاب بی نظر و چگونگی
به مردم آزمایش و اجرا گذاشته، انجام آنرا
میتواند که به سقوط خانواده نادری و دادوی
عبدالرحمان خان ۱۳۱۹-۱۲۴۷ ه ق) نام
منتهی شد، حرثهای زیادی مطرح گردید که هر
کدام گویای واقعیت های عینی رویداد های
کمپ وطن خواهی در سر داشتند و نسبت به
انقلاب روشی شدن این امر لازم است نظری گذاشت
به گذشته دیوان سالاری این خانواده انداخته
خود را از ملت ستم کشیده افغان
در افغانستان موجب انقلاب تاریخی را فرام آورد
و خود سر را به وجود آورد که در سایه ترس
و گشتن و خونریزی اداره میشد و هالکسیاه
داد که دشمنان واقعی مردم این کشور چه
کسانی بوده اند و علت عقب هاندگی این کشور
و سپید افغانستان بود .

نادر که همه خصایل و رسوم امیر
عبدالرحمان خان را دو باره زنده گرده بود به
این هم اکتفا نکرده به تفرقه اکنی و تبعیض و
حبیب الله کوهدامنی حکومت می گرد، محمد
نژاد پرستی دست یازید و دین کونه نفرت و
نادر که به پول و نان اینکلیس پیوسته بود
بدینش و خصوصیاتی که فیودالی، قبیله پرستی
و قیام گرد و به اشاره دولت هند اینکلیسی و با
کمک مستقیم هادی و معنوی آن به افغانستان
آمدو همراه با برادران خود بر کشور افغانستان
و وحدت عز چه تمامتر تشویق گرد و در این

آنان حتی در هنگامیکه در افغانستان خشک سالی آمد و جان عده زیادی از افراد این کشور را گرفت نیز دست از خارج تو چیاول برنداشتند و به همان عوارض و مالیات زمین و مسال پرداختند و هیچ نوع کمک لازم برای این مردم فقیر و بیچاره به عمل نیاوردند تعداد تلفات افراد افغانی در این سال خشک ، خیلی متکین بودکه به حدود صد هزار خانواده ویا بیشتر از آن بالغ گردید و چنان وضعی بوجود آمده بود که خانواده های ناتوان و فعلی زده ، دختران و فرزندان جوان خود را همچون فرون وسطی در بازار سبزه عرضه کرد و به بول ناجیزی به فروش کشته بودند اما کسی نبود تا این بیتوایان را پیدرا سود .

بدنام کردن ملت افغانستان و سقوط سیاست خارجی:

از روز گاریکه نادر همراه با برادرانش بجان ملت غیر و ناآوان افغانستان افتادند همواره تلاش شان در این جهت بوده است که این ملت را در نظر ملل جهان ، یک ملت وحشی جاهل ، متفصبه و مرتاج و کنه پرست و سفال معرفی کنند. وضعنا خود را همراه با اعضا خانواده ، یکانه رسمی انسانی و ترقی دهنده امور دین و دنیا ملت نجیب افغانستان فرار دهند.

این سیاست ناپاک راکه نادر در عمل مطرح گرده بود، در واقع همان سیاست امیر عبدالرحمان بود جون که او هم نسبت به ملت افغانستان نظر مساعد نداشت و آنافرا مردم خاین وی وفادانسته و نگداشت افراد افغانی غیر از اعضا نزدیک خانواده سلطنتی در امور حکومت داری چه در داخل و چه در خارج مشارکت کامل داشته باشند. این بودکه چون نادر چنان سبزه، جانشینانش همان روش سخیف اوره قدم بقدم دنبال گردند و مخصوصاً به وزرای خارجه خود دستور صادر گردند نادر این راه فعالیت گسترده ای را به دست اجرا بگذارند و نگدازند بیزوه شکران خارجی با دانشمندان افغانی در تماس آیند و حتی تا سال ۱۳۳۱ شماره تلفن های سفارت های خارجی در کابل تولید حشیش مایع وی بی بی رادر کابل برآمد انداختند . این دستگاه ها شبکه های چندین بار به وزارت خارجی افغانستان در آن سیر مستقیماً وصل شده بود. یعنی که هیجکس نمیتوانست و حق نداشت آزادانه و بدون اطلاع وزارت خارجی بایکی از اعضا سفارت های کشور های خارجی مذاکره کندو یا تماس بکیرد . به قول طنز نویس افغانی (وزراء خارجی) دولت سلاطنه نادری فقط یک مقصود بیکه هدف را دنبال میگردند و آن این بود که توسعه گماشتن این چیزیکه خانواده نادری و دارو دسته شان از تمام دنیا بفهاشند که در افغانستان غیر از چند نفر از اعضا خاندان دودمان سلاطنه، فردی دیگریکه لیاقت اداره و زمامداری این کشور را داشته باشد اصلاً موجود نیست و سر زمین افغانستان بعداز زادن این فرزندان، عقیم شده است .

نظر فوق را یک نفر فرانسوی که مدتها قبل از افغانستان باز دید بعمل آورده بود چنین تایید می کند: «با یکنکه بر طبق قوانین اخیر لطفاً ورق بزنید



امان الله خان در کنار یک عدد جوانان دانشجو.

خانم تایبست در حدود هفت تا ده هزار افغانی باضای امتیازات دیگر بود. در حالیکه این حقوق با حقوق عادی بکثر لیسانس و با حقیقت به عنوان بول حقوق مستمری هم حتی دکترا بر این بیشتر بوده، دو ویا سه برابر آن شمرده می شد .

کذبته از این ، افراد خانواده نادر و برادران و برادر زادگانش برای بدنا م ساختن ملت تجرب افغانستان باشکه های فاقح مواد مخدوش در جهان اورتیاطا بر قرار گردند و دستگاه های تولید حشیش مایع وی بی بی رادر کابل برآمد انداختند . این دستگاه ها شبکه های چندین بار به وزارت خارجی افغانستان در آن سیر مستقیماً مورد حمله بولیس کابل فرار گرفت وی کسی نتوانست مانع فعالیت آنها بشود و حتی بیزار هرگز هم حق دارند که ملت بدیخت مسمری شانرا به کورستان شان تقدیم داشته باشند .

این همه عواید دولت که چشم نیک شانرا پر نمی گرد لاجرم دست به چیاول به فرسه های خارجی بردنده بنام ملت فقیر افغانستان و به عنوان گوناگون بمنظور عمران و آبادانی این خدا من خواسته هم همین بدنام گردن ملت نجیب و شریف افغان بود ویس .

چنانچه می دانیم که در افغانستان معدن سنگ گرانیهای لا جورد موجود است که تمام عواید این معدن که در تحت نظر مستقیم خود ذخیره گردنده و در بانکهای خارج بحساب خود نقل دادند . افراد این خانواده که در خارج از افغانستان کارهای گرفتند و میگردند .

جیب خانواده نادر شاه و برادرانش جمع آوری به حساب دالرو به معیار بین المللی حقوق عیاشی و خوشکارانی های شان در خارج وارد داشت کشور افغان نمودند و آنچه باقیماند برای خود نهادند . افراد این خانواده که در خارج از افغانستان کارهای گرفتند .

میگردند و بینهای کوئه گویا حقوق ماهانه یک گردید .

جون افراد خانواده ظاهر شاه و کاکاهاش خالبآ در پست های حساس وزارت خارجی سفارت خانه های افغانی در خارج ویا حتی سفارتخانه های خارجی در کابل به نحوی از اینها اینکه وظیفه میگردند، بنابر آن حقوق لازم طبق قوانین استخدام دولت افغانستان میگرفند و بینهای کوئه گویا حقوق ماهانه یک گردید .

یعنی همان دستگاه جاسوسی را که این مرد در ایام صدارت خود گسترش زیاد داده بود در ایام جمهوری اش نیز فعل ساخت و هر کس را که نفسی بر خلاف کشیده همانجا و همان لحظه آن نفس را خفه کرد و بدین گونه که زیادی از جوانان چیز فهمو با سواد و وطن پرست و کار کن افغانستان را از میان برداشت تاینکه بقول آن ساعت افغانی که روزی در زندان سروده بود :

من رسید مردی که زنجیر غلامان شکنده تزدیکان وزیرالبای فاسد س اعماق کرده بود که دیدم ام از روزن دیوار زندان سما اری انقلاب نور تحقق یدیرفت. ولن امین فائست و باند خون آشامش انقلاب را از گوتاه اینکه همه این فجایع سلاطه نادری در زمان گوتاه جمهوری محمد داود بخوبی ازانها دوباره زنده گردید. همان اشخاص نالایق و بی سواد به مقامیان عالی دست یافتند و باز دستگاه ترور و حشمت ایشان را از زندگی نامه خانواده خود کشاندند که مردم ماعلیه آنها باید خواسته باشد.

عیاشی و تجاوز به ناموس افرادو دختران عده اطرافیان که در واقع همه از خانواده سلطنتی بودند. داشتند و آزادانه به عیاشی فرون وسطایی از نوعیکه در حرمسراهای امرای بیشین هنداول بوده پرداختند. ظاهر شاه شخصی اداره این گروه فراد داشت.

محمد داود نیز اخیراً باع و رستورانت دیگری به مصرف صدها میلیون افغانی دریکی از پیه های تزدیک سپر کابل برای خود و تزدیکان وزیرالبای فاسد س اعماق کرده بود که فقط همین عده محدود حق استفاده از آن را داشتند و بس.

در زیم حکومت افغانستان تقریباً سلطنت است. خانواده سلطنتی که در راس مرتكب جنایت می شد. و نایدید می گردید آن محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان فراد رئیس فیله (خان) را باز داشت می گردند و اگر گرفته طبق اصول استبدادی فردی فرون وسطایی مملکت را اداره می کند و مملکت افغانستان را ملک مطلق خود می داند.

افغانی ها، پنهانی نام خانواده سلطنت را شرکت یا کارتل سلطنتی گذاشته اند، زیرا نداشتند. عین همین رفتار و اسلوب بسیار عدالتی در زمان محمد داود اعمال گردید و حتی در این چند سال اخیر ریاست جمهوری وی عملیات های مقید و غالی ادارات در انحصار خانواده سلطنتی است و طوری مقامات اداری بین آنها تقسیم می شود که همه می توانند بیوه خویش نروند سوند. هنلا صدراعظم گتوانی (منظور سال ۱۳۲۹) شاه محمود کاکای یادشاه است و صدراعظم سابق هم از اقربای خانواده سلطنتی بود و زیر دفع افغانستان سپزداده محمد داود پسر کاکای شاه می باشد.

همچنانکه وزیر معارف محمد نعیم خان نیز پسر کاکای شاه است همچنین وزیر امور خارجه و وزیر داخله و وزیر دربار همه از تزدیکان خانواده سلطنتی می باشند.

افراد:

دوره یک نوع (تروو) هم به جامعه فقر و ناتوان معرفی شده بود که هدف آن قتل فرزندان وطنبرست و زحمت کش مردم افغانستان بطور معموز بود.

ایجاد تفریحگاه ها و تجاوز بنامو س افراد:

کوتاه اینکه همین اشخاص خانواده نادر و ظاهر و کاکا هایش هم غالباً اشخاص بیسواند عیاش، بی کفايت، دائم الخ Moreno از نظر سنسی بعضی خیلی جوان بودند که به هیچ وجه به رهبری دیبلوماسی انسانی مقدمانی هم نداشتهند.

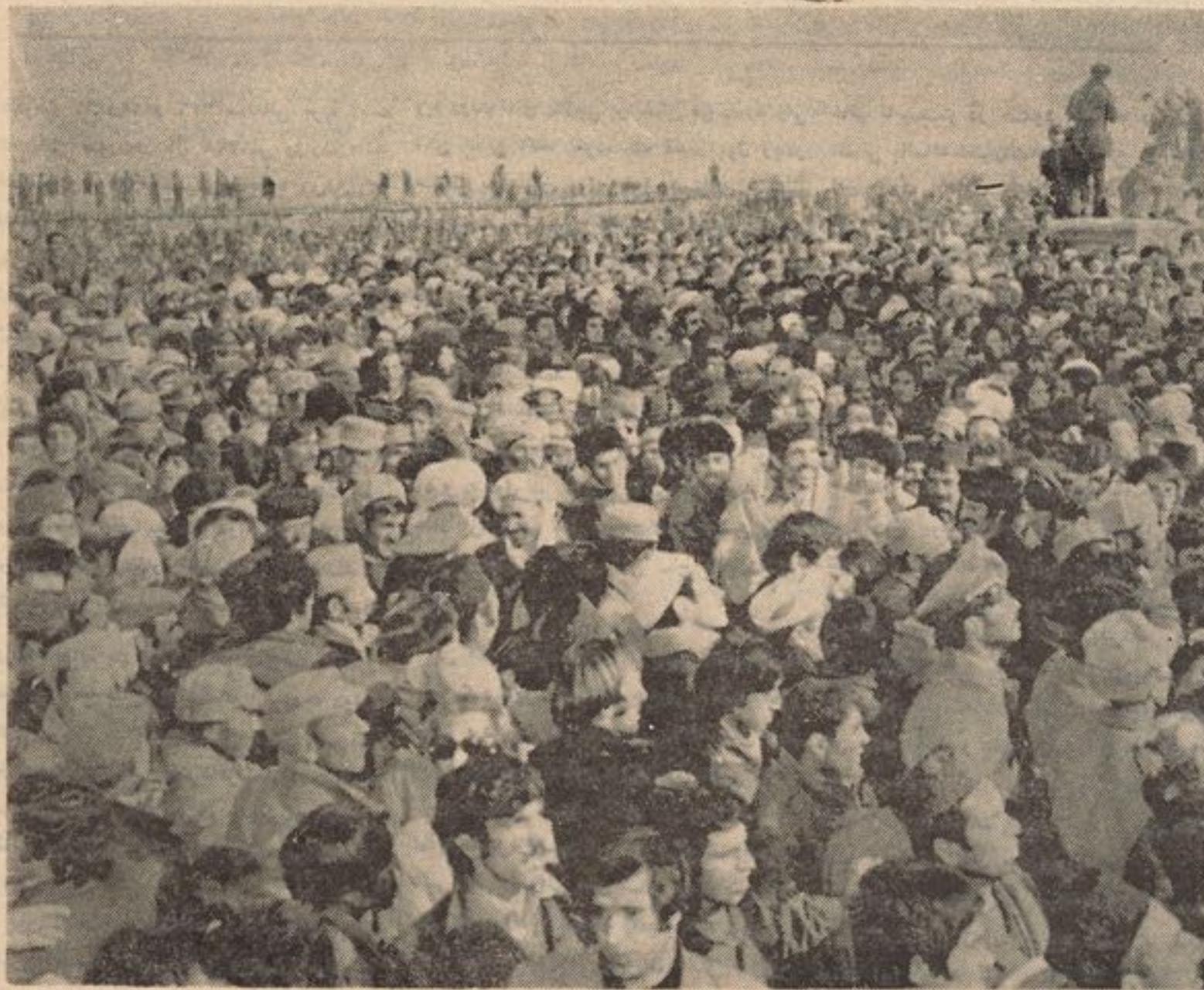
آنان به میل و رغبت خود به این مقامها مقرر شده بودندتا بتوانند در خارج با دست پر در عشرتکده های بین المللی و هرگز خوش گذرانی جیان پیشتر با ابرو و سرف افراد تعجب افغانستان بازی کنند.

سقوط عدالت و داد خواهی:

عدالت و داد خواهی در افغانستان بخصوص در زمان حکمرانی سلاطین نادری و برادرانش یکلی دکر گون شده بودو کسانی که طرف بی همی اعضا خانواده ظاهر شاهی و داود شاهی بودند، در محضر فاضی محکمه محاکمه نگردیده، بلکه بدون هیچ تداول و داد خواهی قاتل، بزندان افتادند و تادوازده سال در زندان باقی ماندند. حتی جالب بود که بعضی از این اشخاص بعداز پنج و با دوازده سال زندانی، نمی توانستند، بدانند که برای چه به زندان افتادند و چرا آزاد شدند؟

بعض اینکه جنایتی بوقوع می بیوست، پیش خانواده نادری و داودی خود را هنوز می دانست که شخصی را به عنوان تسبکاریه دست بیاورد و معرفی نماید. دیگر علاقمند نبود بداند که این شخص واقعاً تسبکار است.

یانه؟



زنده بیلچرخی یا کشtar کاهی هزارها از انسان بی کنایه که به حکم امنی فائیست و باندخون آشامش چان های شرین شانرا از دست دادند.

محمود طرزی

غازی
ادی

پر افغانستان باندی دانگریزا نو
ددوهم تیری په وخت کی افغا نانو
بو خل بیا دخازجی یې غلګترو په
مقابل کی پاخون وکړ . دو طن
دازادو لو لپاره ملاوټر له چې
دغازیانو په دله کی د هیواد با تور
بچو یوه نامتو میرنی میرمن هم
ووه چې د خپلی میرانی په دوران کی
په غازی ادی مشهوره شووه .
غازی ادی دلوی مجا هد محمد

جانخان وردک دملی لبیکرو به
صفو نو کی په میرانه و حنگیله او
دغاریانو تر خنگ بی تاریخی کر
نامی و گتیلی .

تاریخ دا مبارزه میرمن دغزاری ادی
په نامه بیژنی مگر دژوندا نه نوری
پاتی بی تر پیر خایه په تیازه کې
دی له همدي کبله بی خوک خای په
لو ګر او خوک وردک بنسیي مگر
خینی بی دکټواز ګنی . اصلی
نوم یې الما سه او د سلیمان
خیل حبیب اکا لور وه چې وروسته
په غازی ادی مشهوره شوه .

غازی ادی یوه باتوره مبارزه او
داغان دننگ او میرانی په جنگ
کې بې میرنې برخه در لود لى ده او
د ۱۸۷۹ ع په شاو خواکى زمۇر
دوطن له دېمنانو انگريزى
ير غلکرو او ددوی له کور نېر
نو کرانو او مزدورانو سره پى
ميرانه جنگيدلى ده .



محمود طرزي

ترجمی او تا لیفو نه وکړل اودعنایت
به مطبوعه کی بی چاپ کرل او بیا
وروسته بی په ۱۹۱۱ ع کال دسراج
الاخبار هشبوره جریده خبره کړه
چې په افغانستان کی دعلم او اد ب
په لاره کی نه هیریدو نکی خدمتونه
وکړل او په هیواد کی بی دسیا سی
ریښتیا به لاره هواره کړه، د هیواد
آزادی دده بله لویه هیله وه چې
په ۱۹۱۹ ع کال داعلی حضرت امان
الله خان به دوره کی او دافغانستان
دھیړنی او لس په بریا لی قیام
ترلا سه شوه . دی دخبلوا کی
ترګتل کیمدو وروسته دھیواد د
خارجه چارو وزیر وو چې بیا په
پاریس کی دافغانستان وزیر مختار
وټاکل شو به ۱۹۲۴ ع کال کی بیا
دخارجه چارو وزیر وټاکل شو . په
۱۹۲۵ ع کال کی بیا له کار نه
استعفاء ورکړه او بیا دنارو غښ
دلاج له پاره ارو پاته ولاړ .

په ۱۳۰۷ ه، ش کال کي بيرته
هيواد ته راستون شو خو په هيواد
کي له کورني اپرودور سره سـم
له اعليحضرت اهان الله خان سره
له هيواد دخه و لاب د رـو نـد
وروستي ور خـي بي به استانبول کـي
تيري کـري او به ۱۹۳۳ ع کـال
کـي له خـيل خـوازـه وطن نـه لـيري به
برديسي کـي وفات شـو .

ادبی فعالیت پیل کر (سیاحت نامه محمود طرزی په دی و سیله خپل درسعاده) یی هلتہ و کنبله ، واده هدف ته و رسید او دلته خپل وطن یی په شام کی وکړ او دخپل ادبی ته په خدمت یوخت شو . ده لو هری

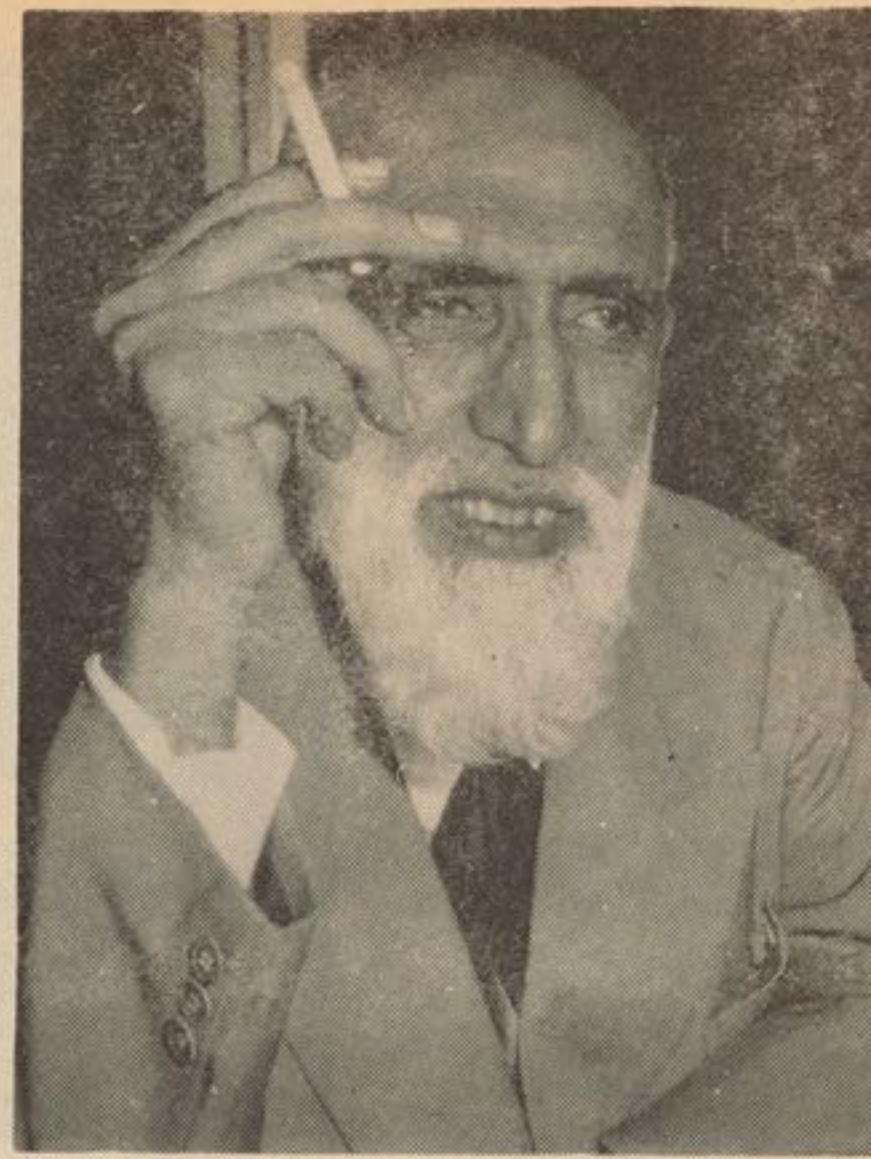
امیر محمد یعقوب خان به قدر ت
رسیده او را از کار بر کنار کرد در
هنگام محاصره قوا در قلعه شیر
پور با تعداد زیاد مبارزان از راه
رسید و کمر بیاری رهبران ملی
بسی عفو عمومی که به تاریخ ۲۰
دسامبر سال ۱۸۸۰ رابرتس اعلام
نمود پو لف کتاب جنگ دوم افغان
تاریخ نشر اعلامیه را (۳۶ دسامبر
نو شته) این چهره مبارز از جمله
چهار شخصیت ملی بود که عفو

غلام حیدر خان چرخی

امیر محمد یعقوب خان به قدر ت
رسیده او را از کار بر کنار گرد در
هنگام محا صره نوا در قلعه شمیر
پور با تعداد زیاد مبارزان از راه
رسید و کمر بیاری رهبران ملی
بست عفو عمومی که به تاریخ ۲۰
دسمبر سال ۱۸۸۰ را بر ترس اعلام
نمود مو لف کتاب جنگ دوم افغان
تاریخ نشر اعلامیه را (۲۶ دسمبر
نو شته) این چهره مبارز از جمله
چهار شخصیت ملی بود که عفو

این چراغی است

ترکمال و ترکجان و توکسر



مشروطه خواهان می خواستند تا قدرت های عنان گمیخته را بانی روی
قانون مهار نزند.

دکتر عبدالغئی هم شریک دزد بودوهم رفیق قافله !!
ریشه کلمه «مشروطیت»، کلمه یی «شرط» نیست... اشتباہ نکنید!
... فکر تاسیس نظام مشروطه که خود یکی از مظاہر استقلال طلبی و
حکومت قانون بود در عهد سرا جیه دوباره آغاز و در دوره امازیه پر بار
گردید.

• • •
ملاقات گرد و از مکاتب آنجا دیدن نموده موقع «جمعیت سری» یاد شده است.
خواسته های این جمعیت بر ترتیب زیر بود:
برگشت بهوطن، به تأسیس عمانگونه مکاتب
تبديل حکومت مطلقه را تأسیس نمود
تشیت ورزید و مکتب حبیبه را تأسیس نمود
برای اداره و رسیدگی مکتب حبیبه شخصی
تحصیل استقلال افغانستان، نشر نمدن و
راکه دکتر عبدالغئی نام داشت، استخدام گرد
فرهنگ جدید در افغانستان..
امیر حبیب الله نه تنها باین خواسته ها
و مدیریت مکتب را بنا و سپرد، دکتر عبدالغئی
وصی نکدشت بلکه اعضای این جمعیت را
اصلاً پنجابی و تحصیل گرده انگلستان بودو
بادو برادر خود مولوی نجف علی و مولوی محمد
ستبدانه تبدید گرد و عده بی از آنها را بدنه
توب پست و یکده دیگر را بزندان افتاد.

چنان بود سرنوشت اولین مشروطه خواهان
که در راه درک ضرورت و آگاهی شعود سیاسی
نمکنند. این حرکت امیر، البته، بی عکس العمل
نمایند و واقعات قتل امیر حبیب الله و تقویض
قدرت سیاسی به امیر امان الله با خواسته
ای قشر روشنگر بی رابطه نبوده و امان الله
محبوس شده اند ...
• • •
توانست ازان وضع وحال استفاده نماید و با
قبول خواسته های روشنگران گروه بی از آنها
را بدور خود گرد آورد.

• • •
و استاد همین قدر نوشت بود و مجال
بسیتر نویسی را نداشت و بیماری سخت
از از ارش میداد و رضا ندیم که بیش از این
سبب تکلیف گردم و رفع زحمت نکنم ...
قوانین اقدام گرد و برای نشر فرهنگ جدید
زمینه های بوجود آورد و لی اصلاحات که
پیش از این برسن که چگونه نهضت های
سیاسی و به ویژه مشروطه خواهی در گشود
با عکس العمل روبرو گردید. بخشی از آن
منافع خارجی را با خطرواجه ساخت و یک
قسمت آن اقدام های امیر امان الله ساخته
«شرده» چگاهه مشروطه خواهان اول این
بود که «کشور ما باید تحت قانون استوار بر
عدالت تنقیم و در برگرد شود».

آنها این نکته را بعیث یک ضرورت عدف
خود قرار داده بودند، چون این آرزو را فشر
زمینه دست بکار شدند که هنالع طبقات شان
از اصلاحات دوره امانتی بخطر افتاده بود ..
روشن و یا سواد کشور عزیز و گرامی هیداشت،
با مشروطه خواهان هم اندیشه بودند و توأم
با اقدام درجست پیاده نصودن همچه آرزو
و ظلمت بعد ها این نیفست راه بیراهه گشانند
و عده بی قدر تمدنان جاه طلب استفاده شا
مشروطه خواهان یاد میکنیم .

برند؟
در دهه دوم این سده گروهی از استادان
حبیبه (هرسه حبیبه) با روشنگرانیکه با
دوبار امیر حبیب الله آشنا بودند تصویر
پنهانی انجمنی را سازمان دادند که بنام
ج- چرا، طرح و تطبیق اصلاحات گرجه در
شکل و محتواهی مکار بود، سفری به عندوستان رفت
و در آنجا با عده بی از مسلمانان دهلي و لاھور
کشت حربی به تخته مات من نشینید و

عبداللادی داوی: جنبش مشروطه خواهی، «زده ی طلوعی از آزادی خواهی بود»

گفت و شنود ها پیراهون آزادیست وجهه «پریشان» پریشان سویم مینگرد و باتوجه
بعاست که این سخنان نظر سر آغاز و حسن
گالگلی حدیث مأوی می گویم و او سوکمندانه
مطلع گفتکو ها باشد که «در طول تاریخ
پریشگنانه می خند و میگوید: «من از
هیچگاه ضربت چکمه نتوانسته است چراغ
آزادی را خاموش کند و این چراغی است گزین
خانه بدان خانه بزند و همیگونه شد، چراغ
آزادی و آزادگی ازین خانه بدان خانه رفت و خانواده
ملت هارا سراسر در نور دید و رهایی نسوز -
اما گچا میتوانست، این عذر، از اصرار
و باشندگان بکاهد . باشوق بیشتر پرستم
را دنبال کردم، ولی سخن او بدان همرونشان
انسان، که مجال دیگر میغواهد و فرصت
و سخت میدان بیشتر، که باشد برای و فت
گذاشت و گفت: «فردا چیزیکی برایت مینویسم
که تاریخچه مشروطه خواهی را واضح سازد».
عجبتاً این گفتکوی صمیمانه را به نهضت
به وعده، صبح وقت رفتم واوراً حمله فلی
و جنبش مشروطه خواهی در گشور هنر کز
شمرده بود وزاروناتوان میشمود و چه میتوانست
میسازیم و ریشه ها وعلت هارا می جوییم که
جزاً جنبش مشروطه خواهی جلوه درخ کشید
و هم بر زبان زدم و از پرسش و باش گذاشت.
اما پاسخ گونه بی در یافتم که چنین است:
به قرار وعده بیشین، تا جاییکه حافظه
به سراغ مرد سالگورده و شاعر آزاد بخواه
هادی داوی میروم که سالی را به ناحق در
جنگ مشروطه خواهی و مشروطیت به زندان
عنکبوت مشروطه خواهی خواهی قبل از افغانستان
در ترکیه و ایران و لوله و شوری بريا کرده
می اند و رنج فراوان می برد . او شاهد عینی
بودو بواسطه جرايد و نشریه ها، خبر های
و قصه گویی زندگی آزمانه هاست و سینه اش
مالام در داست و لبریز از گفت.

آزادی خواهی بود .
به گناش می شیم، اما در دشمن دارد
واز هویت شناوری بی بره است . بادوستی
سلطه بر تائیم مکار بود، سفری به عندوستان رفت
به بازی شطرنج هشقول است و دقایقی بعد با
دود آنجا با عده بی از مسلمانان دهلي و لاھور
کشت حربی به تخته مات من نشینید و

ت کزین خانه بدان برند

در رهء مشرطه اول هنر است

س - ولی فکر میکنم که کلمه مشروطه که بحرکت در آورند .

گمان میورد از کلمه «شرط» ساخته شده است من - چگونه سیر طبیعی جنبش‌ها و ظهور

همان بار معنی را بدینش میکشد که کلمه بی انقلاب شکوهمند تصور را ارزیابی میکند ؟

خارجی آن شماچه فکر میکنید ؟

ج - جنبش‌های سیاسی ایکه در نیمه اول ج - البته از حسن اتفاق کلمه شرط که در

زبان معمول است با معنی بی که دارد یا کوچن سیاسی

برای تایید معنی اصلی آنوارد می‌گردد .

س - در جنبش مشروطه افغانستان چه گونه اشخاص اشتراک‌داشتند ؟

ج - جنبش مشروطه افغانستان، یا کل حزب سیاسی و بین المللی از جهات مختلف بر سر نوشت

نه بلکه مجبوراً یا که حرکت پنهانی بود که و دیگر گونی آنها تأثیر داشته که هر بخش

در آن یک‌بعد روش‌نگران شامل بودند ، بشمول

علمای دینی و اهل فلم که بعضی آثار سید جمال

الدین افغان و محمد عبدی وجرايد آزمان را

مطالعه کرده بودند ، وبعضاً به کشور های

خارج سفر کرده بودند، و یک‌بعد از جوانانی که

در دربار سراجیه خدمت میکردند . این حرکت

اجتیهات مخفی داشت و عذر اکثر ایشان

این بود که مطالبات خود را بطور عرضه تقدیم

دارند تا آنکه اصلاحاتی را چنان گهدر گشته باشد

و ایران آمده بود حاصل گشته اما چون حرکت

هنوز پنهانی بود ، و مجال اظهار نیافت و

و مطالب کمتر در قید قلم می‌آمد ، سند مشخص

بدست گاهانه و باصطلاح عصری ، جنبش‌آنقدر

که متابع نخستین جنبش‌های آزادی خواهی

معاصر رادر بر میگردید ، چه گفتنی در ماهیت

انگلی مراد را که داشتند که خواه مخواه بعد هشت

الگنی هستی می‌شد .

س - آیا قوای استعماری مظلومیت دولتی

ازین جریان مشروطه بی خبر بودند ؟

ج - استعماره نه تنها ازین جنبش بی خبر نبوده

بلکه ازراه چاوسی از همه جریان آن آغاز

بود، یک‌نفر جا سوس در میان صفت مشروطه

خواهان رخنه کرده بود، و آن داکتر عبدالقیس

است که تبعه هند بر تانوی بود .

اموریت مخفی خودان را می دانست که با تظاهر

به مخالفت به دستگاه استیضاحی صحتنا تعویل

این جنبش را وارسی کند، تا مبارا جنبه ضد

استعماری و ضد بر تانوی آن بر جنبه ضد

مظلومیت دولتی غلبه گند. در داخل دستگاه دولت

جویی می‌جستند، سپس مرحله دوم فرار سید

هم عناصر هر تبعیج دریبی اخباری درین باره

آن دوره مشخص که جنبش مشروطه است

مبنی بر مطالبه مشخص گردیدند و محدود شدند

مرزهای سلطه حکومتی در مقابل حقوق مردم

رخنه کردند، و باین کار موفق شدند . همان

بود که عده ای از جوانان مشروطه خواه در

فرانسوی یعنی «چارت» انجلیسی «بمعنی همان

غشی چنانکه حساب گردید بود نام اینکه تبعه خارجی

شارطه است که از آن کلمه مشروطه در اصطلاح

مشروطه خواهان اول را در اصلاح طلبی

ازاد بخواهان عثمانیه مشتق شده بود و دریشه

است با اساس حمایت نهاینگی انجمنستان در

قابل اعدام نشد، اما هنوز اکثر روش‌نگران از

در زمان ما متناول است گرچه همچنان تصویر

وقایه چاوسی او بمنعت بر تانیه اطلاع

پقیه در صفحه ۵۰

فشرده چکامه مشروطه خواهان اول این بود که «کشور ما باید تحت قانون استوار بر عدالت تنظیم و رهبری شود .»



پوهاندعلی محمدزده: خاطره پردر خشن این را دن در تاریخ کشور مسجل است.

اما از پیلوی نارسایی این اصلاحات اصحاب

خرف و عرض بسود خود بهره کشی کردند .

جنوب مشروطه خواهی چه خواهد بود ؟

و در نتیجه کشور در چنگال اغتشاش و اختناق

افتاد و فسروت مشروطه خواهی در زیر نقاب

دانست که مشروطه خواهی حرکتی بود که

سالوس قدر تمدن ن چاه طلب تغیر ماعتیت

فرمودرت آن در شرایط عینی و ذهنی یک مقطع

داد و از میسر اصیل خود منحرف گشت .

مشخص تاریخ ها را بیشود .

عده‌ی مشروطه خواهان که مشعل فروزان

دروج همچو فسروت بود که روش‌نگران مشروطه

دو را از خواهان اول را در اصلاح طلبی

خواه این کشور با هر گونه ناملایمات و

دوره امامی بکف گرفته بودند زمان اعتشاش

شکنجه های درباری بیناد گر پنجه نرم میکردند

Shiriyat سنتیگی را تحمل نمودند و بعد از آن

تا قدرتیه عنان گسیخته را با نیزروی

کشته شدند و یا زندانی گردیدند .

خاطره پردر خشن این را در تاریخ قانون مهار زند و جامعه رادر مسیر ترقی شده است !

انبوه جمعیت امواج اقیا نوس
را که تازه از نخستین جنبش طو -
فان بحر کت آمده باشد بخاطر
میا ورد و آهسته پیش میر فست
چهره های سیا ه مردم به بر -
جستگی های تیره و کف آسود
اوای شبا هست داشت .

چشمها بر افروخته و با هیجان
مید رخشید اما مردم بهم نگاه
میگردند و از نگاه آنها بیکدیگر
معلوم بود که از خوشبختن در -
شکفتند و بتصمیم خود اطمینان
نداشتند . امواج صدای یشان
ما نند برند گان کوچک و خا -
کستری رنگ برو فراز جمعیت در
گردش بود .

آنها با صدای ملايم و لحنی
جدی گفتگو میگردند گویی خود
را در مقابل یکدیگر تبرئه
میکنند .

- دیگر ییما نه صبر ما لبریز
شده است و براه افتادیم .
راستی (او) این موضوع
را نمی فهمد .

بیش از هر چیز را جمع با وصیحت
میگردند یکدیگر را متقاعد
میساختند که (او) همراه بان
و رواف است و همه چیز را
میفهمد ...

اما در کلماتیکه با آن سیمای
(او) را ترسیم میگردند رنگ
و معنا بی و وجود نداشت . چنین
احساس میشند که از مدتها
بیش شاید هم هر گز بطور جدی
راجع با و فکر نکرده اند . (او)
را فرد زنده و واقعی تصویر میگردند
و نمی دانستند (او) کیست و علت
وجود (او) و میزان قدر تش را
بهزحمت در گ میگردند اما ۱ مرور
وجود (او) لازم شده بود . همه
شتاب داشتند (او) را بشنا -
سند و چون آنکسی را که در
حقیقت وجود داشت نمیشنند
بی اراده در مخیله خود موجود
عظیمی را خلق میگردند امید ها
گران بود . آنها بشخصیت مقتدر
و بزرگی برای پشتیبانی و تکیه
گاه خود نیاز داشتند .

گاه های از میان جمعیت صدای
گستاخی بلند میشند :
سرقا خود تا فرا فریب ندهید!
اما نا گزیر بودند که خود را فر -
یب بد هند صدای آدم در هیا هو
و فریاد های بیمناک و پر اضطراب
خفه میشند .



امراج

امراج کاری

ما میخواهیم اشکارا ...
برادر ساکت شو ...
پسر از حکومت جبار تو جه و انجام حس میکرد که این مرد خواسته
ضمنانه باشد گفت نزد گاپون خواسته های خود را طلب های او را منعکس میسازد و اگر
ایشا نرا به سوی خویش جلب مینمود .

هر چه میخواهید بگوئید ظاهرا با سیمای (او) منطبق
جمعیت بی تصمیم در گو dalleای آخر ما هم آدم هستیم ...
بود اما همه میدانستند که چنین
برآب خیا بان پیش میرفت و بد ...
سته های مجزا و برا گنده از هم
قسمت میشد هیا هو میکرد میا خنه
و مشا جره مینمود . بد یوار های
خانه ها میخورد و دو با ره چون
توده سیاه و مترا کمی بمیان -
خیا بان میریختند گوئی شک و
تر دید در میان آنها رخنه کرده
بود و لی شدیدا در انتظار وسیله ای
بودند که تمام افراد را بینک یکر
ار تبا ط میداد و بصورت جسم
عظمی و نیرومندی متشکل می
ساخت آنها کوشش میکردند
تا بی تصمیمی را از دل خود
دور سازند اما موافق نمیشدند
اضطراب و نگرانی در چهره ها
نها یان و حساست خاصی
نسبت به صدا مشهود بود . بـا
احتیاط پیش میرفتند گوش میدادند
پیش میگریستند با لجا جت چیزی
را جستجو میکردند صدای کسانیکه
 فقط به نیروی درونی خود ایمان
داشتند در جمعیت وحشت و اضطراب -
بـی ایجاد میکرد . و لی این صداها
برای کسیکه خودرا محق میدا -
نست تا با قدر تی که میخواست
با آن رو برو شود اشکارا -
صدا جبه و میا خته نماید بسیار
شدید تر و مهیج تر جلوه میکرد .
بر شماره این توده مردم که
از خیا بان دیگر روان سیما تمام عمر پیوسته از مردم
بـود پیوسته افزوده میشد و این دور بود اما اکنون و جسد
افزا یـش افراد خارجی رفتـه او برای مردم ضرورت پیدا کرده لازم نیست !
همه چشم امید با و دوخته آنوقت در حالیکه کلاهش
را تکان میداد پیش ایش جمعیت
میبخشید و معرفت این ملت بودند .

اسیر و بـرد را بـیدار میکرد
تا از حکومت جبار تو جه و انجام حس میکرد که این مرد خواسته
ضمنانه باشد گفت نزد گاپون خواسته های خود را طلب های او را منعکس میسازد و اگر
ایشا نرا به سوی خویش جلب مینمود .

ما پیش رهنمای خود میرویم .
هر گز راضی خواهد شد
از ازی بـما بـرسد .

صدای یک نفر بـسیار رسـا کـه
حاکی از لـجا جـت بـسـیـا رـبـود
بالـای سـر جـمـعـیـت طـنـین اـنـدـاـز
شـد .

رفقا ارنـک سـرـخ بـیرـق سـرـنـک
خـونـ ماـ سـت .

هـیـجـ نـیـروـ نـیـ جـزـ نـیـروـ خـوـ دـ

ملـتـ قـاـ درـ بـاـ زـادـ سـاـ خـنـ اوـ

نـیـسـت .

لـازـمـ نـیـسـت ...

شـیـطـانـهـایـ آـشـوبـگـر ...

عـجـبـ بـسـاطـیـ اـسـت . گـاـپـونـ

ماـ رـاـ باـ صـلـیـبـ مـقـدـسـ بـرـایـ
تصـرـعـ وـ التـمـاـسـ بـحـضـورـ تـزـارـ

مـیـبـرـدـ اـیـنـهاـ مـیـخـواـهـندـ بـاـ بـیـرـقـ

سـرـخـ بـیـرـنـد ...

هـنـوزـ بـوـیـ شـیرـ اـزـ دـهـاـ نـشـ

مـیـاـیدـ وـ مـیـخـواـهـدـ فـرـمـاـنـهـ مـیـ

کـنـد .

کـسـاـ نـیـکـهـ عـقـیدـهـ شـانـ

ضـعـیـفـ تـرـ بـودـ باـ عـمـاـقـ جـمـعـیـتـ

مـیـرـ فـتـنـدـ وـ درـ آـنـجـاـ باـ هـیـجـاـ نـ وـ

اضـطـرـابـ فـرـیـادـ مـیـکـشـیدـ نـدـ :

آنـکـسـیـ کـهـ بـیـرـقـ دـسـتـشـ

استـ بـیـرـوـ نـ کـنـید ...

اـکـنـونـ تـنـدـ وـ بـیـ تـرـ دـیدـ

حرـ کـتـ مـیـکـرـدـ نـدـ وـ درـ هـرـ قـدـ مـیـ

یـکـدـیـگـرـ رـاـ بـوـسـیـلـهـ سـکـرـ خـوـ دـ

فرـ بـیـ بـیـشـترـ آـلـودـهـ مـیـ نـمـوـ دـنـ

وـ مـیـخـواـهـ سـتـنـدـ درـ جـمـعـیـتـ اـرـادـ وـ

افـزـاـ یـشـ اـ فـرـادـ خـارـجـیـ رـفـتـهـ

اوـ بـرـایـ مرـدـمـ ضـرـورـتـ پـیدـاـکـرـدـهـ لـازـمـ نـیـسـتـ !

مـیـلـ وـ اـحدـ رـاـ اـیـجادـ کـنـدـ . (او)

کـهـ درـ هـمـاـنـ لـحـظـاتـ درـ ذـهـنـ

جمعیت با دقت گوش میداد و
برنـکـ تـیـهـ مـیـ درـ خـشـیدـ درـ مقـابـلـ

ضمـنـانـهـ باـ يـدـ گـفـتـ نـزـدـ گـاـپـونـ خـواـستـهـ هـایـ اوـ رـاـ منـعـکـسـ مـیـسـازـدـ وـ اـگـرـ

ایـشاـ نـراـ بهـ سـوـیـ خـوـیـشـ جـلـبـ مـیـنـمـودـ .

نـماـ يـدـ

ـ(او) مـیدـاـ نـدـ ...

جمعـیـتـ بـیـ تصـمـیـمـ درـ گـوـ dalleـایـ آـخـرـ ماـ هـمـ آـدـمـ هـسـتـیـمـ ...
بـرـ آـبـ خـیـاـ بـانـ پـیـشـ مـیـرـ فـتـ وـ بدـ

سـتـهـ هـایـ مجـزاـ وـ بـراـ گـنـدهـ اـزـ هـمـ هـشـ مـیـکـنـیـمـ ..

ـ(او) باـ يـدـ بـفـهـمـ دـ ماـ خـواـ ...
نـیـروـیـ وـ جـودـ دـارـدـ وـ باـ يـسـتـیـ

وـ جـودـ دـاـ شـتـهـ باـ شـدـ .

ـ باـ زـ هـمـ گـاـپـونـ پـدرـ روـ ...
ناـ طـقـ اـینـ نـیـروـ رـاـ بشـکـلـ موـ

جوـ دـیـ مجـسـمـ مـیـسـاـ خـتـ کـهـ هـمـ

ـ رـفـقـ آـزادـ رـاـ کـهـ باـ خـواـ هـشـ اوـ رـاـ اـزـ روـیـ عـکـسـهـایـ تـقـوـیـمـ

مـیـشـتـاـ خـتـنـدـ وـ باـ سـیـمـاـ یـسـیـ

تـشـبـیـهـ مـیـکـرـدـ کـهـ درـ اـفـسـانـهـ هـاـ

ـ آـهـ خـداـ یـاـ ...
دـیدـهـ بـودـ نـدـ .

ـ اـمـاـ بـرـادرـ صـبـرـ کـنـ ...
ـ آـنـ مرـدـ رـاـ دورـ کـنـیدـ ...
ـ گـاـپـونـ بـیـتـرـ مـیدـاـ نـدـ کـهـ ...
ـ بـشـرـیـ دـاـ شـتـ . کـلـمـاتـ نـاـ طـقـ

ـ مرـدـ بـلـنـدـ اـنـدـ مـیـ باـ قـبـایـ سـیـاهـ کـهـ رـسـاـ وـ قـاـبـلـ فـیـمـ بـودـ بـهـ طـرـزـ

ـ کـهـ وـ صـلـهـ قـرـمـزـیـ بـرـ شـاـ نـهـ آـشـکـارـیـ اوـ رـاـ چـسـونـ مـوـ جـودـ

ـ دـاـ شـتـ روـیـ نـیـمـ کـتـ نـشـیـتـ وـ قـدـ رـتـ طـلـبـ مـهـرـ بـاـنـ وـ عـدـاـ لـتـ

ـ بـرـورـ تـرـ سـیـمـ مـیـکـرـدـ کـهـ مـاـ نـنـدـ

ـ کـلـاـ هـشـ رـاـ اـزـ سـرـ طـاـ سـشـ بـرـ ...
ـ پـدرـیـ بـدـرـخـوـسـتـهـ وـ ضـرـورـیـاتـ مـلـتـ

ـ تـوـ جـهـ مـیـنـمـاـ یـدـ وـ درـ اـنـجـاـ مـخـواـستـ

ـ هـایـ آـنـهاـ گـوـ شـاـ سـتـ .

ـ نـورـ اـیـانـ بـرـ قـلـوـبـ تـاـ بـیدـ نـ

ـ گـرـ فـتـ وـ آـنـهاـ رـاـ بـرـ انـگـیـختـ نـجـوـایـ

ـ آـهـسـتـهـ ، تـرـ دـیدـ رـاـ خـاـ مـوـشـ سـاـ

ـ خـتـ ... مـرـدـ مـشـتـاـبـ مـیـ کـرـدـ نـدـ

ـ تـحـتـ تـاـ لـیـرـ اـمـیـاـ لـیـ کـهـ مـدـ تـهـاـ

ـ قـادـرـ باـ شـدـ دـیـگـرـانـ رـاـ باـ نـجـامـ

ـ اـنـتـظـارـ آـنـراـ دـاـ شـتـنـدـ قـرـارـ مـیـکـرـ

ـ اـعـمـالـ مـعـجـزـهـ آـسـاـ نـیـ بـرـ اـنـکـیـزـدـ

ـ فـتـنـدـ بـیـکـدـ یـکـرـ فـشـاـ رـمـیـ وـرـدـنـدـ

ـ شـنـیدـهـ نـمـیـشـدـ بـنـظـرـ مـیـرـ سـیدـ کـهـ وـ مـیـخـواـسـتـنـدـ بـصـورـتـیـکـ تـوـدـهـ

ـ عـظـیـمـ وـ یـاجـسـمـیـ بـایـکـ رـوحـ دـرـ

ـ کـوـ شـشـ دـارـدـ درـ خـاـ طـرـهـ هـاـ آـنـ آـینـدـ . تـرـاـ کـمـ وـ نـزـدـ یـکـیـ شـاـ نـهـ هـاـ

ـ مـصـاـحـیـ وـ مـیـاـ خـتـهـ نـمـایـدـ بـسـیـارـ

ـ رـوحـ وـ مـحـوـ شـدـهـ اـسـتـ بـیدـارـ حـراـرـتـ اـیـانـ وـ اـمـیدـ بـهـ مـوـ

ـ شـدـیدـ تـرـ وـ مـهـیـجـ تـرـ جـلوـهـ مـیـکـرـدـ .

ـ کـرـدـهـ وـ دـوـبـارـهـ زـنـدـهـ سـازـدـ . اـیـنـ فـقـیـتـ گـوـمـ مـیـکـرـدـ .

ـ سـیـمـاـ تـمـاـمـ عمرـ پـیـوـسـتـهـ اـ زـمـرـدـ مرـدـ کـلـهـ طـاـ سـ فـرـیـادـ مـیـزـدـ :

ـ دـورـ بـودـ اـمـاـ اـکـنـونـ وـ جـسـودـ

ـ اـفـزـاـ یـشـ اـ فـرـادـ خـارـجـیـ رـفـتـهـ اوـ بـرـایـ مرـدـمـ ضـرـورـتـ پـیدـاـکـرـدـهـ لـازـمـ نـیـسـتـ !

ـ هـمـهـ چـشـمـ اـمـیدـ باـ وـ دـوـ خـتـهـ آـنـوقـتـ درـ حـاـلـیـکـهـ کـلـاـ هـشـ

ـ رـفـتـهـ نـیـروـیـ درـوـ نـیـ آـنـهاـ رـاقـوتـ هـمـهـ چـشـمـ اـمـیدـ باـ وـ دـوـ خـتـهـ آـنـوقـتـ درـ حـاـلـیـکـهـ کـلـاـ هـشـ

ـ مـیـبـخـشـیدـ وـ مـعـرـفـتـ اـینـ مـلـتـ بـودـ نـدـ .



زنده باد طبقة کارکر پرا فتح افغانستان این نیروی فعال مبارزه سخا طرا عتمدی سیاسی و اقتصادی کشور !

د ثور انقلاب له نوی پړ او خخه یو کال تیر شو

خرنگه چې د نور انقلاب نوی
تکاملی پړ او پرامیتی جلدا نو، سی،
آی، آی، ار تجاع، امپریا لیزم او په
سر کی دامر یکا امپریا لیزم او د چین
پرلویی غوبنتو نکی با ندی زموږ
دېمنو خلکو تار یخی او همیشنسی
بریو نو خکه یی دېو او دېمنا نو
کلکه اوویا په دېمنی وګتهله .

نهولین داوه او د هغه هیواد دبو خی
واکمن ضیاء الحق په خان کی بی
خپل داډ من ګودا ګی بیما موند . د
له بریالیتوب او دخاین امین دچنکیز
صفته بانیه له نسکور ید و سره سس
هغه هیواد له پو خی دیکتا تور شب
زموږ دویا په هیواد دېمنا نو
په من ګونی هلو خلو لاس یو ری کړ
اوله نو ود سیسو سره یی دکلکی
نستان د خلانده او بریالی انقلاب د
دېمنی دګر ته ورو دا نګل او
توو بریا لیتو یونو ده مخنیوی به غر په
انقلابی افغا نستان په ضدیبي ناعلان
بی داشرارو او سر یخوروبا ندوه نو به
شوي جګړه پیل کړه . ار تجاع، امپر
روز لو لاس پوري کړ .

په تیر کال کی دیا کستان په
یالیزم، عربی مر تجمع رژیمو نو او
چین لو بی غوبنتو نکو به ایران
خاوره کی دامر یکا بی، لو ید یخو
کی دسی، آی، دنو ګر رضاه شاه هیوادو، چین، عربی مر تجمع رژیمو نو
دشري مید لی رژیم تر په نکیدو ورو - او پاکستان دبو خی واکمنا نو ترمینځ
سته دسی، آی، ای مر کن پاکستان پېښ او پنکاره هر ګی وشوی او زموږ
دحاوری دتما میت او انقلاب په رضد
بی ناس پیخلی تړونو نه مینځته راو -
ستل، دتشن په نامه افغا نی کړ -
والو په کمپونو کی بی دورا نکاره

د ثور انقلاب نوی تکاملی پړ او
چې دامیتی فاشیستی دلی ټېلی د
برزو لو له پاره زموږ دزیار ایستونکو
د سپیخلی غوسی یوه بر یا لی سر
یزه وه، د هیواد خلکو، او انقلاب زغور -
رنده تحول بلل کیږي .

دابړ او چې د افغانستان دخلک د
دمو کرا تیک ګو ند تر لا -
ربیوونی لاندی بریا لی شو زمزور
دویا لی وطن سر بنندو نکی خلک او
قهرمان ګوند یې دوطنی فاشیستی
جبارا نو له خو نې یو منکلو نه دتل له
پاره ورځورل . داستر تاریخی او
خلانده بری یوا زی داغنا ناو لسی
بری نهو بلکه دېول ېر مختل نکی
بشریت ده ګو انقلابی بر یا لیتو بونو
یوه نه شلیدو نکی برخه د چې د
ار تجاع، امپر یا لیزم او لو بی غو -
بنتونکی چین دشري میدلو هلو خلو
په پراندی دسترو قربا نیویهور کولو
سره تر لاسه شو یده .

خيال کی هم نه ګرڅیده چې یوه ورڅ
بد خلک دزور په خوتیدونکی سمندر
کی لا هو شی . هغوي غوښتل چې د
تاریخ په شا نه تاو نکی خرڅ
په شاوا خرڅو او په ټېبی و دروی
مکر به خپله د تاریخ دچور لنده خرڅ
په ګړ ندی چور لیدو ګو و پر زیدن او
دتل پاره د تاریخ به هدیره کی بشخ
شول .

بانیو نو درو رلو، و سله وال کولو
په غرض پراخ او گپ تندی بروگرام
سر تهورسا وه اواد اشرار و یه را
لپن لو سره بی زمود خلکو آزم او
سوله ایز زوند نا کاره که.

به هندی سمندر کی یسو په
بوخی ما جرا غو بستنی چال چلند نه
ذوامور کر اواد خلیج دساوخوا هیواد
و نو ترمینخ بی دکشالو جکرو
به خطر کی واچوله اواداگورس په
خبل قوت سره با تی دی.

دار تجاع، امپریا لیزم او شوو
نیزم دهمد غه شر مید نی بلان له مخنی
دهیواد پلرو نکو باندو نو پلاس زمود
دگران هیواد کلی، کور و نه عام المفعه
تاسیسات، بیوو نخی او جو ماتو به
وسو خول شول او دبی گناه هکر میر
نو خلکو دزور ولو او وزلور و گرام عمنی
کرای شو.

لکه خنکه چی ار تجاع، امپریا
لیزم او بس کی دامر یکا امپر یا لیزم
او دچین لو بی غو بستو نکو دیاکستان
په ملکر تیا زمود دهیواد، خلکو او
انقلاب پر ضد تخر بیانو تهدوا م ور
کر، هماغسی هم شوروی اتحاد او
بول په مختلو نکی بشر یت دانقلابی
افغانستان فنکه او ملاتر و کر چی
زموده هیواد نی بول بر م او بس.
ستیز بی او چت او اوجت کر،
دانقلاب بیهیر ددشمها نو دنا -
کامو نوچلو نو سر سره به بول ره
قوت دبندیز و نو دورا سته ذخیر
کری و شلو لی او د زمان په تندی
بی د بريا لیتوب تایه و وعله او د
انقلاب ددبمنا نو دسیسی بی شندي
کری.

د افغانستان د خلک د دمو کرا -
تیک گو ند مشر تا به د خیلو اصولی
او تار یخی انقلابی دندویه لر کی دهر -
کزی کمیتی دبلینومونو به زا بللسو
سره درا پیدا شو خندو نو دله
مینخه و پلو او د ضد انقلاب له یکو لو
اوله مینخدوی لو کی برا خهوندیه
تر سره کره.

د گو ند دهر کزی کمیتی دبلینو -
په او سنی وخت کی چی ددبمنانو
دسیسی ورخ ترور خی برا خبری
زمود تار یخی دنده تریخوا دیره
در نیزی او باید چی لکه یو پولا دین
موقی ددبمن خو له ور ماته کرو او د
خبل گونددمشرتا به تر لار شو د -
نو لاندی هر دول سر بندنو ته
چمتو او سو .

پوند گان

مهاجر

پوند گان مهاجر به خانه بروگردید
به آب و دانه خود عاشقانه برو گردید
نماند آنکه بهر شاخصار آتش زد
نماند آنکه برای گبو تران سفید
کنار جاده خورشید دار بربا کرد
نماند آنکه زهر باغ
برای هر گل سرخ
و مرغکان نواگر
و هر گیاه خموش
حضریه ها و قفس ها و قتلکاه از است
نماند آنکه ز هر دیمه و زهر شهر
ز تیغ کینه وی شیون از زمین برخاست
چه خانه های تهی ماند از صدا و سرود
و آینه ها
ز عکس روی عزیزان و دوستان خالیست
و نام تان هرجا
به سینه های سبید چنان هایا قیست
پوند گان مهاجر به خانه هاباز آید
و آشیانها را
به بیشواز بهار بزرگ عطر افشار
ز بزرگ سبز و زر قص و ترانه اراید

دکتور اسد الله حبیب

اللهم آنکه وشنه ها و نشسته های اقتصادی ذو ندان از بزرگ

قانون جزای جرايم علیه احصارات محاربوي

پيوسته بگذشت

سمت‌های بزرگ دولتی را به افراد بی کفایت و ناامل سپارد که آنان موقوف خود را از اسکندر بدانند و دوم اینکه دانشمندان و اهل خبره و وطن دوستان را به ذلت نگه دارد تا فرمت پرداخت به مسایل سیاسی را نداشته باشند و در يك سخن میتوان گفت که در دوره ظاهر داده از این فورمول ارجاعی حداقل استفاده صورت میگرفت :

راحله راسخ خرمی :

شما نقش مادران و پدران را در این شرایط و در این زمینه که چه نقشی را باید در وادار ساختن فرزندان خود به سپری نمود ن خدمت مقدس عسکری عبده دار گردند ، چگونه بررسی و ارزیابی میکنید ؟

رئيس تشکیلات حزبی :

در این شرایط خاص و جیبه تمام مادران و پدران نیک اندیشی و روشنفکر وطن است که به خاطر دفاع از مقدسات ملی ، تما میت ارضی ، نوا میس ملی و حفظ دست آوردهای انقلاب فرزندان خود را آگاهی دهند ، تنویر کنند ، و وادار بسازند که در وقت معین رهسپار دوکار را انجام دهد ، نخست اینکه خدمت مقدس زیر برق گردند و

رئيس تشکیلات :

در زمان ظاهر داده اگر يك سرباز شهید و يا معلول می شد معادل هجده هزار افغانی برای اعانت پنج ساله یکباره به فامیل وی داده می شد ، در حالیکه اکنون در شرایطی که سرباز شهید گردد ده هزار افغانی نقد برای فامیل وی به عنوان تدبیف و تکفین پرداخت میگردد و بعد از آن نیز

ماهانه دوهزار افغانی مرتب تازمانی برای فامیلش داده میشود که خرد ترین طفل فامیل به سن قانونی رسید ودارای معاش و تولید گردد . یعنی در واقع در یکسال معادل یکنیم برابر پنج سال دوره داده ظاهر کمک نقدی میگردد .

رئيس محکمه عالی نظامی :

((خسرو روز به)) رفیق بسیار ارجمند حزب توده ایران در کتاب ((اطاعت کود کورانه)) خود می نویسد ، در زمانی که سکندر کبیر عزم لشکر کشی به سوی ایران را داشت از ارسسطو فیلسوف معاصر خود مشوره خواست که چکو نه این خانه ها و آنها نیز ندان از برنامه های رادیو و تلویزیون استفاده کنند و نظایر این تفاوت ها فراوان دوکار را انجام دهد ، نخست اینکه

در این جمله :

- ڈگروال محمد آصف الیم رئیس محکمه عالی قوای مسلح
- جگرن محمد صدیق رئیس تشکیلات حزبی وزارت دفاع ملی
- دیپلوم انجینیر محمد نادر دهقان رئیس تشکیلات وزارت دفاع ملی
- جگرن عبدالمجید ابوی هرستیال خارنوالی قوای مسلح شرکت دارند

همچنین از نظر مادی و شکل زندگی سربازان در داخل قطعات بارنج فراوان روپر و بودند - آنها وادار ساخته می شدند شانزده ساعت راسوای ساعات تعلیم و تربیه در روز خشره کاری کنند و چوب موردنظر - ورت طبخ خانه هارا از کوه ها فراهم آورند و به قطعات انتقال دهند ، اما اکنون چنین نمیباشد و قوای مسلح عهده دار مستحولیت عام و تام سربازان را تازمان ترخیص به دوش دارد اکنون برای سربازان بسته و درونی جایی های پاک و بسته تهیه گردیده است در حالیکه در گذشته آنها بستر را خود از خانه ها یشان میاوردند ، شکل انتقال مجلو بین در گذشته طوری بود که یکصد تا یکصد و بیست نفر را در يك هو تر

این نشست در همین جا پایان میدهم.
این آرزو های یا که گواه نهاد مجله ژوندو ن اگر توانسته باشد
باراه اندازی این گفت و شنود جمعی
به پرسش ها و سوالات ما درا ن،
پدران و خانواده ها پاسخ دهی کند
باز هم کامی دیگر برداشته است
در زمینه انجام رسالت های مطبوعاتی
خود برای خانواده های کشور.
بازم مادر انتظار سوا لا تو
پرسش ها و نظرات و پیشنهادات
دیگر خانواده هایمیبا شیم تا آنچه
را برای شان مبهم است با ما در میان
گذارند تا آنرا با مقامات مشغول
وزارت دفاع ملی به طرح آورید
و آنان را از تشویش برها نیم.

وظیفه خود میدانم از مقامات
قوای مسلح جمهوری دعو کرا تیک
افغانستان که با وصف داشتن وظا -
یف مشکل خود مارا در راه اندازی
این جدل یاری دادند وقت خود را
اختیار ما گذاشتند صمیما نه ابراز
سیاستگذاری و شکران گنیم.

ژوندون باز هم حاضر است صفحاتی
از خود را در باز آفرینی واقعیت
های افتخار آفرین و حماسه های
انقلابی سربازان و زمجو قرار دهد
تاباشد قهرمانی های حما سه آفرین
هموطنان را بیشتر در جریان نهند
گی آنانی قرار دهد که باخون خود
پیروزی را به نمر میرسا نند و نقش
خود را در برابر وطن به ایفاء می
کنند به همین ترتیب از یو نت های
سیار رادیو افغانستان که همیشه
مارا در تبت جریان میز های گرد
صمیمانه یاری داده اند و مید هستند
سیاستگذاری و متشرکیم.

رئیس تشکیلات حزبی :
این آرزو های یا که گواه نهاد
های پاک فرزندان این خاک است
برای هر هموطن ما گرامی است -
خواهران ما فراوان به مقامات
مشغول قوای مسلح مراجعت میکنند
و آرزوی خود را برای سهم گیری در
امر دفع اعز وطن بیان میدارند و ما
هم تاجی امکان آنان را به کورس
های مربوط معرفی میکنیم و اگر -
شما دیده باشید در جشن سرا سری
جوانان پیش آهنگ تعدادی از
دختران تعليم دیده با پارا شوت ها
پایین بردند و چنان آزمودگی و
مهارتی در پرش و فرود از خودنشان
دادند که استادان آنها هم به حیرت
رفته بودند

اگر ما بخواهیم تمام خواهان
داوطلب در مبارزه را به اردو جلب
کنیم شما قبول کنید که جای برای
پسران جوان داوطلب باقی نمی
ماند که این نمودی است از عیق
ترین احساس وطندهستی و علاوه
به میهن که به ما مزده میدهد همان
گونه که مادر گذشته رابعه ها و
زرغونه هایی داشته ایم اینک هم اگر
ضرور تافتند هر دختر افغان در راه
مبارزه در راه پیروزی حق و در راه
پاک کردن وطن از لواث بیگانه و
دشمن یک رابعه و یک زر غونه

است.

البته اکنون ما هیچ کمبودی در
اردی خود نداریم و اگر نیاز باشد
از این احساسات به پیما نه وسیع
تر عمل استفاده می کنیم.

راحله راسخ خرمی :
به اجازه شما جلد امروز را در

پرستانه این جوانان و مادران و پدران
ان شان برای ما همه وطن داران
ارزش فراوان دارد.

راحله راسخ خرمی :

در این شرایط که دشمنان انقلاب
از هر وسیله بی برای جلوگیری از
پیروزی انقلاب در کشور ما کار می
گیرند و استفاده می کنند ووجیبه
ملی تمام مادران قهرمان، مبارز و

حاجسه ساز خواهان و برا دران
دختران و پسران وزنان و مردان

است که دریک صفت واحد چون دز
آهنین برای حفظ دست آورد های

انقلاب مبارزه کنند و در این مبارزه
تا آخرین قطره خون خود پایدار با -

شند تعداد فراوان از دختران و خا -
صتا دختران سازمان دیده و بیکار

جو در این آرزو اندکه به آنها هم
به صورت داوطلب اجازه داده شود

تادر کنار برادران هم سنگر خود
بادشمن بر زمین و بادر امور دیگر

قوای مسلح برای شان زمینه خدمت
گزاری فراهم آید تاموجعب تسلی شان

گردد و بترا نند قولی را که به مردم
زنج دیده و محنت کشیده خود داده

اند وفاکنند و به پیشگاه مردم خود سر
بلند باشند که در راه مبارزه و پیرو -

زی خواهیم که فعلا شامل قطعا ت
عسکری نگردند و در شمار داوطلبان

قرار نگیرند، آنها به گریه می افتد
که وطن امروز بما احتیاج دارد و ما

باخون خود آنرا از دشمن پاک می
داریم که چنین احساسات وطن -

مشترک و اجتماعی و فرهنگی سازمان وحدات انسانی

زیر ذره بین نقد و از تقاد

صفحه ۲۵

شماره ۴۰



زنان و پیروزی انقلاب

ثور

زنان مبارز و انقلابی مادر یک صفت واحد چون در آهنین در برابر ظلم واستبداد نظام شاهی به مجاہده و مبارزه برخاسته و بادایر کردند تظاهرات و میتنهای از ظلم این نظام ددمنش را آور می‌شدند.

آسیا و به این لانه شیر مردان اگر میروی دل به طوفان بسپار دزآهنین دشمن وارد می‌نمودند که انقلاب پیروز مند و آنان این روز مند گان ولا قعی غیور و پیکار جو کمر همت بستند و رفاه و آسایش خلق و مردم دل به رها یی بخش تور که حزب دمو - محبو ب شان، این آشیانه کرا تیک خلق افغانستان و بخصوص مردم مبارز بالرجاع رو برو شدند. با اینمان خلل نایذیر به دژخیمان مستقیماً به آن ارتبا طگست نا پذیر دارد.

در پهلوی سایر سازمانهای توده ای ما نند سازمان کارگران برای تحقق بخشیدن به آرمانهای سازمان دهقا نان، سازمان جوانان وغیره سازمان صنفی اقشار والای انسانی از هیچگوئه تلاش در بیان نکردن و پس از زحمتکش که همه و همه در اثر محروم استثمار انسان از انسان و خاتمه دادن به حاکم بودن وحدنا بودن و رهبری های سود - مند حزب دمو کرا تیک خلق و معکوم بودن و همچنان فقر، بیسادی، بیماری و غیره عوامل افغانستان تهداب گذاری گردیده است سازمان دمو کرا تیک زنان آن و سیعا در تلاش اند.

در پهلوی این همه تلاش ها و مبارزات انسانی، برای آزادی زنان از قید و بند های نظام فیو دالی و ما قبل فیو دالی لحظه ای فرو گذاشت نکر دیده است و با او جگیری و نهضت ملی و انقلابی افغانستان در تحت رهمنا بی های حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان سازمان گذاری شد این سازمان رز منده و انقلابی پیوسته در خدمت زنان ذهنکش و تحت شکنجه افغانستان بوده است.

این سازمان در شرایط توولد گردید و جوان شد که تحریر یکات دشمنان، مر تعجین و استعمار سیاسی و سوگندخورد و علیه شکل گرفت که دوشادو شرکت دمو کرا تیک خلق افغانستان دلیرانه و قهرمان نانه عليه، استبداد، ارتقای قدرت ناما بیهای قدرت استعما ری به مبارزه و مجاھده کرم و پیکر پرداخته و بدون هراس و دلهر- گی ضربات شدید و پیغمبه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان حتی در شرایط ترور و اختناق ظاهر و داد دست از مبارزه نکشید و برای آزادی زنان از قید و بند های نظام فیودالی و مقابله فیودالی لحظه فرو گذاشت نکرد



صفحه ۲۶

دو سال و چند ما ها از پیروزی انقلاب شکو همند و زنجیر شکن تور در کشور آزاد، حما سه آفرین و انقلابی مامیکنند. همین تاریخ میمون یعنی ۷ تور و بهویزه مرحله نوین و تکاملی آن بود که مردم رنج کشیده همراه با اردوی قهرمان و حما سه بازما به رهبری حزب دمو کرا - میمین به پیشوای این گردن تیک خلق افغانستان ایشان رفتند و در دهلهیز های تاریخ ایشان روز منده و پیش آهنگ مصمم شدند با یک نبرد انقلابی شب سیا - سر زمین هنگام ای مرد ا نگی، شها مت، دلیری و آزادی را دو تاریخ را به روشنی مبدل سازند. با این تصمیم مردانه و بادل پرستا نه ای به همد یکرگفتند با لا ساختند و با تصمیم و طن های مملو از شور و شوق و عشق به دریا مترو گفتمت زینهار به میمین، به این قلب پر طیش

ساختن آنها علیه ستم دو گانه
اجتماعی شرکت در مظاہرات
ومیتنگ‌ها و اعتراضات عظیم
وباشکوه عليه دولت‌های وقت
ودر مرا حل مختلف نهضت، نقش
حساس خویش را قهرمان نمایند
وپیکار احساس انسانی
درک این حقیقت بی‌بوده اند که مادر
مختلف زندگی رشد و تکامل
خواهد یافت.

گون زنان ممکن گردیده و تصمیم
یدیده های متوجه در شتوان
درک این حقیقت بی‌بوده اند که مادر
وطن ۱ مرور به کار و پیکار انقلابی
آنان بیشتر از هر وقت دیگر نیازمند
است و زنان مستشعر اند که بدون
شرکت گسترده و همه‌جا نیمه
آنها و بدوان سهم گیری فعالانه
ایشان در امر تحقق بخشیدن پلان
عای اجتماعی اقتصادی کشوار
ارزشمند شان به مناسبت او لین
کنگره سرتاسری زنان چینی
شده نایل آمد لهذا روی همین
فرمودند:

((ما نه تنها با عقب‌ماندگی خواست، در عمل می‌بینم که
شدید و فقر بیما ری و بیسوانی حزب دموکراتیک افغانستان
جا نکاره موافق هستیم بلکه در حدود امکانات زمینه رشد و
در شرایط کنونی که همه زنان

عمل و تبارز استعدادهای گوناگون
و آزادی و آسایش مردم بر رزم‌مند
واز پیکار عادلانه و برحق دست
نگیرند. و بایک احساس انسانی
تی شجاعانه و قاطعانه و بیبا کانه
همدوش با مردان شجاع به
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکratی
کرا تیک افغانستان در بیان نیمه
کنگره سرتاسری زنان چینی
شده نایل آمد لهذا روی همین
در بست و توسعه پدیده‌های
نو از جان و دل بکوشند.



زنان مبارز و حماسه ساز افغان مصمم هستند تادریک سنگرو احدهمدوش با مردان در جهت تحقق
اهداف والا و انسانی شان به پیکار عادلانه خود ادامه دهند

گذشته خلق قهرمان وزحمتکش انکشاف همه‌جا نیمه را برای زنان
افغانستان بی‌رحمانه غارت و در نظر گرفته و در عمل بیان
تا راجشه و زنان ما محروم می‌نماید روی همین منظور بود
ترین و محکومترین بخش جامعه که حزب دموکراتیک خلق افغان
نشستن او لین کنگره سرتاسری
را تشکیل میداند کافی است
یاد آور شویم که ندوه هشت فیصله
زنان کشور هنوز خواندن و نوی
شستن را نمی‌دانند تنها با ارائه
این رقم می‌توان بزرگی و دشواری
و ظایف را که در پراپر ما قرار
دارد به وضاحت درک گرد ولی ما
معتقدیم مردم زحمتکش ما که
رنستا خیز نور و مرحله نوین
تکامل آنرا به پیروزی رسانید
کنگره اشتراک نمایند.
بقیه در صفحه ۶۶

حکم و وطن و با دشمنان صلح
ویزیکار عادلانه و برحق دست
نگیرند. و با یک احساس انسانی
و در مراحل مختلف نهضت، نقش
حساس خویش را قهرمان نمایند
و پیکار جویانه ایفاء نموده و در
جهت سازمان دهنی زنان وهم به
غرض تنویر اذهان و بلند
بردن سطح آگاهی و شعور سیاسی
سی‌زنان نقش خویش را فعالانه
و مسئولیت و لانه انجام‌داده است از
اینکارات دیگر این سازمان توده
ای تجلیل از روز تاریخی و بر
افتخار هشت مارچ است که
برای نخستین بار این روز تاریخی
به سر برستی زن آگاه، قهرمان
وانسان دوست ما دوستی را رس
اناهیتا راتب زاد در سال ۱۳۴۶
تجلیل و برگزار گردید.

این زن مبارز با همه کوشش
ها و تلاش‌های انسانی آگاهی و
رزمندگی که خاصه شخصیت برای
طبیعت اوست در طرف پا نزد
سال و نیم در جهت احیا حقوق
تلف شده زنان محروم کشوار
مجدداً نه سمعی و تلاش ورزید
بیم و هراس را به خودراه نداد و
خستگی احساس نکرد بلکه مانند
سباهی و مدافعان حقوق زنان پرچم
رزمندگی بدوش و پیشایش صفوی
زنان حرکت نمود تادریک آزادی و
آزادگی زنان را در اهتماز آورد.
البته نیازی به اثبات نداشته
مرور کوتاه و گذرانگر زرف
و عمیق کار نامه های انقلابی،
گذشت و فدا کاری سازمان دموکراتیک
کراتیک زنان افغانستان مایه
غور و افتخار همه زنان مبارزو
تعام وطن برستان بوده و است.
زنان ما مصمم هستند در راه

اعمار یک جامعه نوین و بازیافاه
جا معاشه ایکه در آن از فقر و بیسوانی
دی از مرض و نارا حتی اثر
نباید باز جامعه ایکه همه افراد آن
چه زن و چه مرد از همه حقوق و
مزایای انسانی و دموکراتیک
برخوردار باشند حتی یک لحظه
از تلاش کنار نرفته است.

لهذا برای همه زنان و همه
ما در این مبارزه و حماسه ساز
افغان لازم است تادریک سنگر واحد
و با یک هدف انسانی تحت رهنمایی
های حزب دموکراتیک خلق افغان
رنستان و دریک جبهه واحد و متحده
ملی پدر وطن با دشمن مشترک

که این تعقیب و بسر رسانیدن
آرمانها و پلانهای اصلاحی
ومترقبی دولت در پرتو رشد
از عهد و انجام این وظایف تاریخی

جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیانه پرشور و انقلابی شان خطاب به نهایندگان روشنگران شهر کابل بتاریخ ۱۶ سپتامبر سال جاری در قصر سلامخانه، هفتر شورای انقلابی فرمودند: در تحول انقلابی کمددور آغاز گردید ماهیتاو خصلتاً انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امیریا لیستی بوده و هست، اینکه مشتی چندان خاتمین عمال سازمان جاسوسی امیریالیستی امریکا وقتاً انقلاب را از مسیر اصولی آن منحرف ساخته و می‌خواستند استقلال کشور هادا از میان بردارند دلیل بر آن شده نمی‌تواند که در اصل ماهیت انقلاب واقعی خلق افغانستان انقلاب ملی و دموکراتیک کوچکترین شکل ترددیدی بوجود آید.

آری خیش قلر مند ۶ جدی دوام اصولی و پیکر اهداف والای انقلاب نور است و اهمیت سترگ این قیام ظفر نمون همانند میسر اصلی، گردانیدن انقلاب است که هوقتاً بنا بر توپه امیریالیزم و در راس امیریا لیز ه امریکا از مسیر اصلی و اصولی خویش منحرف ساخته شده بود. نقش روشنگران قبربان و انقلابی هم در پیروزی انقلاب شکوهمند نور و هم در پیروزی مرحله نوین و تکاملی آن چشمگیر و پراهمیت است. این اراده مردم ما و حکم آفرانه تاریخ است که اگر کس بخواهد و با

نخواهد کشور مردم ماروز تاروز بشکل فشرده تر و قاطع تر در راه تامین اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک قسم پریمی دارندو مردم افغانستان میاهات دارند از یتنکه نه تنبا راه جدید، راه ابتکاری، راه پیروزی را بروی خویش با پیروزی انقلاب ظفر مندور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن باز گردند، بلکه تمام بشریت هترقی، دلبری و قبربانی مردم ما را ستایش می‌کنند و مبارزه آنانرا در راه شکوفانی و اعمار جامعه نوین و عادلانه علاوه تایید می‌نمایند.

مردم میهن ما و بخصوص روشنگران وطن پرست به نیکی درک گزده بودند که اعمال و فعالیت های این و باندش نه تنبا مطابق اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک نور نیست بلکه درست در نقطه مقابل آن و علیه آنست لذا مردم ما برای معنو و طرد این مکروبهای از وجود انقلاب، از وجود وطن و از وجود حزب بالقبربانی و پیکری اقدام نمودند. اینکه نه تنبا برای انحراف انقلاب از طرف باداران امیرالیستی خویش وظیفه داشت بلکه سرکوب و از بین بردن بیترین فرزندان این کشور و در قسم اول روشنگران بارز و هترقی و وطن

پرست را نیز وظیفه گرفته بود لذا اینکه دارو دسته سفاکاو با جدیت و به اصطلاح چار چشم ناظر بود تاز هرجا، هر نقطه و هر کس صنای حقوق حقیقت بلند شود با سرنیزه سر کوبش سازند، چه بسا عناصر وطن پرست آزادیخواه و روشنگر که حیات افتخار آفرین خویش را درین بین راه از دست دادند و چه با



پیروزی پاد انقلاب

پژوهش ۶ بندی تاجی مردم، انقلاب و وطن

انقلاب ملی و دموکراتیک، ضد فیودالیزم، ضد امیریالیزم و ضد کمپرادوری کمدد نستان و شکوفانی کشور باعظامت ما روی دست گرفت و درین راه قسم هایی چند برداشته که در اصل ماهیت انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان کدام شک و تردیدی بیان آمده شد ولی بنابر توپه ضد حزبی، ضد مردمی و ضد انقلابی ارتیاع و امیریالیزم در وجود افغانستان به پیروزی رسید تحول و جشن امین جاسوس نه تنبا این اقدامات متوقف گردید عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق شکری بود در تاریخ کشور باستانی مسا. افقیاب از همان بدو پیروزی خویش اقدامات بلکه خط السیر اصلی و اصولی انقلاب کنار افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم

عناصر وطن پرستیکه بسدست درخیهان امین صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بود و است.
دست امین و باند تپهکارش جام عای شپادت دلیر وزحمتکش افغانستان بود دلیر کارمل منشی
نهايندگي كميته هركاري حزب دموکراتیک بتأريخ دهم جدي ۱۳۵۸ بيرك كارمل منشی
نوشیده بودند. روح شيطاني امين حيله گرو خلق افغانستان و سورای انقلابي جمهوري
دستگاه خونين و شيطاني او به بيرجهانه عمومي كميته هركاري حزب دموکراتیک خلق
پرشدن، امين از نظر طرز فكر يك فاشیست خلق افغانستان با این جملات غفو
دستگاه خونين و شيطاني او به بيرجهانه عمومي كميته هركاري حزب دموکراتیک خلق افغانستان
ترین شيوه هاي فاسیستي و با استفاده از الفانستان، رئيس سورای انقلابي و صدراعظم
منخط بود و درست با پيروري از اسلام خوش چشمهاي زندانيان سیاسي را اعلام داشت
يعني فاشیستان هيتلري در مقابل وطن.
پرستان و آزادیخواهان و انقلابيون عمل می
نمايندگي از كميته هركاري حزب دموکراتیک افغانستان چنین فرمودند:
شوروای انقلابي جمهوری دموکراتیک افغانستان نموده.
برگاه شما هردم
و سطح عوامی همه زندانيان سیاسي ایکه از زیر
شويم که سقوط امين و باند ش در حالیکه
ایم که همه حقایق را به بيشگاه شما هردم
ساطور خونین خلیفه اللہ امین میر غضب جان
پرو بال مردم هارا باز گرد و این خلق
شریف و عذاب کشیده وطن با صراحت و
آشکارا بیان نمایم. بنابر این اگرتو بشما
بلکشیده نفس براحت کشیدند، بودند در جهان
خطاب گرده می خواهم در باره دشواریها
مشکلات و مسائل فوری و پر مسؤولیت و با
خون می گریستند، آری آقای کارتر این
اهمیت که در مقابل مردم زحمتکش و شجاع
شامیيون به اصطلاح حقوق بشر دولت
انقلاب بدون هیچ نوع تعییف و امتیاز دروازه های
اصلی شان بود افکنند. طلوع مهر تابان
مرحله نوین و تکاملی انقلاب نوریکار دیگر
زندان ها را در مرکز و ولایات گشود بروی اورا رئیس جمهور قانونی؟ خواند و احساسات
ماقرار دارد صحبت نمایم. شرط اول و



آنروز دهها هزار نفر از فامیل های داغدیده مردم ما عقب دروازه زندان پلجرخی، انتظار آزاد شدن عزیزان شان را می گشیدند که امین
جلاد آنها را بزندان انداخته بود.

عمده برای رسیدن به پیروزی عبادتست از دلپای رنجیده، دلپای خونین و دلپای سرد زندانیان ظلم امین باز نموده. شهر کابل و مردم هارا گرم و پر طیش ساخت، رعامت
کارتر زمانیکه امین دست به وحشت، ترور و انتقام بودند و در هر طرف از هر چشمی و دوستان بودند مرحله نوین انقلاب تور
خشکنی ناپذیرگار و گوشش کند ماباید هرچه زودتر به برادر کشی و تجاوزات دشمنان از همان روز های اول پیروزی قیام ظفر هند
واختناق می زد، آوانیکه روز دایر مردم ما تار ساخته بود. هیچ نوع اعتراض و تهدید که امین میر غضب، سلاک و جنایتکار آدمکش
آزادی و استقلال کشور بیان دهیم... نمی نمود و لی زمانیکه مردم های اراده خویش آزادی با درایت و مردم دوستی خاص درصد
زعامت انقلابی مرحله نوین انقلاب شکوهمند به این صفحه تاریخ تاریخ خویش خاتمه دادند در بند کشیده بود آزاد شدند این ها تها
تندی از همان اولین مراحل پیروزی خیزش و رنجیده های برم ترین وظیفه در
آن دهه اول همانا باز ساختن همه دروازه های زندان های روح فرسای امین و باندش بود.
از این اتفاقات و ندبه هر تجمعی و امیریالیست هزاران انسان دیگر متشکل از مبارزان انقلابی
که در این روزهای روح فرسای امین و باندش بود. لذا بتاریخ یازدهم جدی ۱۳۵۸ بیرک کارمل
کارگران، دهقانان، روشنگران و روحانیان منشی عمومی کميته هركاري حزب دموکراتیک
خلق افغانستان، رئیس سورای انقلابی و شریف و مورد احترام مردم افغانستان، به خلاف عدالت و انصاف شان در مقابل مردم

می شوند . با وجود دست درازی ها و مداخلات پیشمانه ارتعاع و امپریا لیزم دولت انقلابی های انتقام به نیروی مردم غیور سر بلند آفغانستان قلم عای موثر و فراخی در راه اعمار جامعه و شکوفانی آن برداشته است . کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بادر نظر داشت شرایط خاص انقلابی وضع موجود در کشور یک سلسله وقایع عای مهم کلتوری ، فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی و ارتقای سویه حیات مردم را روی دست گرفته اند و روز تا روز در راه ترسی علم و فن در کشور داخل اقدام می باشد . همچنان باید مذکور شد که در شرایط دشوار کنونی (نسبت دوام چنگ اعلام ناشده علیه افغانستان انقلابی) براساس ارزیابی تایج پلان رسید اقتصادی کشور طی نشنس ماه اول امسال (سال ۱۳۵۵) عواید خالص ملی به مقایسه سال قبل (عنوان سال ۱۳۵۸) بیشتر می باشد و تولید برخی از انواع

بقیه در صفحه ۶۶

آرمان قلم های بلندی بردارد اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صراحت حکم می کند که رعایت ، حمایت و احترام بدین مقدس اسلام و قیقه تزلزل نایدیر حزب دولت و مردم افغانستان است . البته باید مذکور شد که همه این اقدامات برای ایجاد فضای آرام ، مطمئن و دموکراتیک برای مردم افغانستان صورت گرفته و صورت می گیرد و در راه موتوریت هرچه بیشتر کارو بیکار مردم افغانستان در راه اعتمادی وطن و سطح حیات مادی و معنوی شان می باشد . نتیجه های مثبت سیاست حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در قبال تامین وحدت تقویت یابنده سیاسی و معنوی مردم و جامعه مانندیج پر باری به ارمنان آورده است . بهترین شکل تامین این وحدت ایجاد جبهه و بخصوص مرحله توین آن ایجاد تعویل در دستگاه دولتی نظام های فاسد گذشته، یعنی ازانحال قانون اساسی رژیم سابق گرفته تا ارد و خارندوی می باشد . دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تدوین و اتفاقاً اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صفحه نوین و دموکراتیک و انقلابی ایرا در حیات سیاسی مردم می کشد . با پیروزی قیام نظر مند ۶ جدی شرایط مساعد برای کار خلاق و اشتراک وسیع مردم در مبارزه خستگی نایدیر شان دوره اعماق جامعه توین مساعد شده است . ازاولین روز های مرحله دوم انقلاب که بحق می توان آنرا مرحله نجات وطن ، مردم و انقلاب نامید اقدامات موتوری چیز تحقق و تطبیق پلان های وسیع دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و احیای اصول دموکراتیک که بوسیله امین و باند سفال و بی فرهنگی نقش شده بود صورت گرفت . اکنون کنترول جدی بر تطبیق و اجرای قانونیت انقلابی در همه ساحت اداره ایجاد شده است . اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که حیثیت قانون اساسی وقت جمهوری دموکراتیک افغانستان را دارد از طرف عالی توین ارگان مقننه کشور یعنی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تصویب و نافذ گردید ... در این اصول اساسی حقوق و وجاپ و ازادی های همه مردم افغانستان درج گردیده است و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان آنرا بشکل اعتراف نایدیر اجرا می نماید . روحیه و احکام این اصول اساسی حکم می کند که باید در عرصه اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاستی را در جلسه تحکیم وحدت کارگران ، دعقات اهل کسبه و روش فکران و دیگر اقشار و طبقات مردم و تما م قوت های وطن برست و دموکراتیک و همه اقوام و ملیت های وطن ، بیش بگیرد چنانچه با اتخاذ این سیاست ملی و هترقی دولت هترقی ها توانست در راه تامین این



نظام فاشیستی و انسان کش امین جlad داغ های نوین را در قلب زنان ها کذاشت و آنها را یک عمر در عزای بدران شوهران ، پسران و جنگ گوشه هایشان نشاند .

سپاهی گمنام

بشد از غصه گره چو نکه گلوی مادر ...
 دیده پر آب شدو گفت بدان نور بصر
 کای جگر گوشه مادر پد رت عسکر بود
 رفم جو، غیر تی و مرد و نبرد آور بود
 تاکه محکم بشد از حب وطن ایمانش
 رفت در معركه قربان وطن شد جا نش
 گرچه مر گشپدست کرد مرا بی شوهر
 آتش فرقت او سوخت مرا قلب وجگر
 تو بی امروز پدر مرده و بیچاره یتیم
 زیدر هیچ تداری تو بجز پاره گلیم
 لیک شادم که شد آزاد زیست اغیار
 دشمنان دست کشیدندز ملک که سار
 راد مردان وطن عسکر افغان به جهان
 داد در معركه ها دشمن این خاک بیاد
 نقد جان بدل نمودند و بکرد نداشتار
 تاکه پاشید ز هم سلسله استعمار
 در عروق تو بود خون یکی مرد دلیر
 آنکه از غیرت بسیار بشد از سرتیر
 در س آزاد گی آموز زاجداد غیور
 هوش کن رخندید در ره عزم تو فتورد
 مردان به که بدل شعله ایمان بدهد
 در ره حفظ نواهی من وطن جان بد هد
 زادگاه تو وطن باشد و همما من تو
 مهد آسا یشن و تر بیت و هم مسکن تو
 در نگهبانی خاکت بگذر از سرو جان
 تابه محشر شوی از زمه گلگو ن کفنا ن
 هر گی بپتر بود از ذلت و قیدگران
 هیچ گه بندو غالا می نیزد یرد افغان
 با شعور وطنی عشق به آزا دی خاک
 هوج باید زند اندر دل هر نقطه پاک
 هوش کن تن باسا رت ند هی گوشه دل
 گرچه چون مرغ شوی در دم تیفسی بسمل
 ای شبیدا ن وطن رو حشما شاد بود
 زانکه از فیض شما مملکت آزاد بود

آسمان صاف، هواد لکش و گیتی خندان
 بوستان تازه و گل گرده بستی تو فان
 در چمنزار سر سبزه بسای اشجار
 کود کی چندشده جمع زهر گوش و کنار
 چهره هاچون گل نو خاسته در اوج سرور
 پاک و رخشنده تراز عار فن جانا نه حور
 کودکی با یخنی کنده و احوال خراب
 گویا آتشن غر بت جگر ش گرده کباب
 چرخ بگرفته به این کود کم حزون سرگین
 بر سیه روزی او خنده همیکرد زمین
 رخت بر بسته همیز رحمت از اعماق نفوس
 ذقسانت شده سیمای بشر زشت و عبو س
 چشم انسا نیت آدمیان تنگ شده
 یادل خلق بسی سخت تر از سنگ شده
 یا مکر عا طفه از روی زمین معدوم است
 یا به بیدادی و بیداد بشر محکوم است
 که کسی را نبود جرئت دلداری او
 تاکه با سایقه لطف گند یا ری او
 این دل پاک که هنر لگه بیزدان باشد
 وین تن زار که شا پسته احسان باشد
 مورد مر حمت مردم فرزا نه نبود
 دل او شاد زیک شیوه مردا نه نبود
 کودکان را پد ری با شدوصا حب کارند
 برخی ما مور و گروه دگری تعاد رند
 کود کی طعنه بداد ش که ندا ری تو پدر
 زاشک حسرت سر خچون برگ گلا بش شدت
 هست چون منصب و شغل پادرت نامعلوم
 بهتر آنست باما با شی مطیع و محکوم
 آهده گریه کنان دامن ما در بگرفت
 ما جرای غم دیرینه اش از سر بگرفت
 گفت با مام بگو مسلک و شغل پدر
 کودکان طعنه زند آب نما یند جگرم

بیو نگ کو هدا من

دیدار از آن

بیانیه میانه

بخش دوم

خواست ها . آرزو ها و نیاز های رنجبران را تمثیل مینمایند و باز تاب می دهندر جمهوری ترکمنستان امروز مکتب های موسیقی و جو داده . در هر کلخوزی گروه های کوچک موسیقی فعالیت می نمایند . و دیگر هنر از مردم جدا نیست . اکنون در شهر های باستانی مانند تمر قند ، بخارا ، خوارزم مدرسه های دینی وجود دارد و تعداد بی شماری شاگرد دارد که علوم دینی ، مذهبی را فراموش نمایند . در صد از مردم جمهوری ترکمنستان مسلمان اند و بیست درصد پیروان دیان و مذاهب دیگر اند آن کو نه اراده نمایند بر هر چه کاستی و پیروزش باگونه ای برابر استفاده دشواری است بیروزی و چیرگی مینمایند در جمهوری ترکمنستان می یابند آن کو نه که تذکر داده شد امروزین هفت تیار بزرگ است مرتعین و مفت خواران هر گز و جود دارد که شهر تی جهانی و هیچگاه راضی نیستند و نمی یافته اند . تیاتر بالات ، تیاتر برای خواهند که موضع خویش را ترک جوانان و کودکان وجود دارد . گویند . آنان تا می توانند دست در مرکز هر ولایت این جمهوری یک تیاتر بزرگ فعالیت می کنند . البته وبا می زنند کوشش های دیدوایی استوار تر و محکم تر میشود آن

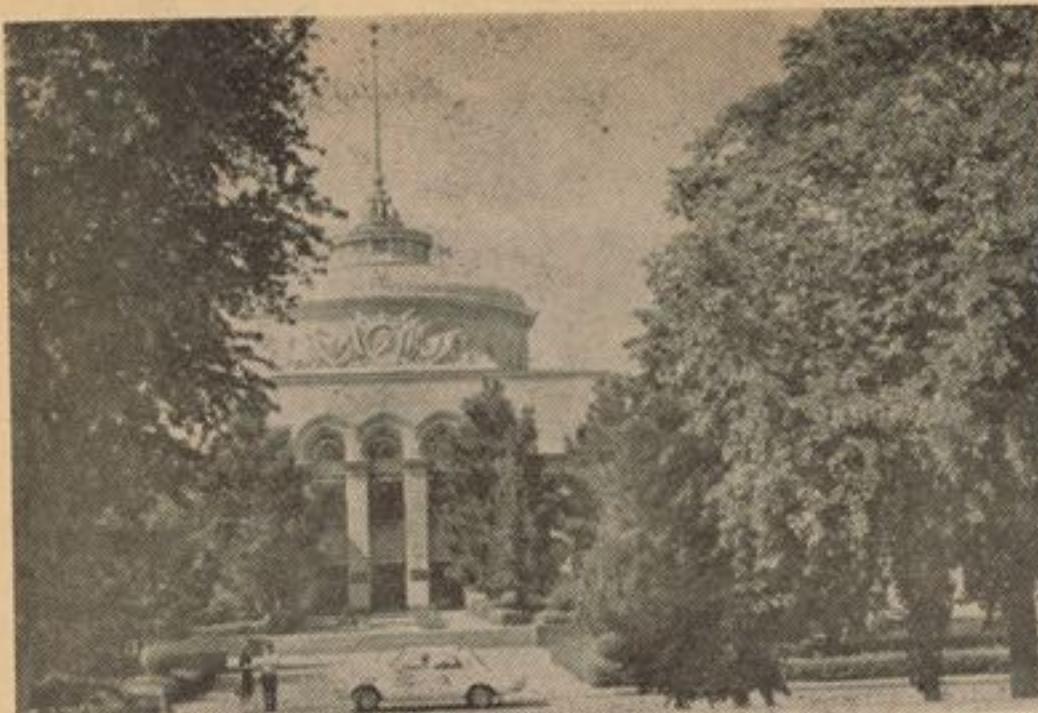
پوچ بود نظر مجله تزاری راثابت صد مردم ترکمنستان با سواد اند کردو نشان داد که وقتی تولد و از همه وسائل و امکانات آموزش اراده نمایند بر هر چه کاستی و پیروزش باگونه ای برابر استفاده مینمایند در جمهوری ترکمنستان می یابند آن کو نه که تذکر داده شد امروزین هفت تیار بزرگ است مرتعین و مفت خواران هر گز و جود دارد که شهر تی جهانی و هیچگاه راضی نیستند و نمی یافته اند . تیاتر بالات ، تیاتر برای خواهند که موضع خویش را ترک جوانان و کودکان وجود دارد . گویند . آنان تا می توانند دست در مرکز هر ولایت این جمهوری یک تیاتر بزرگ فعالیت می کنند . البته وبا می زنند کوشش های دیدوایی استوار تر و محکم تر میشود آن

تلash شبا روزی و خستگی ناپذیر ، دیگر باز ن برخوردی کامجویانه نمی شود . با تغییر رو برو نمی گردد . حقوقی همسان با مردان دارد . دولت های ارتجاعی ، ضد مرد می و ضد انسانی که همیشه در جهت مخالف همانفع مردم گام بر می دارند . یکی از علت هایی که می تواند به آنان مجاز ایام بیشتری دهد . در تاریکی نکاهداشت مرد ماست . اینا ن نمی خواهند که مردم بیدار گردند . آگاهی بیانند ، به سطحی از شعور واندیشیدن برستند . با این ارتباط و پیو ند است که تایپیش از انقلاب در سراسر خاک ترکمنستان فقط پنجاه و هشت باب مکتب ابتدایی وجود داشت با دو هزار و پنجصد شاگرد که آنهم پسرا ن خواندن و ارباب بودند در آن مکتب پسرا ن دهقانان نمی توانستند در سی بخوانند اصوات تایپیش از انقلاب دانش انصاری بود . زمینه یادگر ختن و آموختن برای همه وجود نداشت . فقط اعیان و اشراف می توانستند . سعادت آموختن را باید بند . پسران کشاورزان و دهقانان هر گز به آن سعادت نمی رسیدند . یعنی از بابا ن نمی خواستند که آنان برستند چون آگاهی و بیداری توده ها آهنه نا بودی از با بستم را می نوازد سه سال پیش از انقلاب در یکی از مجلات تزاری نوشته شده بود که چهار هزار و پنجصد سال لازم است تاریکستان رها . دشت ها و خارزاری توده ترکمنستان آباد گردد و این خصلت را می نوازد سه سال پیش از انقلاب در یکی از مجلات تزاری نوشته شده بود که چهار هزار و پنجصد سال لازم است تاریکستان رها . دشت ها و خارزاری توده ترکمنستان آباد گردد و این خصلت جدایی ناپذیر دولت های طراز استبدادی است که مسایل ساده را دشوار و بفرنج نشان می دهند حمیشه منفی بافی می نمایند نمی زمینه یادگر کو نی بینیاد یعنی را خواهند که کاری به سود توده های پدید آورده ای دارند . در خدمت کبیر اکتوبر آن کو نه که در همه را بینیاد نهند و به جامعه ای بدون خود را تسرحد تفنن و سرگرمی آنرا تاریکستان را بینیاد نهند . تیار های بازاری پائین می آورد . تیار های بازاری که در جمهوری ترکمنستان طبقات برسند . این همه هیا هم و غوغایی را که اکنون امپریالیسم رحمتکشان و آرمان آنان اند . جهانی در باره انقلاب افغانستان



عده یی از نویسندها و شعراء و هنرمندان افغانی در دیدار شان از شهر تاریخی مرو عکس یادگاری گرفتند

وار و هسته یک انجام می دهند . باید این نکته هم تذکر داده شود که کو نه که سنگ اندازی ها و کار بانو آوری و دگر کو نی به مبارزه این تیاترها برای سودجویی و شکنی های دشمنان در باره انقلاب رهایی بخش و کمیز اکتوبر بر تجارت نیست آن کو نه که در کشور نتوانست کارگر واقع شود و مردم های سرها یه داری هنر در بست در بهانه تراشی های می نمایند . شوروی توانستند بر ویرانه های خدمت یول قرار میکرد . هفدهم از کتا بخانه و تیاتر و سینما هر گز خبری و اثری نبود . انقلاب استبدادی است که مسایل ساده را دشوار و بفرنج نشان می دهند حمیشه منفی بافی می نمایند نمی زمینه یادگر کو نی بینیاد یعنی را خواهند که کاری به سود توده های پدید آورده ای دارند . در خدمت کبیر اکتوبر آن کو نه که در همه را بینیاد نهند . تیار های بازاری که در جمهوری ترکمنستان فعالیت های هنری دارند . در خدمت رحمتکشان و آرمان آنان اند . جهانی در باره انقلاب افغانستان



یکی از بنای‌های تاریخی ترکمنستان

یامی گدارد گوین در سراسر خاک جمهوری
ترکمنستان گام گذاشته است.

از هرولایت و دهکده‌ی روزتای جمهوری در این
نمایشگاه بزرگ آثاری می‌توان یافت. در این
نمایشگاه یینته درمی یابد که دیگر جمهوری
ترکمنستان به حدود کفایی رسیده است. همه
نیازمندی ها و ضرورت خود را خود تولید
می‌کند. مردم این جمهوری در همه‌ی بخش

عاورشته ها فعالیت دارند و زحمت فراوان
می‌کشند. یکی از دیدنی های شگفت این
نمایشگاه که یینته راهم به تعجب می‌اندازد
نمایشگاه قالین است.

صنعت قالین باقی در ترکمنستان امروز رونق
ورواج فراوانی دارد. قالین های این جمهوری
از شهرت چنانی برخوردار است. قالین
ترکمنستان به بیش از ۵۰ کشور خارج صادر
می‌شود که شهرت شایسته یافته است.
هاخواهان قالین ترکمن در همه‌ی جهان فراوان
است و بسیار.

فرهنگستان ترکمنستان:

این فرهنگستان در سال ۱۹۵۱ بنیاد نهاده
شد از سال ۱۹۴۱ در این فرهنگستان شعبه‌ی
اکادمی کل شوری شعالیت می‌گرد.

اما امروز که ۶۳ سال از پیروزی انقلاب
کبیر اکتوبر می‌گذرد، دانشمندان در فرهنگستان
ترکمنستان مشغول به پژوهش و تحقیقات علمی
ادبی اندکه شهرت و آوازه‌ی چنانی یافته‌اند.
الکون در این فرهنگستان ۲۵۰۰ متخصص
بر جسته کارهای کنده‌گه - ۱۰۰۰ نفر آنها درجه
های علمی دارند - ۱۰۰ نفر درجه‌ی دکتوری
این فرهنگستان مشغول پژوهش های در همه
زمینه‌ی های علمی است. این فرهنگستان وظیله

نخستین خودی دانکه سینه‌گویها و دریاها
را بشکاند و ازان بسود انسان استفاده نماید.
بقیه در صفحه ۶۷

به راه اندخته است نمی‌تواند کاری را از پیش ببرد و به جایی رسید
این قانون تغییر ناپذیر و اصلی علمی
است و پذیر فته شده است که نو
جای کهنه را می‌گیرد.

آن گو نه که در سطرهای گذشته
اشاره گردید در جمهوری امر و ز
ترکمنستان بیشترین تووجه برای
بارو ری هنر، ادبیات و فرهنگ
می‌شود افتخارات مواریت و شاه
کارهای گذشته را همچنان ارجمند
می‌دارند در جمهوری امر و ز
ترکمنستان موزیم های وجود دارد
که آثاری ری هنری معاصر
را نگهداری می‌نمایند. نقاشان
معاصر جمهوری ترکمنستان آثاری
با از باط به جامعه نوین پذیردند
اند آثاری عمیق، نوین و درما یه
ربالیزم اجتماعی.

موزیم دولتی ترکمنستان:

نقاشان امر و زین این جمهوری
آثار مردمی و دنسانی دوستانه پذیرد
آورده اند، آثاری که بیدادار باشان
پیش از انقلاب را باز مینمایند
همه مسایل پیرامون خوشیش را تجربه می‌کنند. درون مایه آثار
خوبی را از میان مردم انتخاب می‌کنند. در بر جی از عاج نمی‌نشینند
اهل تطاهر و ریاکاری و فریب
نیست. فیسن و آفاده نمی‌فروشند
ناز نمی‌کند و کلاه کج نمی‌گذارد.
هنر هند امر و ز در ترکمنستان
در کنار مردم ایستاده سر نوشته
خویش را از آنان جدا نمی‌داند
در آثار نشان معاصر ترکمنستان بازتابی
گسترشده یافته است که از شمار می‌توان: آی
خان خاجی اوف، یعقوب آنا نورف، دردی-
دند. از شاعران محبو ب جمهوری
ترکمنستان می‌توان از مخدو مقلی اف، امان قلی اوف و هاشم نورعلی، نام برد



یکی از بنای‌های زیبای ترکمنستان

مادر

قصاب : آها . پس هم یک حیوان وحشی
همست . خوب بینید ، هم یک حیوان وحشی
همست . بخاطریکه هم از اعتصاب شکنی پشت
بانی کدیم .

(خطاب به مادر) عمنیشور نیس ؟ ... (کنار
در میشید) ... اما آیا اعتصاب خودش یک
ای عدالتی نیس ؟ بعد ادامه میدهد شاید جواب
پشتی که علت اعتصاب هم است که چرا کار-
گران اعتصاب میکنند ؟ (مادر به اشاره سر
تائید میکند) قصاص باز هم ادامه میدهد :
شاید بگویی ، چون معانی کارگران تقلیل
یافته لبذا اوضاع دارون که اعتصاب کنند.

درست س ؟ اما چرا معانی تقلیل نیافر ؟ خوب
بینین ، ای تمام جایداده که می بینی از آقای
زیمر نوف س و خودش در جزیره اودیسه
زندگی میکند .

خوب ، چرا آقای زیمر نوف معانی ماره
کم نکته ؟ ... (دو کارگر اعتصاب شکن حرف
اورا تائید میکنند) ... خوب آیا ای بیسے ره
که هاهانه ما میگیریم ، از جیب زیمر نوف
نهیره ؟ سال پیشتر چه شد ؟

زیمر نوف حتی معانی هم کم کم گه ...
خطاب به خانش ... هه چه گتم ؟ ...

هیج ... هیج ... در ماه سپتامبر چه
خواهد شد ؟ شاید باز هم معانی هم کم
کنم .. خوب باز هم اگر ما هیج نکنیم ، او
معانی ماره باز کم میکند ... گناه از ماس .
مه قبل ازی هم ای کیه می فهمیدم ولی عکس-
العمل تو (خطاب به مادر) برای هم گپ
غاره روشن ساخت .. تو شوردوای مسره
نخوردی ... (خطاب به کارگران) یک زن
شریف سوروای که رشوت س نمی خورد ...
وای حرکت او بری هم چیز ها ره روشن
ساخت هم قبل ازی هم ناراضی بودم ولی صبر
میکدم ، اما امروز می فهم که از صبر هم
عجیبه سو استفاده شده ... (خطاب به کار-
گران) برین به آقای زیمر نوف بکو نین که
نان سماره اودیسه روانه گته . هه دیگر
بری شما پخته نمیکنم ... زیمر نوف خودش
میتانه بریتان پخته گته ، ای خواه وحشی ره ...
خانم قصاص : خوب عصی نشو .

قصاص : هه از کار آشیزی گانتین فابریکه
بخاطری چرف نظر کنم که اونجه گناه کاری
ویاد بود . انسانها استهار میشند . آدم
به ده به فکر اینکه اینجه هنوز هم چیز
دست نخورده س . آدم میتانه اینجه شرافت
مندانه کار گته . ولی امروز می بینم که اینجه
هم کوه گناه وجود داره و اینجه آدمها ره
حتی به یک بشقاب سورواه می خون ...
خانم قصاص : خوب ، باز هم ازینجه کوج
میکنیم ...

قصاص : کاملا درستس ، ما کوچ میکنیم .
(با صدای بلند) ، خوب بسته کنیم ، همه
چیزه میبریم ... (خطاب به خانش) ... چربو
و گوشت ها ره از منع جمع کو ، به خاطر جی

مادر : برای اینکه همه اعتصاب شکن فکر
گردند و دستام دادن و همه حیوان وحشی
گفتند ...

خانم قصاص : چرا دستام دادن ؟

مادر : برای اینکه فکر میگردند که هم از
جمله اعتصاب شکنان هست .

قصاص (باتیسم) : به نظر شما هرگیشه
اعتصاب نکته ، باید اوره به سنگ بزنند ؟

مادر : بلی ، البته
میگوید : بته ، نان برش بته ، دو بشقاب سه

بشقاب ، هر چه که می خواهد بته ... بعد
قصاص بطرف مادر میرود و میگوید : نامه مواسیل
است . خطاب به خانش ... دیگه کارگر هاره
بکو که بیا بن . اونا میتان اینجه چیزی
بیاوهون .

سر و کله کارگران دیگر از دروازه نمایان
میشود . قصاص خطاب به کارگران ادامه

میدهد : خوب گوش کنید : اعتصا بیون همراهی
سنگ به سر ای زن زدن . شما پندیدگی

سر و بیشانی اوره خوب بینین ، هه ازی
زن برسان کدم که چرا اونا شماره زدن ...

ای زن جواب بیته که اونا فکر کدن که هه
از جمله اعتصاب شکنان هست ... هه گفتم :

آیا هر کس ره که اعتصاب نمیکنه باید به
سنگ بزنند او گفت : مادر حرف او را فقط

میکند و میگوید : بلی ...

قصاص : خدای من ، چی میشون ، خطاب
به دیگر کارگران : عینکه گپ عای ایزته

شندیم گفتم : نان برش بینین ، بیارین برش ،
دو بشقاب ، سه بشقاب ، هر چه که داش

میشه ... (خطاب به مادر) چرا نمی خوریں
بخیالم که بسیار داغس ؟ ... (خطاب به زن ،
تو شورواه داله برش آوردی که کام و دهان

خوده بسوازانه ...

مادر : در حالیکه بشقاب را به گوشة
میگذارد میگوید : نغیر ، شوربا بسیار داغ

نیس ...

قصاص : پس چرا نمی خورین ؟

مادر : از خاطریکه ای سوروا بری کسانی
بخنه شده که اعتصاب نکدن .

قصاص : گفتی بری کی پخته شده ؟

مادر : بری اعتصاب شکنان .

قسمت ۶

نوشته بر تولت برشت

ترجمه دکتور نجیب الله یوسفی

بر تولت برشت

در طول تاریخ جوامع بشری ، در نبرد حق و باطل وبالآخره در
پیروزی مبارزات طبقاً تی قلم نویسنده گان همیشه نقش موثری
داشته است . هنرمند و نویسنده متعهد ، به خاطر دفاع از منافع توده
ها و بسیج ساختن اذ هان جوا مع بشری ، نظر به وظیفه و در کار
مسئولیت خویش ، همیشه درین راه کار ویکار نموده است .
به اساس همین در کسیا سی و تدبی بود که بر تولت بر شست
قلمیز جهان سوز ، مبارزه خود را آغاز نموده و در رهایی جهان آزاد ،
به سروردن اشعار بر ارزش ایجاد و نمایش نامه های موثر پرداخت .
نامش ایون بر تولت فرید رش برشت بود و به تاریخ دهم فیروزی
سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود . در طول دوره تحصیلاً تشن در
رشته های فلسفه و طب یو هنتون هونشن (۱۹۱۷) ، به خاطر خدیش
با جنگ ، به مبارزه اساسی دست یازید . اوین نما یشنا هه اش دو
سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل دوشب)) مورد نمایش قرار گرفت .
بعداً منحیث دراما تورگ و رژیسور به کار تیاتر پرداخت .

در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم ، هنگامیکه هیتلر برای نابو دی
بشریت ، توطنه می چید وی بعنوان مخالفتش با این شرایط ، المان را تراک
گفت و روانه سویس ، دنمارک ، سویدن (۱۹۳۳-۳۹) فینلند ، اتحاد
جمهیر شوروی و بالا خره رهسپار کالیفورنیا ایالات متحده گردید .
(۱۹۴۱-۴۷)

در سالهای (۱۹۴۸-۴۹) وی دوباره راه جمهوری دیمو کرا تیک
المان را در پیش گرفت و به کمک خانمیش تیاتر را دوباره در آنکشود
پی افکند .
وی در طول دوره زندگی ۱ ش (۱۹۵۶ - ۱۸۹۸) اضافه تر از سی
نمایشنامه ، یکهزار و سه صد پارچه شعر ویک سلسله کتاب بهادر
مورد موضوعات روز نوشت .

نمایشنامه زیر که تحت عنوان (مادر) درینجا پیشکش خوانند گان گرامی
میگردد ، یکی از عمده ترین اثرای نویسنده بزرگ میباشد .

متوجه

أشخاص نمایشنامه

خانم والسو : مادر

باول : (کارگر فرزند خانم والسو)

اندیج ناخودکا : کارگر

ایوان : کارگر

اندری : کارگر

انتون : کارگر

سیسدور : کارگر

ماشا : (خواهر سیسدور کارگر)

خانم گورسونوا : (فروشنده در صحن فابریکه)

کاریوف : نماینده کارگران

سلیگن : (بیرون) کارگر

سالینوف : صاحب و دوئس فابریکه

نیکولای ایوانوویچ : معلم

زیکود شکی : کارگر

زخار : رفیق معلم

تیور : نام دهکده

خانم نیلوانا : نام زن علاقمند به جنبش

اویسده : نام دهکده (محله)

لوشین : دهقان

بیروکود : نام محله

کریغنا : نام محله

شوابنیکی : دهقان

تیریک : دهقان

توبراپا : نام محله

زیمر نوف : خان محله (فنودال)

واسیل : قصاص خان

الکساندروف : همسایه

عیسی : کارگر



واسیل : پس شما چرا اینقدر از الکساندروف
بیچاره شکایت کنید ؟

مادر : بری اینکه او هر نداد و مه مجبور شدم
آزاده دند کنم

- به نظرهای کمپل وای شبناهه ها هر دو برای
اطفال الکساندروف همیش خواهند بود .

پاول : سلام گفته داخل اتاق می
هدف ازی شبناهه ها اینست که اولاد های
اوروزی ذیر کمپل تو خواهند کنن ،

واسیل : خانم والسوای ، به بنام چنین
انقلابی ها از شماتشکر میکنم .

مادر : فردا صبح دوباره برایشان میتم
(خطاب به پاول) نان است میشه ؟

واسیل : خوب ، گاند های چاپ شده ره کنی
ترتیب میکنه ؟

مسادر بطریف هاشین میرود ... پاول در
جستجوی نان خشک میگردد .

پاول : هادر ، صندوق نان اونچهس ...

پاول : هادر ، نعم هر نخواهی ، من فرمی که
حتی ده زندان هه برخودنان پیدا میکدم .

مادر : دگه هاره کمک میکنی ، بیا ... بعدا
پاول بطریف هاشین رفته و گاند های چاپ
شده را هرتیب میکند .

مادر از پاول هیرسد : خوب ، روزگارت
ده زندان چطور بود ؟

پاول : خوب بود ، یکدفعه هم زیاده بیض
شدم .

مادر : آیا نان برت میرسید ؟ شکمت سیر
میکد ؟ یابه اندازه بخورون بیربریتان میدادن ؟

پاول : بعضی روزهایم گشته هیماندیم ولی
خوب زندان بود دیگه . چه میشد که ؟

مادر : خوب ، حالا باید خوب متوجه ات
باشی . شاید باز خطری متوجه ات باشد .

پاول : یگانه امیده ایست که شما کارن
جدی بیش بیرون ...

دراین اثنا زیکورسکی وارد اتاق شده
وخطاب به پاول میگوید : پاول ، توباید هرچه

زود تبریز . ده استیشن دیل دلیق عسی
منظر تو س ، اینه ، ای هم پاسپورت تو ...

پاول : او گه ای وقت چی زود گذاشت ...
خوب باید بیم بالا پوش خود را میگیرد .

مادر : خوب ، اگه او کمبل نداد پس ای
وی را در یوشین بالا پوش خود را میگیرد .

پاول : هادر ، خدا حافظت ...
«بالا بیم »

کارگران و معلم فورآزوی هاشین را میپوشانند
صدای پاول از بیرون شنیده میشود : اینجه
کسی اس ؟

آیا اینجه خانم والسوای زندگی می کنه ؟ نام
مه پاول والسوای معلم در حالیکه می آورد :

بچه اوس ، میرود در روزه را باز می کند .

پاول : سلام گفته داخل اتاق می
شود

مه جواب میدهن : سلام پاول

پاول : مادرم کجا س ؟

معلم : به خانه همسایه س *

واسیل : مادرت بری هافصه کدکه تو ...

پاول حرف اورا قطع می کند که به مسافر ت رفته بودم

واسیل : می خند : آه ، بلى

صدای پای والسوای شنیده می شود ...

کارگر خطاب به پاول : بشین ، اینجه

بشن ... آنها اورا روی چوکی که مقابل

در روزه قرار دارد میشناند . مادر دخـل

اتاق می شود و فریاد میزند : پاول (او رادر

اغوش میکشد) ... تو زیاد لاغر شدی ...

(خطاب به دیگران) به عوض اینکه چنان

شوه لاغر میشه ... او بطریف خانه همسایه

میرود .

واسیل خطاب به معلم : آقای ایوانوویچ

مالصلا خوش نخواهیم بود اگر شما از مادر

ناراضی باشین .

یکی از کارگران خطاب به واسیل : «اوزده

آنها به کار چاپ شبناهه میبر دازند . معلم
کتابی را گز فته در اتاق پهلو میرود و به
مطا لعه میبردازد ... صدای هاشین آهسته

خطاب به اعتصاب شکنان : خارج شوین ، از

بنجه خارج شوین ... مه اعتصاب میکنم . همه

مادر : فکر میکنم صدای هاشین کمی بلند

باشه ، چطور ؟

معلم : نزدیک س که چراغ پائین بیفته .

ای غیر قابل تحمل س که شما چیز های غیر

فانوی ره اینجه چاپ میکنین که او هم باز

ایطیور سر و صداره بر پا میکنه .

مادر : آقای نیکولای ایوانوویچ ما هم

ایرده درگ کدیم که صدای هاشین کمی بلندس

واسیل : اگه ما یک چیزی ره زیر هاشین

بگذار ازیم ، صد ایش اصل

کم خود شد ... (خطاب به معلم) آیا شما

ای شما یک چیزی دارین که زیر هاشین

بگذاریم ؟

معلم فریاد میزند : من هیچ چیز ندارم .

مادر : چرا چیغ میزین ... زن همسایه

یکدانه کمپل داره ، میرم و آورده از پیشش

میکیرم . او حتما بری مه میته .. شما ناکه ...

میایم چاپ نکنیم ... او بطریف خانه همسایه

میرود .

واسیل خطاب به معلم : آقای ایوانوویچ

مالصلا خوش نخواهیم بود اگر شما از مادر

ناراضی باشین .

خانم قه ماب : تو هاره بد بخت میسازی ،
بلای عالمه یکروز سر ما خود اورده تصاب

آهسته بلند و بلند تر میشود . معلم شتاب

زده دو باره به اتفق میاید .

مادر : فکر میکنم صدای هاشین کمی بلند

خارج میکند بعد دست خود را روی شانه

خانش گذاشت و هردو بطرف مادر میروند .

قصاب خطاب به مادر میگوید : خوب حالابرین

و به آنها یکه شماره به سنتگ زده اند بگوین

که بیانند . ای سوروا دیگر هال آنهاش ...

بعد رو به خانمش نموده ادامه میدهد : ای

رفیق ما ، رفیق مبارز ما خانم والسوایس ، فعال

با اعتماد و شریف ...

سال ۱۹۱۲ :

پاول از زندان آزاد میشود :

مادر به همراه واسیل و یک کارگر جوان

در حالیکه هاشین چاپ طباعتی را با خود آورده

اند وارد خانه معلم میشوند ، معلم بادیدن

هاشین طباعتی (چاپ) به وحشت آمده میگوید :

خانم والسوای ، دری شکی نیس که به جنیش

شما علاقمند هستم ولی به هیچ وجه نمیتوانم

مسوو لیت ای نوع کار ها ره به عهده بگیرم .

و فقط به شما خو شیبینی دارم و امیدس که

شما ازی خوشبینی مه سو استفاده نکنیم ...

مادر : مه منظور شماره درسست نمیفهمم .

آیا درست س که شما طرفدار ای نوع شبناهه

ها هستین ؟ چنانچه اگه به یاد شما باشد ،

شبناهه قبلي ره هم خود شما نوشته گردین ...

شما طرفدار نو شته کدن شبناهه هستین ولی

طرفدار چاپ آن نی ? درست س ؟

علم : نغیر ، ولی مه مخالف هستم که

او ده خانه مه چاپ شو .

مادر به تاثر و قبر در حالیکه کار چاپ

شبناهه را سر برآ میسازد خطاب به معلم

فیهم ید : ما نظر شماره شبندیم ...

علم : شما هنلیکه نظره ره خوب نشیدین

چطور ؟

یکی از کارگران خطاب به معلم : خانم

والسوای و قیمت که میگیرد نظر گذنی

نیس ... کار چاپ شبناهه در مابین ایطیوریک

خانه بی خطر بوده نمی تانه مه ای موضوع

ره هم برش گفتم ، اما او قبول نکد .

مادر به تاثر و قبر در حالیکه کار چاپ

شبناهه را سر برآ میسازد خطاب به معلم

فیهم ید : ما نظر شماره شبندیم ...

ای زن چند پیسه بی که داشت اوره بشام

حق الفضیلت تحولی کد .

واسیل : مجبور هستم که نان روزمره

خوده نصف کنیم شما هم فیهم که هیچ کس

برای ما چیزی ره نمی بخشن ، ما مجبور

هستیم که از جیب خود مصرف چاپ و غیره

مادر همین چند وقت تعربیات زیادی همراه

راتهیه بداریم . اما شما ترس نداشته باشین .

او داشتیم ... اما شما ترس نداشته باشین .

کسی چیزی نمی فیهمه ...

مادر : فرورت چاپ ای شبناهه ها بیشتر

از بیشین س . تعداد زیاد مردم منتظر ای شبناهه

ها هستند .

مدادی گویند در روزه شبناهه هی شود .

هادر: می بینی که اس ... (همه می خندند)

آدمک بر فی

سب این هسته ای خود را به این
شجره می باند.

و میل اور از آن همه سبیده های دار
ستگیت همچنان خاموشی.

من همی باش در و زیوار دائمی ای ای
و تو از دور نمی قاب نکه می گردی

هن در آینه ای تصویر ای ای ای ای
که نهاده است من

جوان این اندک بر قم ای خود را بسید
این می گردید.

سو گوازانه به خود من کنم
جیست در هیچی چنگ تکاهش

که نه اندیشی من می باند.

جیست در سطح دوچشمی
که هر رسانه می اسی خواند.

گرم سب، پرسن می باشد هر این بندید
و نوافر اینه قاب به من می بینی

و نهاده خسته و باز من.

من در یاده ای تویی خلذ بندی.

سب این بدل خود را به این بیشه
می باند.

بر ده دستال تویی سکر خود، من

بار در گوشه ی بدهانه می اسی خواه
بله ای خود.

درین سری سنتکیت را
و ایندیاد عده سب خواهید را

و نهاده می باند.

(۷۲)

با سطح اینندی

دویی هاست اید نه
من هر سند به آلوس هر یعنی من

آن بوی علف می باند.

و لیان بو هم اینکی باران را زانت
و قدمهایت

که نه اهستکی بیضم بود

دانهی و سوسندر هر گزینه کیست

قاب، ای نکس تو خانیست
و خداوند ای قاب

و من ای بیشه من بیس دانها

سپر را، بانکه را، خندق اید
و بخ خود من گویم

و نهادنی

اندر گویند و خانی بیست

که زنی بان خود بی سازد

و بخوم

بسته اندک بر قم

نایه ای های بیان فریادست

تو نصیری

شکری - شر ایشان است

بو همان زندگی جانبدی

بسته اندک بر قم

خود شنیدی



العمر

وطن

طن قربان نام با وقار

قدرت دشنه و نوه و سبزه زر

اله خرم و شاداب بار

که زنگلیت در کم باشد

ستگر

ملگرو ته

زما د ننگ او د چکی ملگرو
زما د لار او عقیدی ملگرو
ای د اولس د خلاصون سرو لپنکرو
د زیار استونکو د اسری ملگرو

یه هیواد پالو سر بیندو نکو زمره
یه باتورانو ، میر نو ، نرانو
ستا سوبه ویار د تاریخ پانی کی
دینه جن ملگرو ، نکیالو ، سیالانو

زما یوه د ننگ خبره واوری
ستا سودی لویه وی مامه هیروی
دسر یخور دبسمن بر ضد جنگره کی
ملگرو هاله پامه هه غور خوی

ماهم له خان سره پنگرته بوزی
زه هم هیدان کی جنگیدان شمه
توبک ، وسله بنه کارو لی شمه
دغیم سر بی غور خوی شمه

دالاپی نه دی هله و گوری ما
چی د بسمن خنگه له پنسو غور خوم
دھر خاین د تجاوز لاسونه
تاسو سره بی له میوند ماتوم

شکست بندگی

زمان ماهنین است :

زمان ها ،

زمان رزم ها ، پیکار هاوزندگی
هاست .

زمان فتح و پیرو زی خلق است .

زمان تا بشن نور وزوا ل نیره کی
است .

شکست بندگی هاست .

و ما :

آرا می را هر گزنه دانیم

گهی خون بر جین داریم

و گه موج عرق ها را .

ولی ،

صد سال اگر زنده نمانیم .

بدین معنی خواهد بود :

نخست بودن آوار سا دهی نیست .

هارون یو سفی

جهاز شرفت

سنگر

تروده‌می

هفه ده تبستی تیاره په ور کیدلر شوله
رینا سپره ور باندی به برید او شو له
هفه دی لم راخیزی سری سری شغلی خبروی
دتو ری شپی کمبله په اولیدلو شوله
دی کن لیچنی لاری که لارو یان و خوپول
په سر بسیندنو سره په لندید لوشوله
که دانسان په و ینو و گرخید لی زوندی
دسر یغورو نیری په نر ید لوشوله
که دیگانو بازار دایو خو و رخی تودو
اوسمی داتوره همی په سریدلو شوله
زما نه و پراندی تلله پگان یسی و شر مول
ددی چلوا لو مور گی په سیکیدلو شو له
چی خادر خیری شو لو ترینه سین مخ بسکاره شو
توره چپله خیره په بسکارید لوشوله
هفوی چی کندی و یستی زموبد مرگت پاره
په دوی دا لو به کنده په دکبلو شو له
چا چی په زوره گوره بر سر کره لویه پگری
نیمه، تیره شمله یسی په زیلیدلو شوله.

دوبی ۶
کمال ۱۳۵۸
خرخی زندان

فدر غیرت محمد بن پنجه

بروجرد کریم خواجه پیغمبر

جهاز شرفت زنگنه اندیشید

دلاج از و به من سلاح نمایم

باتو...

باتو
من،

از سرزمین صخره ها

از مرزو بوم عقا با ن تیز چنگ.

من از دیار حماسه آفرین.

بنگر به شرق

که خورشید سرزده

هم میهن عزیز من!

چرا خا هو شی

چرا آرام نشسته ای!

بشنو صدای فر شتگان را

می خوا نند:

بو خیز!

تلایش کن!

بشنو:

نگمه آزادی

پو بحر پر تلاطم موج جیزه

پیاساید مردم رولنر

چیات جاوید نژاد ریزه

نگمه آزادی



تربیت سالم کودکان در پرتو انقلاب

راخفعه نموده و در زنجیر کشد و با هزارها حیله و نیرو نگ تلاش می کردند تا نو باوگان هارا منحرف ساخته و باقایانون جعلی خود ساخته خود آنها را تحویل زندان ها نمایند و بدران و مادران شانرا برای همیشگی گوار سازند.

در مردم رسه ها بی رحمانه وظایع از انسانه مسدود می شدند در ب زندان نهاده رامیکشودند و اطفال بیگنگارا آگاهانه و شعوری بداجا رهنما بی می نمودند.

گاهی بنام کانکور صنف هشت و پانزده نام کام دو ساله آنها را از تحصیل

سرمای وزشته ها. اما میلیون اطفال فقیر و رنجور ماگر سنه و بی هنر در خاک و گل میان کوچه هامی لو لیدند و از وسایل زندگی عصری و متmodern اصل اطلاعی نداشتند. همین اطفالیکه آینده سازان افغانستان بودند با وجودیکه توده عظیم را تشکیل میدند.

جیاران تاریخ از همه مزا یا زندگی دند مگر برویشان خط بطلان گرفته بودند و همچو جودیت ایشان را در حکم هیچ می بندند.

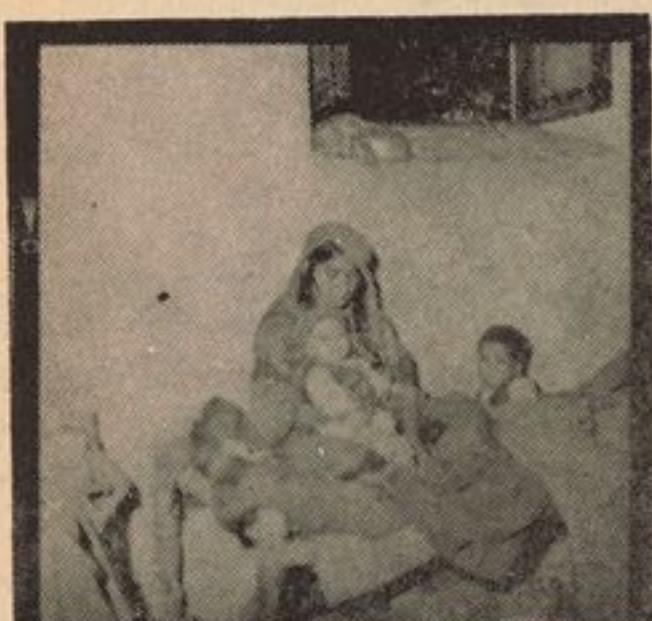
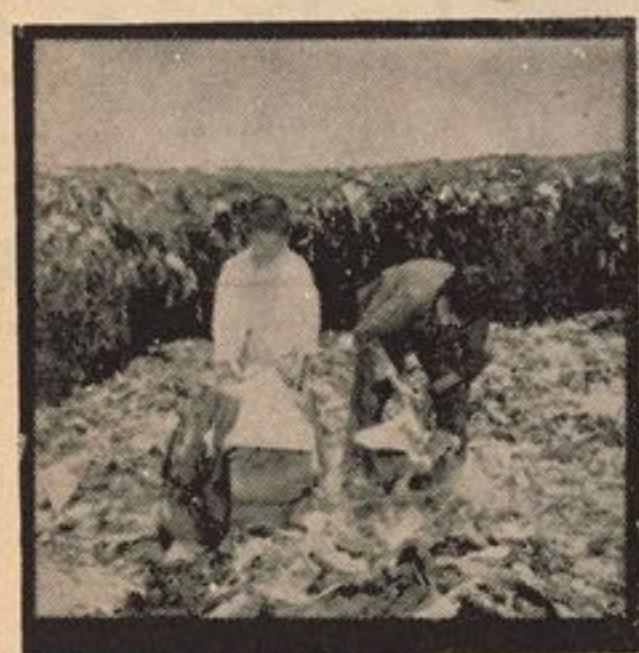
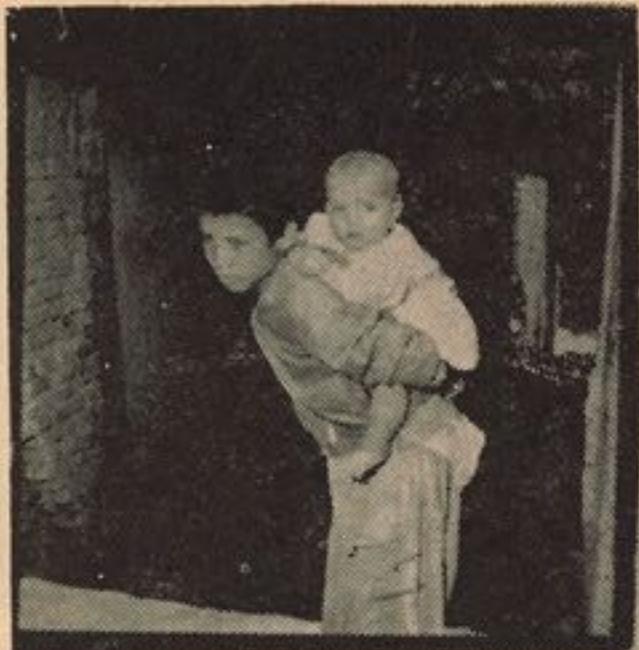
نادر جلال و داد استعداد کش

آنها مجال تنفس نمی دادند و فرصت آنرا نداشتند تا اطفال معصوم ما آزادانه تنفس نموده و برای خود پر شکنجه های را متحمل شده اند و همیشه فکر، اندیشه و احساس طفلانه آنها دست خوش هوا و هووس ها گردیده است.

مشتمی از انسانهای عاطل و بیکار و پر زیست های اجتماعی که بیوسته از خون مردم رنجید یده هاتقدیه می شدند با اطفال نیز به شکل بی رحمانه برخورد نموده و این گلمهای نوشکفته شان زر بفت سجه یعنی آسوده از همه گرما و



و خرد سالان مابه اینگونه زندگی رقتبار محکوم بودند، خانه ها از روشنایی و صفائی بسیاری نداشت و سرگرمی شان خالک بازی کوچه شان بود ...



دولت بدا دن تعليمات مجا نی در
مکاتب و پو هنتو نهادمه خواهد دد
خدمت شا قه را برای اطفال منوع
قرار داده و به برو گرام عای تعليمی
تجدید نظر خواهد شد تفرجگاه ها
با غما و میدان های سپور توکتابخانه
های اطفال، فلم های مخصوص اطفال
تهیه و ترتیب خواهد شد.

خلاصه امید آنست که اطفال ما
نیز مانند سایر اطفال جهان از همه
هزایای زندگی انسانی مستفید گردند
دنده خلای درزندگی شان باقی نماند
تا این خلاعده های روانی را در آنها
خلق نکرده و اطفال ما چون گذشتند
ها باعقوله های حقارت بار نیا یند و
بدین ترتیب باردوش جامعه و مردم
نگردند.

از آنجا یکه اطفال امروز مردان
زنان فردای جوا مع بشری اند لهذا
دولت انقلابی مابخصوص ص بعد از
مرحله جدید و تکاملی توجه خاصی به
حال این شکوفه ها مبذول داشته و
میکو شد اطفال ماجه از نکاه جسمی
و یاروحی سالم، صحبتمند و با نشاط
بار آینده گنجینه های فرداي ما
بالارزش تر و پربهتر به نسل های
آینده تسليم داده شود، چنان توجه با
کاوش صفحات زرین تاریخ دیده می
شود که دانشمندان، مردان بزرگ و نوادگان
موران تاریخ در زمان طفولیت همه از
تریت سالم خانواده و جمعه برخور
داربوده اند.

بگذرید استعداد میلونها طفل جا-
معه ماشگو فان شود و آینده مطمئن
و بالشده ایشان را استقبال نماید و
همان طور یکه حزب پیکار جوودو-
لت انقلابی و مردمی ماتو جه جدی به
اطفال مبذول نموده است بر والدین
نیز لازم است تا با ایجاد فضای مملو از
صفاو یا کیزه گی، شادی و نیک بختی
براین شکوفه های امید بشر یست
وجوانه های لطیف و نو خاسته، زندگی
گی راه رچ خواستنی ترساز ند زیرا
اطفال آینده ساز است و تاریخ تا-
بنانک جا معه سعاد تمدن آینده بدست
اطفال امروز ساخته میشود. به یقین
پیروزی از آن اطفال است.

یعنی از حقوق مشروع و انسانی شان
محروم می ساختند و آنها مجبوره می
گردند تا به اعمال زشت و غیر
انسانی متوجه شوند و به قا میل
های رنجکشیده و عذاب نو و ا نکلیس
مها باز را برایشان تحمیل مینمودند
اطفال و جگر گوشه های این مردم
بیچاره و فقیر مارا از نعمت سوا دو
نوشت و خوان محروم می ساختند و
زیر نامزد یفور مبتدل خویش از مدد -
رسه طردی نمود

اما اکنون که انقلاب مرد می وزجیر
شکن ثور مخصوصا مرحله نوین و
تکاملی آن به همکاری بالقوه فرزندان
صد یقق و واقعی مردم
افغا نستان به پیش و ذی رسید
فرشته های نجات بالهای شانرا بالای
ما این مردم رنجیده گسترده آرزو های
نوین در قلب و احسا س مردم ما چه
اطفال، جوانان و یا همسال خورد گان
ماجوانه زده هر آن به رشد و شکو-
فانی میرسد و امید وا ریم این
شکوفه ها که آینده دا را نجا می
افغانی اند از تحسین ایام زندگی
شاد، نیرو هند، توانا و دور از همه
مشقات، زندگی را به آغازگیرند.

حرب و دولت انقلابی و مردم
نظر به خصلت عمیقا مرد می و انسانی
که دارند در تلاش آن اند تام طبق
اعلامیه حقوق بشر و موابق با اساس اسات
زندگی مترقبی و نوین در راه رشد ،
آرامی و آسا یشن کودکان قد مها می
متین برداشته شود و همچنان به
غرض تا میهن صحت و
سلامتی اطفال تدا بیش میم و
اساسی گرفته شده است، شبکه های
گسترش دار شیر خوار گاه ها کود -
کستانها و مکاتب درسرا سر کشور
مد نظر دولت بوده همچنان در بست و
توسعه مکاتب و مدارس تو جه جدی
مبذول می دارد.

گوجه دشمنان آرا می و آسا یشن مردم
و همدمستان امپریالیزم تو طنه گرو
دیسیسه ساز با همکاری و همدمستی
دشمنان فر هنگ و نهضت ما نند گذشت
شته می گوشند تا مکاتب و مدارس
و کانونهای فرهنگ را به آتش کشند
و مشعل تابان سواد و آگاهی را بد
ستهای سیاه خود خا موش و خفه
سازند مگر حزب دمو کرا تیک خلق
افغانستان دو لت مردمی ما هر
آن در تلاش آن است تمام کاتب را زنون
اعمار نموده و باتمیه و سایل عصری
معارف هارا نوسازی نموده و با مفتوح
شدن دروازه های کانون علم و معرف
فت دروازه های زندگانها را ببینند.



احسایه‌های

دروزی

کودکان را

از چهره آنها

بخوازید



نامفروم هم می‌تواند باشد تکرانی از آنکه محبت‌پدر یا مادر خود را از دست داده است. موقعیت کودکان نیز در خور توجه زیاد است و این بخواهد و به موقع در صدد رفع ناراحتی و مشکلات کودک خود برآید:



احتیاج به نوازش

درست به قیافه این کودک که دو ایگشت خود را در دهان گذاشته و گوش‌های ایستاده است درست به قیافه این کودک که دو ایگشت خود را در دهان گذاشته و گوش‌های ایستاده است

تکرانی

چهره این کودک و مخصوصاً حالت دهان او نموده و معرف آنست که کودک ناراحت است و مادران کودکان دیده باشند کودکی که اینکار را می‌کند احتیاج دارد که اموراً تسلی دهنده گذاشتن ایگشتان بردهان از نظر روان‌شناسان دلیل بر اینست که شخص می‌خواهد علاقه‌اش را نشان دهد یعنی در حقیقت خودش، خودش را تسلی می‌دهد کودکان مخصوصاً با این ترتیب

غیر از قیافه و چهره، حرکت وزست‌های کودکان نیز در خور توجه زیاد است و این حرکات هم هر یک خود نهایانگر یک تغیر و انقلاب درونی است.

چهره کودک طوری حساس است که نه فقط تغیرات حالات کودک را منعکس می‌کند بلکه آثار رشد و تکامل عقلانی و جسمی را نیز در آن می‌توان مشاهده کرد.

در حقیقت ازاوایل قرن نوزدهم یعنی از زمان اکتشافات چار لزدارین طبیعی دان معروف انگلیسی بود که دانشمندان به ارتباط نزدیک میان احساسات درونی انسان و حرکات و مخصوصاً تغیرات چهره او بین بردن و وازان زمان به بعد هرچه گذشت این ارتباط بیش از بیش باتبات رسیده است و اهمیت آن آشکار ترمی شود در رسالهای اخیر که مخصوصاً روان‌شناسی کودک پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده است از نظر علمی حالت صورت و قیافه و وزست کودکان بیشتر مورد توجه واقع شده است و دانشمندان از این راه با سرادر درونی کودکان بین میرند و خیلی از مسائلی را که حتی که غالباً دیر شده و کار از کار گذشته است و آن وقت موقعی که کودک بگریه در آمد و بارجار تازرات و اختلالات روحی شد خود را سرزنش می‌کند که جرا بحال و احوال او درست توجه نکرده توپیخات آن در این صفحه‌ها می‌بیند استناظری جستجوی کمکی از پدر و مادر و یا سایر است که روان‌شناسان از این چهره‌ها وزست بودند.



تمرکز افکار

این زست و قیافه هم قابل توجه و در عین حال حائز اهمیت و دقت است کودک زبان خود را بین دندان های خود گرفته است این علامت آنست که کودک فقط بیک چیز می اندیشد و کلیه هوش و حواس خود را بدین ترتیب در یکجا منحصراً می کند تا مسله مهی و بفرنجی راحل کند و یا مشکلی را از سردهای خود بردارد در کودکان جنین زستی کاملاً طبیعی و معمولی است و در حقیقت مرحله رشد و تکامل آنها را نشان میدهد ولی اگر بزرگسالی چنین زستی از خود نشان داد غیر عادیست و علامت آنست که او هنوز روحیه کودکی خود را از دست نداده است.



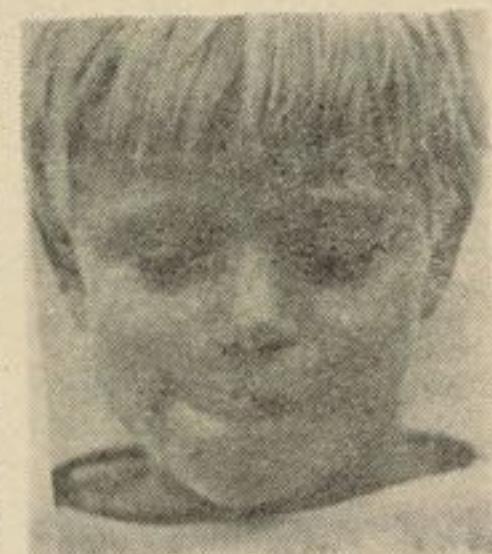
تعجب

این قیافه و زست نشانه و علامت حد اکثر توجه کودک به یک چیز و یا یک حادثه است. دهان کودک باز مانده است و چشم ان او کاملاً گشاد شده است کودک که این قیافه را به خود می گیرد باعوض و با علاقه است او می خواهد بادنیای اطراف خود هرچه بیشتر تماس بسر فرار کند و این دنیا را بشناسد و به همین چیز توجه هم می کند این در حقیقت یک مرحله تکاملی است که کودک نظر رشد خود طی می کند و پس از این تعجب است که او گم کم به محیط اطراف خود بین می برد و با آن آشنا می شود.

تحرک

قیافه این کودک پر از تحرک و انرژیست و با تصمیم وارد از زیاد به مقابله خود می نگردد حرکات خود را با قاطعیت انجام میدهد قیافه و زست او بخوبی نشان میدهد که وشد اواز هر چیز کامل و موقتی آمیز بود است او میتواند بر احساسی بدن خود کاملاً مسلط باشد تماس و نزدیکی با دیگران را دوست دارد و استقبال می کند واز تحرک و جنبش و انجام کارهای مختلف لذت میبرد و این نمودها کاملاً با شرایط دوران بلوغ کودک تطابق می کنند مناسبت دارد.

خود را از نکرانی نجات میدهد و چنین کودکانی را باید نوازش کرده آنها را بوسید و بانها هرچه بیشتر محبت کرد زیرا آشنه محبت هستند.



هوش

اینهم یک قیافه و زستی است که در کودکان زیاد دیده می شود زبان کودک از دهان خارج شده و در جستجوی چیز خوشمزه است شیرینی هربار، شیرین و سایر خوردنی که کودکان با آن علاقه دارند.



حالات دفاعی

کودکی که اینطور زبان خود را حریصانه از دهان خارج می کند با این ترتیب هوش زیرگی وسعت دید عقل سليم و تصور و حافظه قوی خود را نشان میدهد این کودک از نظر روحی سالم و کاملاً با نشاط است.



سرافگنده

کودک با این زست و قیافه حالت دفاعی گرفته و در صدد است که از خودش محافظاً کنداوده مقابله عواطف خارجی و نکرانی های نامعلومی حالت احتیاط و دفاعی بخود گرفته است گرچه چشمان او باز است و آنها را نیسته است ولی این دلیل برآن نیست کودک آماده تماس و ایجاد رابطه با دیگران باشد این حالت را وقتی در کودک دیدید بدانید که او در حال انفجار است با تندخوبی و گشی ناهلایت از جامی برد واز شما فرار می کند و دست به گریه های خاموش می زند و با گمی محبت و مهربانی هم حالت عادی به خود را باز می باید و چهره نکران او ندان و شاد می شود.



این ذیست و قیافه مخصوص کودکانی است که پدر و مادرشان آنها را محیشه توبیخ کرده اند کودک چشمان خود را با دست گرفته است و نمی خواهد چایی را بیند و این علامت آنست که کودک مایل است از ناراحتی ارتباط خود را با خارج قطع کند این حرکت اگر در کودکان خورده سال انجام شود طبیعی است و مانع ندارد و معمولاً در کودکستانها تغییر آن را زیاد می تواند دید ولی اگر در مدارس دیده شود کودک از نظر روانی دچار تغییراتی شده است و باید در صدد درمان و معالجه او برآید.

شماره ۴۳

کتابخانه ملی ایران

های مردم ها در سال ۱۳۵۹ با مقایسه سال های گذشته با امید وار بودن به ارتقای سطح حاصلات امسال در زمینه زراعت، تولید کوشت و صدور پوست قرهقل، زیاد نر می باشد. و هکذا با مساعدة های موثر باشکن از طرف دولت سکتور خصوصی می تجارت نیز با رونق خوب شد و شد حیات اقتصادی کشور شده و می شود.

بیرک کارمل هنچی عموی کمیته مرکزی حزب دو کراتیک خلق افغانستان رئیس سورای انقلاب و صدر اعظم جمهوری دو کراتیک افغانستان در گزارش تاریخی خوش داد مورد کمک های اتحاد شوروی و موافع گیری کشور های سرمهیه داری در قبال کشور و انقلاب ما اینظور روشنی انداختند: ... قابل باد آوری است که این موسمات علی الرغم وضع دسوار داخلی بطور منظم کار میکنند و بیان های پیش بینی شده را اجرا و ختنی بیشتر از بیان تولید می گند. هنلا دستگاه های برق نفوذ و پلخمری، فایریکه کود -

کیمیاوى مزار شریف، تاسیسات گاز خواجه کوکردک، کار خانجات چنگلک، سیلوی مرکز فایریکه خانه سازی کابل و غیره. در نتیجه کار منظم و دائمی موسماتیکه با کمک اتحاد شوروی اعمار و بیرون بردازی می شود سکتور دولتی هنایع نسبت به سکتور خصوصی می بهتر کار می گند در سال ۱۳۵۸ کا هش تولید در سکتور دولتی فقط ۵٪ فیصد بود در حالیکه در سکتور خصوصی به بیست و شش فیصد رسید. اکنون که کشور های سرمهیه داری و بعضی کشور های دیگر مساعدت اقتصادی را به جمهوری دو کراتیک افغانستان قطع نموده اند سهم اتحاد شوروی در کمک های خارجی که مورد استفاده افغانستان قرار می گیرد به هشتاد فیصد می رسد ...

عنکام باز دید هیات عالی رتبه خوبی و دولتی جمهوری دو کراتیک افغانستان تحت ریاست بیرک کارمل از اتحاد شوروی، همه پرایلم های اقتصادی کشور ما که با طرف شوروی مورد مذاکره قرار گرفته است باحسن نیت و توجه خاص از طرف دولت شوروی مورد مذاقه و مطالعه قرار گرفت و حسن نیت کامل از فضای این مذاکرات اقتصادی به کلی محسوس بود. در نتیجه همین این کرات اهمکاری های همه جانبه اقتصادی بین اتحاد شوروی و افغانستان به سطح عالی تری ارتقا یافته و سرشار از گیفت و معتوی نوبن گردیده است.

اکنون که همه امور در مسیر اصلی و اصولی خود در حرکت است باید به صراحت گفته شود که حزب، دولت و مردم افغانستان رسالت تاریخی دارند تا درین هر حلة حساس تاریخی با درگ شرایط و امکانات از همه منابع دست داشته اقتصادی را در جهت پیشرفت و اعماق کشور و بیرونی مردم کشور استفاده نمایند. کما هیا بی درین راه وقتی بشکل ایدیال بسته آمده می تواند که مردم زحمت

نمایند گان با صلاحت خوبیش را در زونهای مختلف به کار گذاشت و مردم های نیز عه لادرین راه با کار و بیکار عادلانه خوبیش سیم شدند امروز هر هموطن ما بخوبی احساس می گندگه تعجیز حزب مبنی بر ایجاد زون های هشت گانه و از خود گذری مردم های کارانی خوبیش را بخوبی هویت اساخته است، این کار نه تنها مبارزه علیه اشوار را که از خارج بطور مسلح داخل خاک های شوند می تر و باتوجه تر ساخت بلکه شکل بی سابقه ای مبارزه علیه اشوار را اشیده نمود. برای مستدل شدن مطلب بالا می توان نتایج هنر کار زون شرقی و جنوبی سریع را میال آورد، تشکیل زون های علاوه از کارانی و مشکل بودن مبارزه علیه باندیت ها، در ساحة تبلیغی و ترویجی نیز انتکشایات شایان تو جه بیان آورده است

اینچه است که وظیفه مستقیم سر کوب بازدید

ها، قطاع اقتصادی و دز دان بدوس مردم

شرالمند افغانستان اعم از منسوخین فوای

سلح، خارندو یان، گروههای مختلف

مقاومت علیه ضد انقلاب و کلیه گسانیکه

خواهان حیات مطمین، آدم و صلح آمیز در

کشورند، گذشته می شود، همه باید نه تنها

تصورت بیگر مبارزه رویا رویی را علیه

ضد انقلاب مجدانه به پیش بینند بلکه آن

چنان فعل و هو شیار باشند تا نگذارند این

عناصر فروخته شده از خارج باز هم به میهن

مانفود نمایند و زندگی آرام مردم بلاکشیده را

اخلال نمایند.

این یک حقیقت میر هن است که نظام های

فراتون گذشته و دوری زمامداری سیاه امین کشور

ما را از نظر اقتصادی بوضوی فلاکتیواری نمی

دانسته و فقر و تندگستی و بیچارگی مردم،

بعضی ص ژهمتکشان بشکل اسفباری خراب

بود. ولی پس از خیزش ظفر هند شش جدی

یعنی مرحله نجات مردم، انقلاب و وطن،

حزب دو کراتیک خلق افغانستان و دولت

جمهوری دو کراتیک افغانستان تا حد نوان

و امکان تفایر می تری را اتخاذ نمود تا وضع

حیات اقتصادی مردم بپیوی باید، ولی با کمال

نافر و بنا به می وجودت توطه و دیسی

ضد انقلاب به تحریک امیر بالیزم جهانی و

ارتجاع منطقه که هر گز نمی گذارند مردم

افغانستان جامعه شگوفان و بیروز را ایجاد

نمایند.

طوبیکه باید و شاید همه بیان های متفق

و انقلابی دولت تطبیق شده نتوانست ولی با

وجود آن همه نلاش های مذ بیان امیریا -

لیزم و ارجاع، مردم افغانستان نتوانسته اند

درین مدت کوتاه بایر خور داری از کمک های

جمهوری دو کراتیک افغانستان و هم چنان

علیم انترا نای سیو ناییست مردم برادر اتحاد

چهای خبر شوروی سو سیا لیستی قنم های

در راه انتکشاف حیات اقتصادی مردم برادراد.

بطور مثال می توان متذکر شد که موقیت

شوم خوبیش نغم نافق پیشنهاد. هکذا باید دشمنان دوستی و برادری افغان - شور وی بدانند که نلاش های شان سخت مذبوحانه باشد و نمی توانند که به این دوستی که چون

حسن هم جواری میان مردمان دو گشوار،

دولت های دوکشور و احزاب هردو ملکت

در پهلوی آنکه متفهم صلح درین منطقه

بیرک کارمل منشی عمده می کمیته مرکزی

آورد بزرگ و فیاض است که مردمان هردو

کشور به آن می بالند و هکذا گستر شر

چه بیشتر آن وظیفه انتخاب آمیز هر عضو حزب

دو کراتیک خلق افغانستان، هر قدر برست

آن کمیته مرکزی حزب دو کاره است. هر قدر داشته

دوستی و برادری میان گشوار های عاوست

می باید دشمنان مردم ها و مردم اتحاد جماهیر

شوری، دشمنان صلح و حسن هم جواری

دشمنان امنیت در سراسر جهان جدا در مدد

بیوسته گذشته

عوری برگزارش بیرک کارمل به چار مین پلینوم کمیته مرکزی ح، د، خ، ۱

الف: هم

دست آورده بیکاری

و مردم ماسیت

آن بی برایند تبا نلاش های مذبوحانه و بی
ورود خوبیش آن دوستی را قلب جلوه دهد
لذا باید همه گسانیکه خواهان صلح دوامدار
و خدشنه تا پذیر خواهان همیزیستی داشت
پلینوم سوم کمیته مرکزی حزب ها این
آمیز، خواهان امنیت منطقه ملوجهان می
رساله و سیماهور بر رسمی قرار گرفت و
مجموعی از تدابیر نقاهی و سیاست در جمیعت
باک کاری منافق کشود از وجود اشوار و
استقرار حاکمیت پایدار دولتی در تمام قلمرو
دوستی و حسن هم جواری بذست ها می دهد
بهایشان چواب دنیان شکن بدهیم. ما هر گز باید
نگذاریم و نمی گذاریم که دشمنان بین مردمان
هر دو کشور و دولت های مطیق پیلان
پرایلم های همیزی دیگر اتخاذ گردید: « ازی
حزب و مردم به تطبیق فیصله های پلینوم
سوم از جان و دل داخل عمل شدند. حزب

بیا تکر منافع زحمتکشان و تمام نیرو عای وطن پرسست است بلکه امکانات واقعی را برای استراک وسیع این نیرو ها در حیات اجتماعی و سیاسی بخاطر اعمار جامعه توین تاعین می نهاید . پس اصل مطلب اینجاست که چگونه می توانیم راههای انجام عملی این وظایف را در این شرایط تاریخی افغانستان در یابیم آری تنهای وقتی ما می توانیم باسرعت هرچه بیشتر به ایدآل انسانی خویش که عبارت از خوبیختی عام و تمام انسان این وطن است دست یابیم که همه نیرو های ملی ، مترقبی ، دمو کراتیک و وطن پرسست را در راه حصول آن بسیج نهاییم . بهترین طریق برای نیل به آن ایجاد جیوه وسیع ملی یدر وطن تحت رهبری حزب دمو کراتیک خلق افغانستان است . جیوه ملی یدروطن آن سیستم اجتماعی و سیاسی است که تمام قوت های زحمتکش وطن ، تمام نیرو های ملی و وطن پرسست بدور آن جمع و بسیج شوند در راه بسیج سالم و همه چانبه این نیرو ها سازمان های مختلفه اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و کلتوری سهم بارز دارند ، این سازمان ها اجھالا عبارت اند از اتحادیه های صنفی مختلفه ، کوپراتیف های زراعتی ، سازمان چوانان افغانستان ، سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان ، جمیعت العلماء افغانستان ، اتحادیه های مختلفه فرهنگی و کلتوری چون اتحادیه نویسنگان ، زورنا لستان ، کمیته های صلح و انجمن های دوستی ، اتحادیه های تجار ملی و وطن پرسست و سرمهایه داران ملی و دیگر سازمان های مشابه می باشد .

در فرجمان باید تذکر داده شود که پلیتوم
جارم گمیته هر کزی حزب دمو کراتیک خلق
فغا نستان ، گزارش ببرگ کارهل منشی
مو هن گمیته هر کزی حزب ، دئیس سورای
تفکابی و صدر اعظم جمهوری دمو کرا تیک
فغا نستان و فعالیت ها و هدایات و نتایج
سفر ارزشمند و تاریخی ایشانرا هورد تائید
رازداد . پلیتوم هکذا بیانیه مشترک جمهوری
مو کراتیک افغا نستان و اتحاد سوروی را
یک ارزیابی نمود و از گمک های عظیم و
سازنده اتحاد سوروی تائید همه جانبیه و اظهار
طبیعی میباشد صمودت گرفت .

مان های اندک عین تهدید ، جواب واضح است : اشاره و طبقات دمو کراتیک و انقلابی
عنی کار مگان ، دهقانان ، روشنفکران
لایاب و دیگر اشاره و طبقات ملی و دموکراتیک
نیز است . هکذا بحکم علم متقدم و بحکم تجربه
لایاب باید بگوییم که پیروزی انقلاب موقتی
نمایم است که انتکای آن بر توده های
سیع خلق باشد . بیراک کارمل منشی عمومی
بیته مر کزی حزب دمو کراتیک خلق افلاطونی
ستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم
جمهوری دمو کراتیک افلاطونی نستان در میزارش
ان به چارهین پلیتوم کمیته مر کزی حزب
مالیین حزب بی درین مورد چنین می فرمایند:
۱- تیوری سوسیالیزم علمی می آموزد و تجربه
لایاب تابت می سازد که رژیم واقعی انقلابی
رژیمی است که بالای توده های وسیع مردم
کاهه داشته باشد ، حکومت انقلابی نه تنها

کش و سرافهمند افغانستان باتهمام نیروو با
استفاده از مساعدت عای سازنده اتحاد جماهیر
شوری سو سیا لیستی ، در جبه آبادانی
کشور و بارور شد ن اقتصاد ملی کشور عمل
نما بند ، سازمانه دهی و بسیج قوت عما
دولتی جبه پروردش تغم های اصلاح شده ،
کار و تولید از طرف حزب و دولت شر ما
از بعد هر گز میبار و تریزی ، ساخته ن
لازم این ما مول میباشد . اگر جزئیات
فرآگز پروردش مرغ و تولید انسواع ساده
پیشرفت کشور را تشریح کنیم در قدم اول
باید گفته شود که هدف اساسی انقلاب تود
یعنی انقلاب ملی ، هتر قی فساد امیر یا لیزم
قد فیودالیزم و فساد کمیرا دوری ما همانا محو
کامل و شخص هنای سیاست فیودالی میباشد که
در این قدم هم حل مسله ارضی اولیت دارد
ذیرا با منافع گنبدی اهدیه ترین افراد جامعه
ما یعنی دهقانان بی زمین و کم زمین «طبق

برای تحریک و بر هم زدن نظم برآه آنداختند
و علاوه از آنکه تنابع باید و شاید از فعالیت
های مذکور حاصل نشد و وضع من سبب
اقتصادی و اجتماعی را در دهات کشور بفرنج
تر ساخت، عمه آن نا سما مانی ها با روی
کار آمدن این این خان بخلق و خان به انقلاب
اوج بی سابقه گرفت ولی با پیروزی حیزش
ظفر هند شش جدی و پیروزی مرحله دوم و
نکار ملی انقلاب تور، اقدامات مفید و مهربانی
درین ساحه صورت گرفت منجمله جهت
تبلیغ و مساعدت به دهقا نان قیم معصوم -
لات زراعتی شان که از طرف دولت خردباری
می شود اضافه تر گردید و قیم مساعدت
ها و تقاضاهای دولت که به دهقا نان و
زار عین داده می شود گفت گردید، پیران
کارهله منش عمومی کمیته مرکزی حزب
دوستی از چکوتفگی کار درین ساحه انتقاد بعمل
آوردند و خواهان تعقیب و اقدامات تمام
عيار درین ساحه شدند هکذا در ساحه
فعالیت بانک ها با ترانسپورت زیمنس، کمبود
مواد سوخت و غیره پیز بر خورد نقادانه ای
صورت گرفت و از مسولان امور جدا خواسته
شده است تا هر چه بیشتر در جهت کارایی
و هو تربیت هو سباثت مر بوط مساعی بخراج
دعتند و از کمک های کشور دوست و برادر
اتحاد شوروی طوریکه شاید و باید استفاده
صورت گیرد. درین هنگام کمدد اثر سیاست
درست و اصو لی حزب و دولت و هکذا
کمک های عقلیم برادرانه و اونتر ناسیو نالیست

با پیرو زی انقلاب شکو همند
تور قدرت سیا سی در کشور به
خلق زحمتکش و به نماینده گی
از آن به حزب دمو کرا تیک
خلق افغانستان (پیش آهنگ طبقه
کار گر و کلیه زحمتکشان کشور)
تعلق گرفت و زمان آبادی و شکو-
فانی افغانستان آزا دو انقلاب بی
فرارسید.

هر طرف را شور و نواز
انقلاب بی فرا گرفت و مردم زحمتکش
ما با بدست آوردند آزادی های
وادعی خویش در هر گوش و کنار
یکه قرار داشتند پیرو زی انقلاب
شکو همند خود را گرامی داشتند
آمادگی های بیدریغ شان را در راه
حفظ و تکامل آن از صمیم قلب ابراز
داشتند.

ولی دیری نگذشته بود که هیولای
بد سر شست و انسان دشمن ارتعاج
و امپر یا لیزم در لباس حفظ اله
امین میر غضب از بیشه بی بر
خواست وعداً وت دیرین خود را بر
مردم، میهن و انقلاب مردم ما در
عمل به اثبات رسانید.

حفظ اله امین خون آشام که
بحیث یک نو کر تمام عیار ساز مان

جا سو سی (سیا) ایفای و ظیفه
می نمود، برای آنکه بطور مطلوب بی
بتواند به بادران امپر یا لیستی
وارتعاجی خویش خدمت در خور
توجه بی انجام دهد با بکار بردن
انواع تکنیک های خایانه و شیوه
های رذیلا نه توانست در میان حزب
دولت مردم افغانستان رخنه کندو
زمینه را برای اجرای پلان های

خایانه ساز مان جاسوسی ایالات
خویش را به جلو و پیوسته دنیا می فشار های استبداد بیرحمانه دودمان شهیدان و قهر ما نان همه اقشار و متوجه امریکا و دیگر دستیاران آن
کند، روز های شب و شبها بروز
مستبد یحیی بسر برده اند وازنادر طبقات مردم عذاب دیده کشور بدور مساعد گرداند.

غدار تابه داد عوا مفری بیکار یک این حزب پیش آهنگ خویش در
امین بی معرفت بعد از غضب
بنویسه خویش انواع مصائب و محن و معاشر کل را بر خلق زحمتکش ادامه مبارزات پیکر بر حق و واحد های زمانی با سر نو شست
کشور ما تحمیل کرده سر نو شست عادلانه شان سر انجام انقلاب آن هارا بیا زی گرفتند از نوع شکو همند تور را به پیرو زی
کراتیک خلق افغانستان علما، دانشمندان، روشن فکران و روحانیون وطن پرست بجزء زبانه دان
جهان بشمار می آیند.

رنجها و عذاب های بیکرا نی که تاریخ سپردند.
غلامان حلقه بگوش ارتعاج و امپر- انقلاب پیروز مند تور سال
یالیزم بر مردم زحمتکش ما تحمیل ۱۳۵۷ مردم افغانستان که در تحت سلوال های مرگبار زندان ها فگنده
کردند باعث آن شدت اخلاق زحمتکش رهبری حزب دمو کراتیک خلق سر به نیست کرد و عده بی را هم
کشور برای براند اختن کا خ دیرین افغانستان توسط سر بازان خورد در کام ننکین خویش فرو برد.
ستم ارتعاج و امپر یا لیزم و ایجاد ضابطان و افسران دلیل و شجاع
جامعه عادلانه نوین فارغ از هر نوع کشور صورت گرفت بسان نقطه شا هراه ترقی و تکامل حتی کامی
رنج و عذاب به مبارزات بر حق و عطفی واقعی در تاریخ پر افتخار هم به جلو بردارد به اقتصاد کشور
عادلانه خویش آغاز نمایند.

وطن محبو ب ما افغانستان بشمار

صد مات قابل ملاحظه بی وارد

نموده فرهنگ و کلتور جا ممه مارا

همز مان باتا سیس حزب می آید.

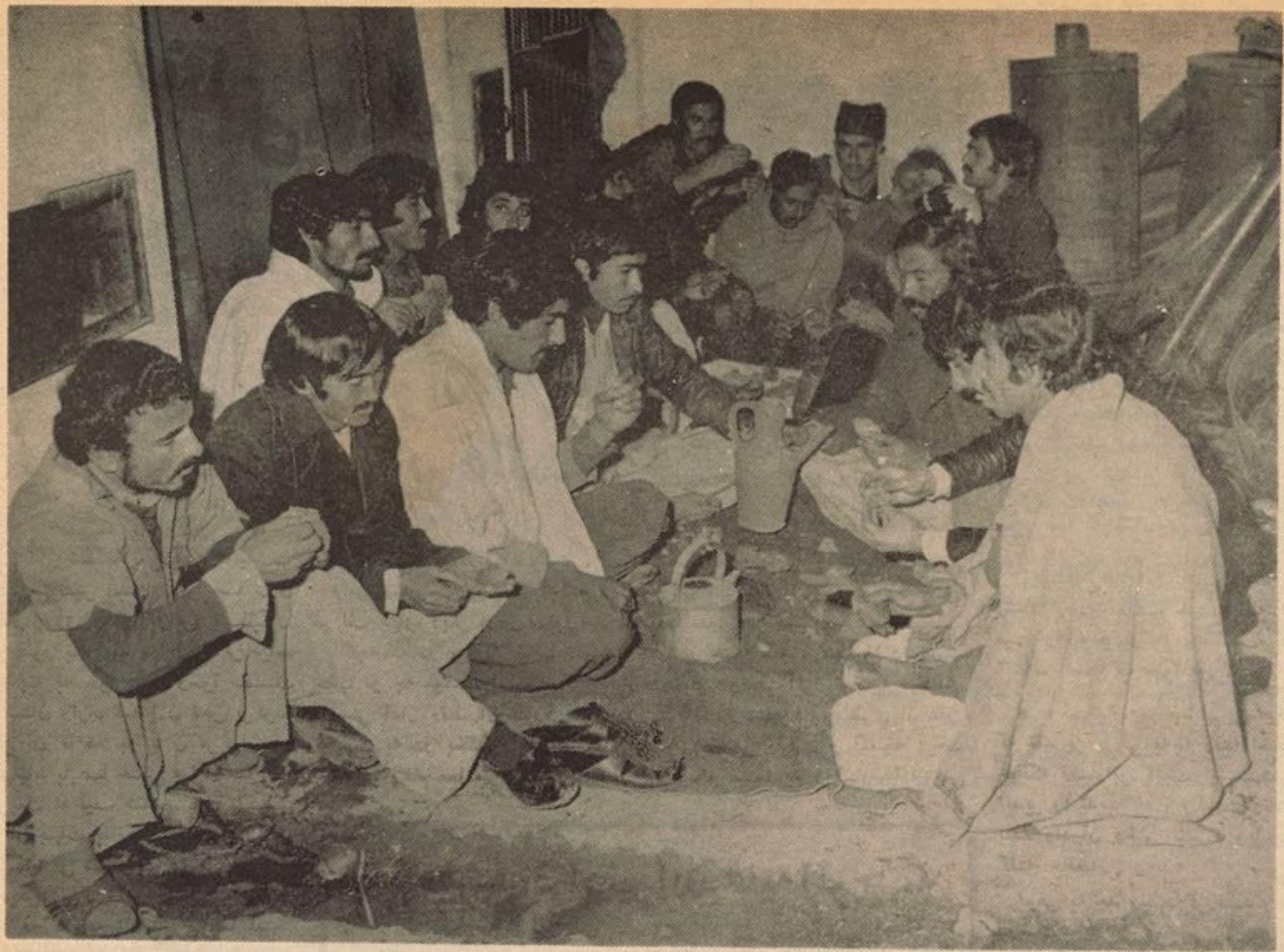


آنده از فامیل های داغ دیده کشور ما که با شور و هیجان زا یادوصفحی عقب دروازه زندان پلجرخی
به انتظار برآمدن عزیزان شان بودند

د : توانا

ششم جدی داروز نجات هدم، هیله و انقلاب خلق افغانستان

تاریخ جریان حر کت تکا ملی مدت بیش از نیم قرن را در زیر دمو کراتیک خلق افغانستان حزب خایانه ساز مان جاسوسی ایالات خویش را به جلو و پیوسته دنیا می فشار های استبداد بیرحمانه دودمان شهیدان و قهر ما نان همه اقشار و متوجه امریکا و دیگر دستیاران آن کند، روز های شب و شبها بروز تبدیل می شوند و لی آنچه توجه آد می را بیشتر بخودمعطر ف می دارد این است که بعضی از واحد های زمانی با سر نو شست
کشور ما تحمیل کرده سر نو شست عادلانه شان سر انجام انقلاب آن هارا بیا زی گرفتند از نوع شکو همند تور را به پیرو زی جوامع بشری و کتل های وسیع مردمان جهان ارتباط مستقیم می کنند، چه در این لحظات حساسی از تاریخ است که توده های مردم زحمتکش میتوانند به رنجها و عذاب های دیرین خود خاتمه بخشیده وارد مرحله نوینی از زندگی خویش گردند و یا بر عکس صدھا و هزارها انسان زحمتکش و عذاب دیده به شعله های سوزنده آتش جنگ و خونریزی کشانیده می شوند و سر به نیست میگردند. مردم قهر مان افغانستان که



آنده از زندانیان سیاسی که در اثر استبداد ضد انسانی و فاشیستی حفیظ الله امین در زندان پلچرخی زندگی رفتار و طاقت فرسایی را بسر میبردند بعد از مرحله نوین تکاملی انقلاب تور آزاد گردیدند

با اعتماد کامل به ما هیت دو لست میان اعضای حزب دمو کرا تیک می خواست انتقام را از همه کشوار رو نما گرفت و مهمتر از همه کشوار رو نما گر دا نیدند و بر سلطه فاشیستی حفیظ الله امین خون می دمو کرا تیک خود گشتند و به زندگی آرام، و قهر مان خارندوی جوان و خلق آزاد و صلح آمیز شان دو باره آغاز زحمتکش و مستضعف کشوار تامین گردیده روز بروز وسعت بیشتری نمودند.

مرحله نوین و تکاملی انقلاب ملی کسب می نماید، وهمه عناصر و دمو کرا تیک تور همچنانیکه آزادی آگاه ووطن پرست کشوار اعم از زندانیان سیاسی را به ارمغان آورد علماء، دانشمندان، روشن فکران آزادی عام و تمام اجرای مراسم روحانیون وطن پرست، کار-

وعبادات مذہبی مردم ما را نیز گران، دهقانان وسایر اقوام رسمی اعلام داشت و آن را کاملاً وطبقات زحمتکش کشوار در یک تضمين نمود. از بین رفتن هر نوع جبهه وسیع ملی پدر وطن در تحت سیدن لحظات مرگ را انتظار می تبعیض نژادی و دینی و غیره در رهبری حزب دمو کرا تیک خلق شکنجه گاه های خونین امین فرار کشیدند و بر حسب تصادف از زیر کشوار یکی از ره آوردهای دیگر افغا نستان دور هم جمع گردیده برای ساطور امین قصاب جان به سلامت مرحله نوین انقلاب شکو همند تور در هم گویند تجا وزات و مداخلات بوده بودند پنجه های زندان را است که از مغان نیک مردم ما شده بیشتر مانه ارتقا و امپر یا لیزم در ترک نموده به فامیل های داغ دیده است و در پرتو رفع چنین اختلافات خویش پیوستند بهمین ترتیب صد است که وحدت و دوستی میان سایر نوین دست بکار و بیکار انقلابی و

ها فامیل و هزارها هموطن ما که از اثر اقوام و ملیت های کشوار ما روزبر وطن پرستانه شده اند. ظلم واستبداد فاشیستی اهین مجبور وز تحکیم می یابد و بیشتر میگردد. دولت جمهوری دمو کرا تیک

استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشوار را به مخاطره انداخت. استبداد فاشیستی امین آزادی های مردم قهرمان ما با درهم کوبین و لی روز ۶ جدی ۱۳۵۸ چنان دمو کرا تیک واز دست رفته خویش را باز یافتند و مرحله شکو فانی روزگریمیت و مسعودی در حیات مردم و آبادانی میهن آغاز گردید.

عناب دیده افغا نستان بود که انقلاب ملی و دمو کرا تیک ما رادر مسیر اصلی آن قرار داده، حاکمیت ملی تمامیت ارضی و استقلال ملی مارا از خطر سقوط و بر بادی نجات بخشید. مردم زحمتکش افغا نستان که از سلطه فاشیستی امین و امینی های استخوان شان رسیده بود، بابرانه استخوان شان رسیده بود، بابرانه الدا ختن قیام ظفر مند ۶ جدی شرخش عظیمی را در جهت احیای منافع از دست رفته کشوار مردم و به ترک خانه های خود شده با سقوط هر گبار گاچ استبداد افغا نستان برای ایجاد شرایط کار انقلاب شکو همند تور در تاریخ و به کوهها و مغاره ها پناه برده بودند فاشیستی امین و حدت عام و تام بقیه در صفحه ۶۶

کند که درین علم ، اهل کلام بجا ی
آنکه یقین بیشتر ایجاد کنند ، مردم
را در شک و تردید بیشتر میگذاشند !

آموزش علم منطق را مذمود نه
پنداشت و میان منطق فلسفه و
منطق اسلامی فرق و تفاوت می
گذاشد . باز متوجه علم نجوم
و هیات میگردد و خاطر نشان
میسازد که آموختن علم نجوم بخاطر
فال بینی و شناخت سعو دنیا
مذموم است و اما بمنظور آشنا بیان
اوقات نمازو معراج فی اما کن مقدسه
ورا هیا بین در شب تاریخ تشبیه
مطلوب بلکه ضرورهم هست . بطور نمونه
یکی از بیانات این کتاب را خلاصه
میکنیم که به تصوف ارتبا ط می
گیرد :

میافقیرالله در کتاب قطب الادشاد از دید مکتب خود ، اصناف
مردم را به چهارگروه قسمت میکند :

۱- اصحاب سوابق :

هم وغم شانه صرف این میگردد
که تقدیر از ای بدهی رفته است .
چونکه قضایابر گشت نیست و
تقدیر را تدبیر نه ، و کسب و تلاش
بنده رادر آن دخلی نیست و یا به
گفته حافظ :

قومی به جد و جهد گرفتند و محل
دوست

قوم دگر حواله بتقدیر میکنند

۲- اصحاب عواقب :

میگویند خاتم خاتمه مستور است .
چونکه دیده شده صوفیه بوده اند
که مقام والو هر بیت بس ارجمند
داشته اند ، ولی در پایان کار صفاتی
شان به تاری و کثری گرانیده و حضور
ایشان به غبیبت تعویض یافته است .

۳- اصحاب وقت :

به سوابق ولو حق نمی اندیشند
و تنها در همان وقت و لحظه که در آن
میزینند میانند یشنند و جایی سب
خود را بیان یا نمیرسانند که گفته
اند : صوفی ابن الو قت باشد
ای پسر »

۴- اصحاب هشایه :

که در حضور خود چنان مستغرق
اند که از گذشته و حال و آینده خبری
ندارند تا که او قات را رعایت
کنند .

بیان است که میافقیر الله علیه -
الرحمه گروه ای خیر را کا هلت ازه
گروه دیگر میداند .

نقاہی به قطب الادشاد

کتابی از میافقیر الله حلال آبادی بر سبک دایرۃ المعارف

مکا شفه را تا ج سر همه علوم
دیگر میداند باز می پردازد به علوم
معا مله . علم حساب و علم طب
را از جمله علوم معا مله دانسته
و تعلیم و تعلم آنرا توصیه میکند
آنچه که درین کتاب میافقیر الله
جلب تو جه میکند ، اینست که شیخ
درسر آغاز «قطب الارشاد» علوم را
نخست به دو بخش اساسی «علم -
کلام» (تلاقی مذهب و فلسفه) بحث
مکاشفه و علم معا مله قسمت میکند . و گفتگو مینما ید واظهار عقیده می

قطب الای را نام یکی دیگر از تالیفات
مهم میافقیر الله ننگر هاری
شکار پوری است . و این کتاب را
هم نظرور یکه مقدمه آن تذکر میکند .
هد ، بنا به خواهش خواست
دو ستان وارد تمندا ن تحریر یک کرده
و متن آن کاملاً بین یان عربی است و
در ارتباط با هما هنگی میان شریعت
و طریقت تالیف شده . این اثر
از پاره جهات به کتاب احیاء العلوم
امام غزا لی شباخت ها بین دارد .
نام دیگر این کتاب را میافقیر الله
خود در مقدمه المدارج العالیه
گفته است .

این کتاب مشتمل بر یازده مطلب
اساسی و یک مقدمه و خاتمه است که
در شخصیت فصل تنظیم گردیده و هر
فصل آن با لنو به دارای فروع
بسیار دیگری است و کتاب بینواری
 بشمار می آید .

مقدمه آن از راه بسطه شریعت و
طریقت واژ عقاید و تصویف و امرار
فرایض پنجگانه بحث و گفتگو می
کند . و اما مطلب اساسی آن به قرار
زیر است :

- ۱- در تصحیح عقاید .
- ۲- در فضیلت تقوی .

۳- در فرضی عین و فرض کفایی
شعبه های ایمان ، اخلاق حمیده .

۴- در آداب طهارت و نظافت .

۵- در فضایل قرآن .

۶- درباره صلوات بر پیامبر
خدای (ج) .

۷- در سنداجازت اسماء الحسنی .

۸- در ذکر احاجیت بر کتب
حدیث .

۹- در بیان ادعیه واورا دوادکار .

۱۰- در ذکر سند احاجیت اذکار و
ادعیه و داورا .

نمونه شعر میافقیر الله علیه الرحمه

درجواب نامه منظوم محمد سالم فاروقی

میان فقیر الله علیه الرحمه جوابی باین نظم فرستاد :

از نامه شصت و چهارم شاھل مکتوبات

مصدر فیضی که عالم را ترویج نمود

فی الحقيقة هست چون مر عاب در جسم شهود

می برسی از می تیا شاھد ، نمی گردد درست

یادگامی بیک سر ، عقل صوفی در ربوود

دا یما عکس می ناب است در جام جهان

رهنمای می برست خاص ، تا آن کان جود

سر مه چشم عزیزانست خاک میکنده

یا و روی بخت فیروزانست کاواین کرد سود

لب اگر ترسازد آن رند خراباتی به می

جامه و جان رانشار جام می خواهد نمود

یک عدد جرعه بکام جان اوریز ندیس

از کمال نشاماند چون حجر اندر سجود

مست با عقل آنچنان گردد که تاروز جزا

از رخداب نباشد دیگر ش گفت و شنود

درد می یا بد شفای از صدق دل گرمی خورد

دردمدنی گرچه در امراض بس مر هون بود

روبه خمار آورد آن کاو که از روز اذل

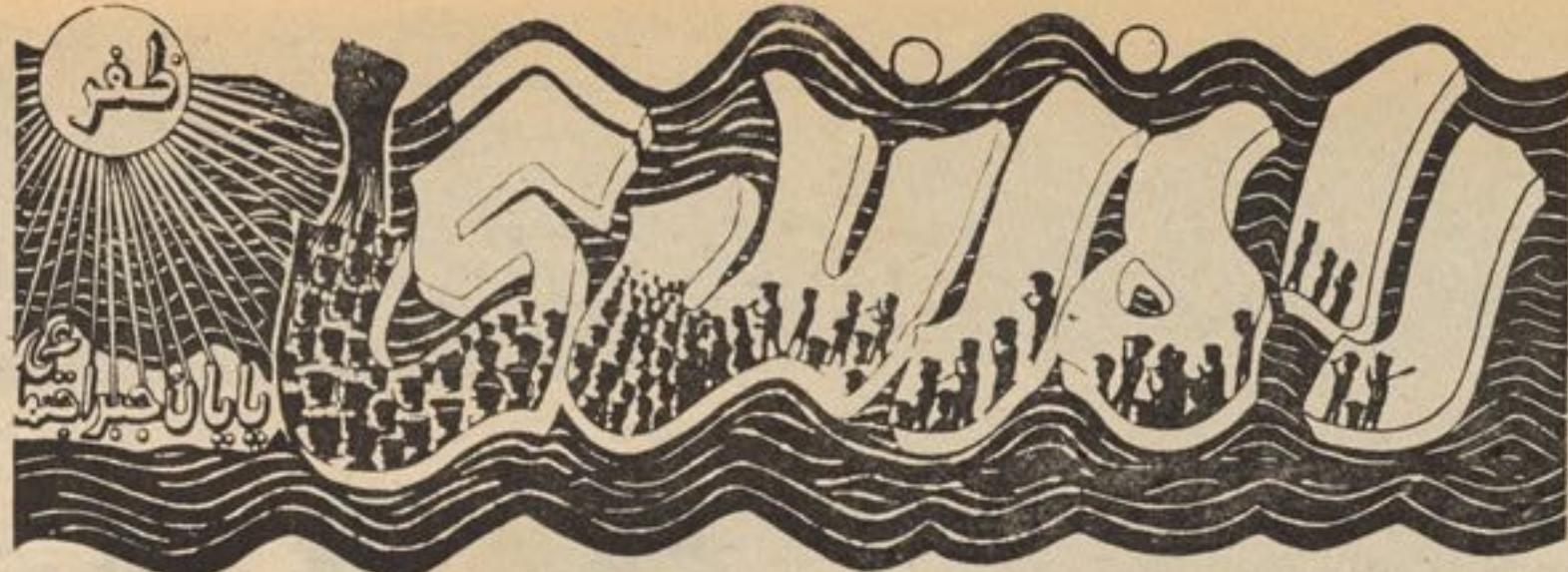
از نقوش این و آن لوح دل او ساده بود

در دو عالم نیست جزمیخانه دل راحتی

روزو شب دردی همی باید ولی با چنگی و رو و

لطف باشد با (فقیر) خوش گر از مکر مت

در زمان خلوت اریادش کنی ای یار زود



غافر عربی

ادامه دادند از : تروع و فساد . و، قبرهان مرد حمامه آفرین
آموزش های آدم اسمیت ، دیوید ریکاردو دیگر (لین) ،
در تکامل چیز و فلاکت آور بورژوازی
، هیکل، فیورباخ، فیخته ...
دردان قبرهان (مارکس- انگلیس) .
اعترافات ، زندگی معاصر را تحلیل کرد . دست آوردهای استادان رزم آفریش
آنچه که ، (مارکس- انگلیس) را ، گسترش داد، تطبیق
سرمهایدرو- تکامل خودرا، تدبیحی ... موزون گرد ... تعیین داد ... تجربه نمود ... و ،
مسئلت آمیز ره می بیمود . (مافل انحصار) بیروز مندانه بدر آمد ،
و، نشان دادند که : روی «کاپیتال» تکه زد ... پهلوهای اجتماعی
برولت زحمت میکنند ... کار فرمایریوی چیز را ارزیابی کرد ، امیر بالسم را آخرین
بازوی اورا می بلعید ، تولید کوچک راه گش مرحله زندگی بورژوازی داشت .
انسان زحمتکش جهان را صدا زد ،
میکند ... ورشکست میشود ،
نیروی تولیدی . کار را افزون میکند ...
تویی اجتماعی میشود و، محصول کار اجتماعی
راهست اقلیت تهاجم میکند.... و، برگویی
های آزادی ، رفاه «همکاری»، بیروز عمومی ...
... را ، طومار جدید ظلم و استیمار دانستند .
با پای مردی، خطوط زندگی استخراج کردند ...
و، مارکس موفقانه (کاپیتال) را نوشت .
و، سر انجام زحمتکشان جهان را ... آگاهی
میخواستند ،
و، مکس های پرخون ، سکان دیوانه را ...
که هر لحظه عوو میکنند ، بنام عای ،
کارگران ، بازگان ، پانکدار ، کولاک
ستم میکند و، هم مقیاس نمود و قدرت آنها به
کوچک ، بزرگ ، متوسط ، خرد، ملن ،
بیروز شد .
تعیین شد .
با تأسیز زندگی «کمون پاریس» را ایرتونیسم همچنان:
کارتل ، هتروپول ، تروست ، کنسراسیون
در حالیکه راه زندگی زحمتکشان نشان داد غر کدام بالتبه . به فقر... جبل، بیماری
که در (۱۸۶۰) ، پیکار قبرهانه زحمتکشان بیسوانی ، خاکنگری ...
از هر عای توری عمومی یا فرا نباد .
زنده انسان زحمتکش خانمه یافت
چنبش پرولتی را در برگرفته .
ولی ، پاشکست کمون . زحمتکشان تشكیلات
استقلال سیاسی را سر کوب میکنند
عالی کردند و نقش بین المللی گرفتند .
در راه زندگی دیگر چنین آز ا دی بخش
در گنگره ، راه زندگی را آزاد کردن ، ملی را، خفه میکنند ،
حتی ، در تمام مسائل بر زمینه دانش قرار ولي ،
یگیر ترین ، سر سختترین ، انگلابی ترین
با زیادی ارتباط پرولت به سرمایه ... نیروی انسان (طبقه کارگر) را، بعنایه گورکن خود
کار متحده گشت . و، استئمارکار انسان زاید .
زمتکش ، برای سرمایه
برای نجات خود ، از غول سرمایه ...
همسکن جهانی، انترناسیونالیسم پرولتی ،
برای بورژوازی ، متبع سود شد و مغز را اعلام گرد .

پیوسته بگذشته
زندگی چه دلپیشند کلمه ایست . استقلال ، عدالت ، رفاه ، ترقی ،
صلح ، آرامش ، سلامتی ، برابری، همکاری ، غمخواری ، دوستی
اعتماد ، صمیمیت ، دلکرمی ، تقوی، صفات معنوی ... اجزای لایتعزاً
آن است .
تامین زندگی سعادتمند، پیشرفت اجتماعی ، عدالت واقعی ، رفاه مادی
و معنوی خواست نخستین و عادلانه انسان های مولد و هد فمند رامیسازد .
افسوس که دز خیمان ستمکر با چنگال های پلتگ مونه و دندا نهای
زهر آلد خویش راه زندگی را دودنک و متشنج میسازند ، یا به کتمان
واقعیت هابناه می بزند و یا خاینانه در برابر واقعیت زند گی اغماض میکنند
اکثریت محروم سازندگان واقعی تاریخ و وارثان حقیقی نروت های
مادی و معنوی اند . راه زندگی را تضمین مینمایند و شگوفا نی زندگی
را تامین میدارند .

ا قلیت های طفیلی در فرجام سخن دوراً ز راه زندگی
میشوند دیر یا زود سقوط میکنند و معدوم میگردند و دیگر جایی دربرو
سه زندگی به آنها نخواهد داشت .

راه زندگی دفتر خاطرات انسان هاست از بلو پیدایش تا کنون مدد
وجذر، خم و بیچ، شکست و بیروزی، قاطعیت و نرمیش ، تعرض و عقب
نشینی ... صفحات آنرا میسازد .

نوشته ((راه زندگی)) که همین اکنون دوستان ارزشمند و گرانایه
خواهان و برادران مطالعه میفرمایند حکایتگر کلیه جوانب و پهلوهای
زندگیست .

نوشته ((راه زندگی)) هنگام سلطه خونین ددمنشان امینی در
شرایطی که خون پاک انسان های شریف و وطنپرست کشور نقش
سنگفرش جاده هامیگردید، مخفی گاه ها، قتلگاه ها ،
بولیگون ، زندان ، دشت و دهن ، کوه و بربن بیاد انسان هد فمند
جامعه هافریاد میکشید ، به اداره جواہز مطبوعاتی اطلاعات و کلتور
تسیلیم داده شد و در یکی از بخش های جواہز سال (۱۳۵۷) کاند ید
و بصورت اتفاقی مستحق جایزه مطبوعاتی گردید .

نویسنده
خانه خراب شدند ... ستم دیدند ... رنج کالایی واژ مبادله عادی ... تاثریل بزرگ
کشیدند ... هنر شنیدند ... بیزوشن گردند
و خود کامن ندیدند .

علم اجتماعی «بن غرض»، آموزش خشک
و، دوران بورژوازی خوشبختانه، مردان بولادین .. جاده، محدود، دور از شاهراه تکامل نمود
برای تحلیل حصول حیات زحمتکشان بیار جهانی
تئورس های بورژوازی را مردود دانستند .

کتاب زندگی را ساختند از :
(مارکس- انگلیس)
آنها :
فلسفه آلمان ، علم اقتصاد انگلستان ،
تکامل سرمایه داری را ، از جنبین اقتصاد سوسالیسم فرانسه ... راه زندگی را

مریاز لر لر لفغانستان را تقدیر!

پایانی فشرده و تکارچه در صفحه هشتم پروژه متحد شویم و جامعه نویز را در لفغانستان سربلند را بادسازیم

شعرای حماسه آفرین چون بسمل، میرسید قاسم عثمان بروانی، کاکاسید احمد، داوی، جویا، غبار، محمودی و نقیر ایشان بوجود آمده است برخان قاطع و گواه ثابت دیگر برادرانی هاست. سلا های متاخر که شالوده بتیان حکومت عای پیشتر شان بر استبداد اختناق، نفاق اندازی و تقریب اکتشاف استوار بوده است همواره فریاد استقلال طلبی وندای مشروطه خواهی ملت دورانساز افغان را باسر پیجه زور خلفه و حتی کاهی در نقطه خنثی کردند.

لکر تاسیس نظام مشروطه که خود یکی از مظاهر استقلال طلبی و حکومت قانون است در عهد سراجیه دو باره آغاز و در دوره امامیه بربار گردید. درین امر مهم تمام ملت دلیر باشها مت افغانستان خاصه قشر جانبازو فداکار روشنگر نقش مهم و سهم اساسی داشته س-درین، مرحله درباره روابط افغانستان و نستان، با برداشت مصایبی درین، وفادکاری آنکه با پیکار بی گور و مبارزه بی امانت خود خواسته اند حکومت قانون و نیفت مشروطه خواهی را که فامن رفاه و آسایش، سعادت و بیرونی توهد هاست قوام بخشند و مشعل درخشان آزادی را که جزء خصلت و بمتابه ناوس هی ماست روشن و فروزان تکرارند یکی از شعار های آنها این بوده است: ترکمال و ترک جان و ترک سر در راه مشروطه اول منزل است.

بیرونی انقلاب تور و مرحله تکاملی آن نیز دنباله و نمونه دیگر همین گوششها و تلاش هاست.

بادکنور ساده عبادی، متخصص در تاریخ محمود طرزی که از دیر گاهی به تحقیق و تبع علاقمندی دارد، چنین پرسش به طرح می اوریم.

س- زمینه و سابقه مشروطه خواهی را در گشوده چگونه به بررسی میگیرید؟

ج- جنگ های اول، دوم و سوم افغان و انگلیس و همینکه جنگ هیوند در تاریخ

سیاسی و اجتماعی این مملکت بر جستگی خاصی دارد، زیرا افغان های سلحشور با پایه مردمی

و یکدیگر متحد گردیدند و بیک قیام عمومی، مقابله باقوای خارجی دست یازیدند که بعد از

به شکوفایی عقایدگری و چنین مشروطه خواهی و تپش استقلال طلبی انجامید که باید پس

منظر مشروطت و مشروطه خواهی را در آن

او فاعل و احوال به مطالعه گرفت.

برای اینکه مساله بدرآذنشد آغاز قرن

یستم راهورد مطالعه قرار گرفت.



دکتور جاوید: قیام های حماسه ساز، نمونه رشدات ها و سرباز یهای مردم بادیان و شرا تهمتد ماست....

س- درین، مرحله درباره روابط افغانستان و نستان، با برداشت مصایبی درین، وفادکاری شوروی چه گفتی دارید؟

ج- افغانستان مستقل و دولت سوسیالیست اختناق و فاشیزم دادی، به انقلاب تور داخلی شوروی، که در اثر انقلاب اکتوبر ظهور گردید.

س- مرحله سوم چنین آزادی خواهی دو

عبد سراجیه چه بود؟

دکتور جاوید در استعمار و امپریالیزم بر تاریخ ایران در پاسخ از زیابی نشست. و نکاتی را بر شردم و مختصراً چنین به دو لات سوسیالیست جهان را که بهر هیری ولادیمیر ایلیچ لنین قیام کردند و از پادشاهی و انتگلستان به اتفاق کشور های دیگر غرب، به حرکات نظامی بر ضد دولت جوان شوروی برداخت

و تحریکات در آسیای مرکزی و فرستادن عمال

نظامی بر تاریخ در آنجا یک جزء عده این

بلان بود. ظهور افغانستان مستقل و پیکار

سلح آن بر ضد بر تاریخ این قسمت بلان بر تاریخ

راغعاً نقش بر آب ساخت، و عمل نظامی

بر تاریخ تو ایستاد در آسیای مرکزی بر ضد

دولت انقلابی شوروی کاری کند و خاک

افغانستان سده راه ایشان گردید.

س- هر حل مابعد تحول فکری و سیاسی

افغانستان را تا انقلاب شکوهمند تور چه گونه

ارزیابی میکنید؟

ج- جریان مابعد، پیشرفت فکری و افکار

سیاسی مراحل شورانگیز را گلستانه است

بینار و پیشو و در طول تاریخ و در تمام ادوار حیات

سیاسی کشور بهظور پیوسته یادآور جهان

دو جنگ داخلی ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و استبداد آن

سالها مشاهده میشود. پیشرفت معارف و نشر

استبدادی را تحمل کرد و ترقیخواهان افغان

ایشان، بشکل توبه جریه ها آغاز گردید، و با

توسعه معارف را تحول عصری کشود گشاده

شد.

این چو اغی

۱۰۰۰

نمایشند و حتی در زمان اماثی هم اگاه نشده بودند و این حقیقت داما امروز با مراجعه به استناد رسمی انگلیسی (که آنوقت سری بود) و امروز مراجعه بان در ارشیف ملی هند مجاز است، معلوم گردیدند. داکتر غنی در آن جا دوسيه شخيصي دارد، درینجا باید توضیح گرد، يکعدد دیگر از مسلمانان هند که در افغانستان خدمت میکردند، بطور صادقانه ترقی اقتصادي و اجتماعی و سیاسی مردم افغانستان را آورده اند بودند.

س- مرحله سوم چنین آزادی خواهی دو عبد سراجیه چه بود؟

ج- مرحله سوم به شکل اظهار مطلبونش این در یک جریانه بود، مگر چه جریده

سراج الاخبار زیر حمایت دولت قلمداد شد، و آن حاصل گردن اجراه نشر جریده بود، که

مرتعنان دربار به آن مخالف بودند، و بیوسته تحریک می گردند. همان بودند ۱۲۹۰ سراج-

الاخبار بطور منظم بیجان رسید (سال آینده

سیزده، هفتاد سال کامل ازین واقعه تاریخی

بعد خواهد شد.) سراج الاخبار، بطور شخصی بر ضد استعمار بر تاریخ بود و در

لباس طلب اصلاحات اداری بر ضد مطلقیت داخلی نیز تبلیغ می گردید، و بعضی رجال عمه

کشود چون عنین الدویه یعنی امانت الله

خان از آن پشتی باشی میگردند. هر تعنان دربار

بعدی بان دشمنی گردند که در تبعیه مدیر روزنامه که خود را از دربار کنار می داشت

کوشش نشین و دو محربان محبوس و جریده معلم

گردید. باجلوس مرحوم امان الله خان این جبس سر انجام در ۱۲۹۱ و ۱۲۹۱ و موفق گردید.

از یکسو افغانستان با استداد استقلال کامیاب

شدو از دیگر سمعظاهر مشوره با مردم درامور

ایشان، بشکل توبه جریه ها آغاز گردید، و با

توسعه معارف را تحول عصری کشود گشاده

شد.

برده شد. اگرچه امیر حبیب الله خان این امر «مشروطه» و «مشروطه خواهی» در وطن عابه را در ابتدا به نظر بندیده مگر بعضی از مسندان تعریف بالانه از امروز است و نه از دیر و ز آنرا «بالغه امیز جلوه دادند که در اثر آن نه از پارو پرار، نه از این قرن و نه از آن». هر جبار نفر فی المجلس به ضرب تفنگچه کشته این خواسته تکامل در محور زمان بود و در میهن هاریشه کلتوری دارد خوب اینهم مسلم شدند. مرتبه مینا از محمود طرزی مرتبه معروف است که برای همار زدن به قدرت های مطلقه این حادثه است. ایجاد قوانین، قیود، موافقین مطابق زمان بکار است یا اینها را باید گروهی یا گروهایی بدھید؟

از جامعه بمیان آرند.

در مورد اینکه مشروطه طیت سلسله مقالات نشر میشد که همه برای بلند چنان ویدست چه کسانی در کشورها بیان اورده شد و چطور تسبیح و تمجیح گرفت نمیتوان ایشان بود. در جمله مقالاتی زیر عنوان ناموران زنان جهان نیز به نشر سپرده میشد. این مقالات اندک، اندک رونق گرفته و بالاخره در

در تاریخ کشور ما در دوره بیشتر از شش هزار سال همیشه شعار «برا برا در زندگی اجتماعی» موجود بوده است.

همان طوریکه دست آوردهای کلتوری را نمیتوان در قید انتساب بزمان و بشخص کشید، همان طور که افسانه های سینه هردم را نمیتوان به هولیقی نسبت داد و همان طور که گوینده یک لندی پشت و یا یک چهار بیتی با دویتی کوچه باخی را گوینده بیش شخص نمیتوان سراغ کرد. برای مشروطیت باشکال مختلف آن و با تحولات نیز نمیتوان کسی داشمود بلکه آنرا به تحولات ادوار اجتماعی مردم قایم بذات دانست.

اما برای آنکه پایه مردمی مبارزان را نادیده نگرفت از پیش قراولان آن باید نام گرفت از آنچه ملء اند، «میریوس خان هوتكی»، میرزا رحمت الله خان، سید جمال الدین افغانی و سید نور محمد شاه و محمود طرزی.... در دوره حبیب الله خان مکروه های مشروطه طلبان در دسته های مختلفی و بدون پیوستگی

کلمه مشروطه بمعنی مقید ساختن عملی و انتلاف باهم، دست و یا زدن. است به شروطی، اصطلاح «مشروطه» در درد باش، در بیرون دربار، در حلقه و «مشروطیت» که ماخوذ از این کلمه است های علمی و ادبی در چوکات طرح و بلاتبا معنی مقید ساختن وبهار کشیدن قدرت و اشخاص مثل میرزا مان الدین خان، محمد ولی خان سلطه مطلقه است که از خود سری ها، خود یاریگ خان، امان بیک خان را واژ حلقه خواهی ها وزور گویی هاجلو میگیرد.

بقیه در صفحه ۶۷



سامیه عبادی روشنگر: مرتبه مینا از محمود طرزی مرتبه معروف آن واقعه است....

سوانی تقاضا میگردد که از سر آمدان مشروطه مصروف استخراج احکام شرعیه، تدقیق، ترجمه خواهی نیز جیزی بگویید. کار این جمیعت تحت نظر بسیار خوب، عنگامیکه امیر حبیب الله خان و اهتمام ده نفر از علمای هتلبرگه همه مقاضی به پادشاهی رسید، محمود طرزی به تبریزی و عالم دین بودند پیش میرفت. علمای نسبتاً او به کابل آمد و امیر حبیب الله خان ازوی دعوت شد. نیز مفتی وازان جوانتر به حیث گرد تا بکابل بهاند. محمود طرزی از این فرصت استفاده کرد و در سال ۱۹۰۳-۱۹۰۵ به اینکه عالیم بودند افکار هترقی نیز داشتند کابل باز گشت. و عیشه در این نکر و اندیشه بودند که باید با آمدن محمود طرزی به کابل جنبش های در مملکت یک سلسله قوانین طرح شود و نظام حکومت براساس قوانین و اصول نامه ها استوار گردد. برای تأمین اساسی مردم خیلی زود دست بکار میشوند به مجرد رسیدن وی به کابل اطلاعات و خاطرات وایده های که از مسافت یک تعداد از این علماء در مکتب حبیبیه به وظیفه هاو مذکورات با شخصیت همینه یورزیده دارد معلمی مشغول شدند در اینجا منورین گردیدند در راه بلند بر دن سویه زندگی هردم و بسته آوردن استقلال افغانستان یکار میگردید. وی از نخستین روز ورودش توجه مردم باسوازدا را میگیرد. زمانیکه مکتب حبیبیه و حربیه تاسیس شد هاو مذکورات با شخصیت همینه یورزیده دارد جمع شدند و زینه، تبادل افکار را دو هیان روشان اندیشان مساعد ساختند. تعداد این جوانان مشروطه خواه بعد هابه سه صد نفر میگیرد که به گروه ها و چهارگه های کوچک تقسیم شده عسکری و ملکی به گفتار اوغلاقه گرفته تاز بودند. غر جریمه یا گروپ یک رئیس داشتند که بارئیس عمومی در تماس بودند. در سال ۱۳۲۷ هجری فتحی تحت عرضه به حضور امیر حبیب الله خان نوشتهند: محمود طرزی برای پیشبرد هرام خود دلیرانه قدم گذاشت. فعالیت های او و جوانان افغان در درجه اول متوجه استقلال و اشکار گردیدند. معمایت قوای استعماری در آسیا بود که بحث مفصلی را بیان میکند. س- لطفاً اندکی در باره اخبار معروف آن واقعه از سراج الاخبار، روشنی بیاندازید؟

ج- محمود طرزی با گروپ جوانان افغان عالم و ترقی خواه است و تاسیس مکتب حبیبیه در قدم نخست طرح و خاکه یک اخبار را برای نشریه های تو در انداخت که همان اخبار و آوردن مطبوعه عصری و احداث شوارع و مدارس مشهور سراج الاخبار افغانیه بود که بتاریخ ۱۶ میزان ۱۲۹۰ مطابق ۱- اکتبر ۱۹۱۱ با همتکاری دیگر جوانان هترقی شروع به فعالیت نشراتی نمود. س- فعالیت جوانان افغان را چگونه توضیح میدهید؟

ج- در عصر امیر حبیب الله خان جمیعت گردند. العلمای موجود بود بنام جمیعت تالیف فتاوی این عرضه توسط چهار نفر اعلیٰ مخدمو نشر احکام که در آن پنجاه نفر سراج الاخبار شاه غلام بجهه های امیر، محمد عثمان پروانی و محمد ایوب پولیزایی قندهاری به حضور امیر به در جات مقتبل



عبدالله بشیرشور: در تاریخ کشور ما، همیشه شعار «برا برا در زندگی اجتماعی» موجود بوده است.

پیروز باد دوستی برادرانه وحدت تمام میستها ، اقوام و قبائل افغانستان کرمانشاه تماشیت ارضی
شرف و آبادی میهن محظوظ باشند.

برگزیده هایی از هیان فرستاده های شما

از کلیرج فرانسوی

سرود آزادی

ای ابر هاییکه در دریای آسمانکاه موج زنان میکنرد و گاه می-
ایستید و هیچگیس نمی تواند خلیلی برای شما تعیین کند . ان
امواج دد یا که بیوسته در جوش و خروشید و به هیچ فرما نی جز
قانون جاودانی طبیعت گردن نمی نهید .

شما ای جنکل ها که گاه گوش بصدای پرندهان شب فرا میدهید
و گاه شاخه های تنومند در ختار را و میدارید ترا را بر باد بگیرید
واورا به نواختن آهنگ موسیقی پرشکوهی و دارند .

شما که بار ها در شب های ما هتابی مرافقون پا رسایی که سر
در پس رویا های ملکوتی خویشن داشته باشد در میان علف های
برگل و درختان تنوند که هر گزدست هیزم شکنان بدان ها ترسیده
سر گردان یافته و دیده اید که بیش از حد تصور کوتاه نظران
ازین صدا های وحشی الهام می گرفته ام شما امواج خروشان و
شما در ختنه سر افراشته جنکل ، شما ابر هاییکه در آسمان بلند
براه خود میروید و توای خورشید طالع و تو ای آسمان خندان
لا جوردین شما که همه آزادید و بیخواهد آزاد نمانید
هرجاکه هستید گواه من با شید ، گواه آن باشید که من بیوسته
با عشق آسمانی ترین حقیقت روی زمین ، یعنی آزادی را بر ستش
کرده ام .

ای آزادی ! مرا بیخش ، مرا ازین رویا شیرین بیخش .
من وجود ترا فقط درینجا ، در کنار این صخره خاموش که درختان
سر و آن بر اثر وزش نسیم زمزمه ملایم خود را با خبر و
امواج دوردست در می آمیزد احساس کردم افق دوخته و ذرات وجود خود
رادر زمین و آسمان و دریا پراگنده ام تاهمه جاسرا غ عشق و محبت بگیرند
تنها درینجاست که روح من توانسته است وجود ترا احساس کند و در
پیشگاهت بزانو در افتاد .

در خاک حاصلخیز آزادیست که
ملکات فاضله انسانی ریشه میگیرد
و پرورش می یابد .

(جارلزفوکس)

انسان همی تواند آزاد باشد
و هم مطیع قانون ، زیرا قانون فقط

اعلام اراده افراد است .

«زان زاک روسو»

انسان در هیان لحظه که تصمیم
می گیرد آزاد باشد آزاد است .

«ولتر»

آزادی از قوانین طبیعت ناشی
می شود زیرا انسان بطور آزاد

بدنیا آمده و باید آزاد زندگی کند .

«شاتو بربان»

ملتی که پرچم هایش با نیروی
استقلال و آزادی به اعتراض در آمد

هرگز از بین نخواهد رفت .

«ناپلیون»

مرغ اسیر اگر در قفس زرین
هم باشد اسیر و غمگین است .

(فررب المثل بلغاری)

یک ساعت زندگی با افتخار
بیک قرن سکوت گمنام زیستن

می ارزد .

(والتر اسکات)

تاهمه آزاد نباشد انسان
آزاد نیست .

(مثل فرانسوی)

مردم را رای حفظ آزادی باید
تعلیم داد .

فقط کسانی شکست میخورند که
در زندگی تلاش و مبارزه نکرده اند .

(بیلی الدربیج)

آزادی

نهال آزادی وقتی رشد می کند
که با خون ستمکاران و ستمگران
آبیاری شود .

(برادر ندر بارو)
آزادی متعلق به یک نفر نیست
بلکه هال همه است .

(هر برت اسپنسر)
بشریکه حق اظهار عقیده و
بیان اندیشه و فکر خود را نداشته
باشد موجود زنده محسوب نمی
شود .

(مونتسکیو)
کسا نیکه مخالف آزادی دیگران
اند خود لیاقت آزادی را ندارند .

(لينکن)
انسان آزاد خلق شده و باید آزاد
زندگی کند آزاد از تحت استثمار
فرد از فرد و آزاد از قید رنج ها
و دردها .

(...)
آزادی بزرگترین عطیه و موهبتی
است که به انسان اعطای شده و در
قبال آن تمام نعمات و عطایایی
دیگر پوچ و ناقابل و بی مصرف
میباشد .

(ایکیتینوس)
جای شک و شببه نیست که
فصایل انسانی همه به آزادی است

نوای دور از شرق شنودم .
از زیر اپرها .

پاران ها .

آسمان نیلگون .

زدروی خرم و شاداب اختر، مه و خورشید .
که انسان است، انسان است . . .

چو موجود دیست ، خوش پیکر .

درون دیر هستی ها .

میان طبیعت مجبول .

زا نس اش می غرد .

کون و مکان برهم .

زلطف اش می چهد .

نیکی زهر زشتی .

که انسان است . . . انسان است . . .

موجود دیست ، شریف و پاک .

که بانیروی خود درهم گند .

نیستی به هستی ها .

نمیمیرد دیگر انسان !

دیگر انسان نمیمیرد !

غیریب نواز *

عشق او

از دیر زمانی ، آتشی از سینه من زبانه می گشد ، نیرویی هرای بسوی خود میکشاند ، احساسی بمن دست میدهد احساس بزرگ و انسانی که همه او را دارند ، کاش قلب عرض کس بخاطر سعادت همنوع خود بتید و معنی دوست داشتن را به مفهوم وسیع گلمه بداند . راستی هر کس نمیتواند احساس یک هنرمند را ، احساس کسی را که قلبش صاف تر و روشنتر از هر آیینه ایست ، قلب کسی که ناقوس عشقش نسبت به هر انسان دیگری طنین بلند و قوی دارد ، درک گند . عشق عالی ترین و مقدس ترین احساس است ، بهمین دلیل به شبام و شجاعت بیشتر احتیاج دارد . من بخاطر سعادت (او) هر شب در روشنی چراغ قلبم اشک می دیزم ، می گریم تا این اشکها رفته رفته توافقان شود . بنیاد گاخ هوسمیان آدمیان بی احساس را بر گند ، هر چند او با من قهر است ، از من بیزار است ، زیرا میخواست هر یار بفریبد ! ولی من این رازش را کشف کردم . آه که این وضع برای من کشنه و تبعو آور است من نمیتوانم بیش از این بار اندوهی را که بر شانه هایم سنجیکنی کرده و هر شکنجه میدهد ، بدلوش کنم .

من عشق (او) را که از روزانه فرمیر شما زوین پاکی و وفاداری را در نخستین لحظات بمن فرستاده بود ، می پرستم و تا آخرین رمق زندگی آن را پذیرا میشوم .
دستگیر نایل

لوی افغان

که پیشتوون که هزاره دی
که ترکمن دی که او زبک دی
پشه یان - نور ستانیان هم
که بلوخ دی که تاجک دی

بول خیلو نه افغانی دی
واپه ورونه سکنی دی
تور که زیر دی او که سپین دی
بول ددی هیواد بچی دی

یو بی کور یو بی هیواد دی
بول یادیری لوی افغان
داوطن دتولو کور دی
داویاپ لی افغانستان

نوک لموری کله بیلیزی
دوی دی غری دیووه خان
بول و گری له یواردی
آبریوال بول انسانان

لر او بر بول و لسونه
راوینیزی او یو کیزی
له امو نه تر جهله
داوران کور بیا و دانیزی

دوری ۵۲-۱۷ کال - گند هار

بگو انسان !

بگو انسان تو چیست !
بگو انسان تو چیست !

اگر من بنتگرم بروح سیمین ات .
نشسته ست ، انسان ، انسان .
نمی دانم که انسان چیست !
نمی دانم که انسان کیست !

زحدیت یاک تودایم همی جویم .

که انسان چیست !

انسان چیست !

زلای کوه ها جویم .

زدرب .

ز قمر جویه ها یویم .

که انسان چیست ! انسان چیست !

هم خوا هم .

ذاب قلب آن سبل .

ز عشق یاک آن بلبل .

ذجام چشم آن مصلمل .

که انسان چیست انسان چیست !

اری !

خیز رشید بهاری

دستاخیز ششم جدی که به حاکمیت طراز فاشیستی اجا می امینی خا تمہ بخشید ، در نتیجه فرو مایگانیکه بانام مقدس و طعن مردم و دستا ورد های تاریخی انقلاب تور ابغاض داشتند ، واژگون شدند . آنچه که خیزش دشمن سوزششم جدی به ارمغان آورد ، ابتهاج بود و نجات جا معه ما از با تلاق و گل های همیشه بهار آبسال وطن محبوب مان از پرپرشدن پژمرد گی رهایی یافتند .

طلوع آفتاب قیام پیروز متداشتم جدی بمنابع بهار فرحبخش و شکوفان که آذرخش دلکش آن برداشواری های زمستان پر محنت و درد و رنج تابیدن گرفت ، سر نوش آینده مردم انقلاب و جامعه ما را بسوی خوشبختی رهمنون شد . بناء عنوان این پارچه را که طی آخرین رو ز اقامت خویش در باستیل پلچر خی نوشتم ، خورشید بهاری انتخاب کردم .

خو رشید رو جبخش بهارا ن بر شکوه

آهنگ بر شتاب و دل انگیز آسمان

لغزان چو آذرخش ،

زیبا و پر خوش به بیهنا بیکران
شاداب و گل فشان ، صفا بخش دشت و کوه *

خو رشید پر طلیعه و خندا ن درین دیار

در گوشه و کنار

نقشی زده به دامن صحرای بیکران

شوری فگنده است

اندر نوای خوش رقمی زنگ زند گی

افتید به لاله زار که ده آتشی شرار

بنشست بر نگ گل که زند نقش شادمان

بر داشت پرده از رخ عربان تیره گی *

لبخند موج های در خشنده بپره هند

راهی کشید تند به کوه های سر بلند

از فیض این بهار دل انگیزو پر زگل

عمراه بانسیم سحرگه که میوزد

محجی دمیده ، زمزمه دارد بسان گل *

درین فضای گرم سرود و ترانه ها

بشگفتہ غنچه ها چو ناختران شب

بلبل نواگرست

آهنگ دلبرانه بر اوچ شاخدهها

از نور تابناک و شتاب بسان این بهار

رو نق گرفته سر و چمن هاو مر غزار

بنگر دریده پرده ظالم سترنگ بساغ

غفار عریف

۱۳۵۸-۱۰

زندان پلچرخی

ستاسه تو گی

زلال خاکی ستاله ستار گر

دشرا ب

پر ساحل دوصال لغبنتل

په شتاب

سمندر دی خبچاند

ستا شپلا ستارگی .

یو نظر بی زما و هر سوال ته

جواب !

نجیب افغان

نمازه‌ها بی

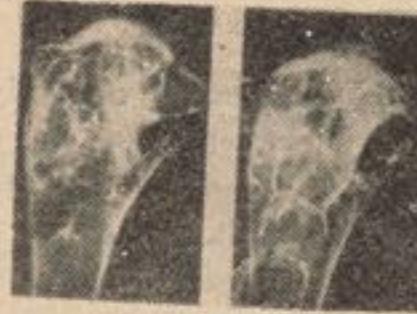


از هفت اول میهم

تنظیم و ترجمه: میر حسام الدین برومند

جهنم‌استیک خصوص

برای حیو اذات



قسمتی از اسکلیت به غرض
مطالعه‌بدین شکل در آورده شده است

احتیاج بشر به مواد غذا بی در سرا سر جهان همواره محسوس بوده و در حال رشد می باشد و برای رفع نیاز مندی های شدید در زمینه و صنعتی ساخت محصولات گوشت، شیر، تخم و پشم تلاش هایی صورت گرفته و یا در دست اجرا است. مطا لعا تیکه در زمینه چکو نکی مواد حیوانی چون گوشت چنین نشانداده که بعضی بسیاری از محصولات حیوانی چون گوشت تخم، شیر و مشتقه آن فاقد ویتا مین لازمه میباشد و یا مقدار فیضی ویتامین طوریکه با یستی باشد در مواد مذکور وجود نمیداشته باشد ازینرو پروفیسور دکتور (ارینا کروتا لیوفا) در صدد برآمد تا ببیند علت کا هشنس بیتامین ها که بعضی در محصولات چیست؟ حیوانی دیده میشود چیست؟ مطالعات حیوان شنا سی و طیور رشنا سی واضح ساخته که حیوانات برای تغذیه در جستجوی آن می بردند و یا بخار از دشمن گریز مینمایند و اگر چنین حالاتی پیش نماید اکثر حیوانات در یک محل به جاهای خود می باشند. یک خوک نر وحشی روزانه تا دوازده کیلو متر مسافت را می بیناید در حالیکه مسئله در برابر حیوانات خانگی کا ملا بر عکس است درینجا دیده میشود که خوک نر در تغذیه خود پر و بلعی ندارد برای اینکه موادی و حیواناتیکه از محصولات آن در تغذیه خوراک یک گروپ بسوی حیوان نماید



برای افزایش محصولات حیوانات را بمحاجناستیک مخصوص عادت داد

تیاتر مدرن ملی پراک در دست ساخت

کار تیاتر مدرن ملی پراک تقریباً به نیمه مجلل است و پنج طبقه آن در تحت رسیده است. از شروع کار اعمار زمین نقشه شده و کار آن پیش رفت. است اتفاق های دیگری که کار انجام بزرگ یک مرگ از زیر زمین در حدود بیش از سه سال میگذرد. این تیاتر از زیر زمینی کنگانیه شده است. اتفاق مشق رستو را نت و یک سالون بزرگ نمایش نیز در طبقات زیر زمینی مد نظر گرفته شده است. تیاتر گرفته شده است باستثنی این تیاتر مظہر «رنسا نس جدید» درین گوشه ای از جهان باشد. این بنای کلتوری باستثنی با تختیک کامل و مدرنیزه شده اعمار گردد نقا شی های یکه در روی دیوارها و پرده های تیاتر جلب توجه میگردند و تو سط زبده قرین نقاشان معاصر آنکشور نقش یافته بسیار فریب و رویایی است تیاتر مدرن جدید برای تو سعه هر چه بیشتر گذاشت در نزد یک سر ک «نارود نی» در کنار تیاتر ملی سابقه اعمار یافته است.

تیاتر مدرن ملی جدید، برخلاف تیاتر ملی بیشین زیاد بقوه یک گزارش نویسنده هنری پراک او لین نمایش بتاریخ هر ده نویبر ۱۹۸۳ در ساختمان جدید به منصه اجرا در خواهد گردید.

مکتبه مدنیت

انسان هم در شناخت خود در طول تاریخ سر کرم بود، در شناسایی جهان و حکمت است. حقیقت امر آنست که جهان بینی او را فریش نیز، تلاشمند اگری بوده است و گاه در دریای از خود بیکارانگی متفرق و به جهان شناسی پیشتر اینجاک داشته است و گاه در اصطلاح به فرد پاسی خود نقش داشته است. امر مسلم آنست که این آگاهی نسبت به خودت جهان به بیانه و معيار علمی اوست و غالباً اوقات درسیل موج آسای زمان، شناخت وسیعی که دارد با احتیاط در نگریسته میشود پس جهان بینی، نیز تعلق بیکرید، به نقطه عاطفی ای که که خود را نمیتواند از محیط ذهنی کری، رها سازد و بند شرایط، یافته و برداشت محیط را بشکند و از آنست که در بستر زمان های پیشین، هستی «سه بعد» قرار داشته و انسان بر بنیان قانون علیت استوار است چهار بعدی هستی قرار دارد و درین جهان بینی چه برداشتی میکند و چطور جهان را تصویر مینماید و این تصویر او به چه تابعیتی باوایعت هم تراز است و با با ناوایعت هاهم طراز است. معرفت پسر هر چه زیاد میشود بعد پیش بینی و سیعتر میگردد و هستی و بدیده ها را به گونه خاص گهدر واقع طراحی خود انسانست درمی باید.

جهان بینی میافقرالله نیز بگونه یک جهان و همین شناخت درباره جهان، جهان بینی انسان و امیرساند که درین شناخت «خودشناسی» هم در شمار آید. این شناخت میغواهد عرضه باشد ابتدای عامیانه و عمیق و عارفانه، با انگریزی انسان به هستی و شناخت و برداشت که از آن میکند صورت پذیر است و همین تکریس در واقعیت امر، جهان بینی را تعقیب میکند انسان به چهار عنصر در جهان معتقد هنلاگر انسان به چهار عنصر در جهان معتقد باشد و باز میگردد و این شناخت میغواهد عرضه باشد ابتدای عامیانه و عمیق و عارفانه، باشد ابتدای عامیانه و عمیق و عارفانه،

ارزش انسان از دیدگاه میافقرالله: میافقرالله شناخت و برداشت که از آن میکند صورت پذیر است و همین تکریس در واقعیت امر، جهان بینی را تعقیب میکند انسان و لاملاً و متعال است در نظام فکری و عرفانی میافقرالله، انسان نقطه عطف هم ارزشپا است و در تردیان تکامل و تاریخ قرار دارد.

این جهان بینی را از زبان خودش میخوانیم: مرتبه سابعه: مرتبه جامعه، مرجمیع هراتب مذکوره جسمانی و نورانی وحدت واحدیت این تجلی و ظیور اخیر است و این مرتبه را انسان هم نامندوچون انسان عروج کند، و جمیع هراتب مذکوره ظاهر گردند از انسان کامل گویند. (ص ۱۴۷ طریق الارشاد)

در اینجا میافقرالله انسان برتر و انسان متعال را به تعبیر سایر عارفان که به شکوهمندی اندیشه های ناب مشتهر میباشد «انسان کامل پادمیکند و راه های تهدیب و صافی باطن رادر بعیوچه آنکه یک انسان کامل واقعی بسازد تاقابل شود و اوارد آن شویش را در خود منعکس بسازد و انسان مرد فرزانه اوج گیری بازیگر خاصی موقع پکیر دوار زمینی اور از نکاه آنکه او غایت هستی و نفعه آفرینش شناخته شده است ثابت میکند و اوارد حوال «شن» قرار میدهد درین هستی شناسی و جهان بینی خود گویند احترام میگذارد.

ملک والایی انسان پژوهشگری اوست، برای درگ حقیقت زنده درد دیده و همدردی بیانی که نوع خوددار تخفیف الام را از بشریت شکست یافته از زومین است و در مجموع انسان شریف آزاده و سازنده خود و جهان بینی خود را به سرحد مطلوب واقعی غایت رسانند.

شرب آرمان گرایی در جهان بینی میافقرالله انبوه در انبوه است میافقرالله گوید: لذت والم از اقسام ادراک است چه لذت عبارت از ادراک ملاحت و الم ادراک هنائی و ادراک نفس علم است. علم این اقسام را در هراتب ظهورو مرایا ممکن است پیدا گردد است. (ص ۱۶۰ طریق الارشاد)

مردم و احیاناً خود را در بعیوبه لذت والم یاراد میبیند. لذت والم را از ادراک میشماد و لذت را عبارت از ادراک ملائم میداند و الم را ادراک منافی و ناعمالانم.

این آرمان گرایی به سرحد است که به خرسنده مردم عمر خود ذهنیت ها و معقدان را به بیانی سنت پیشینان خود به دست ارمنان می سپرد، تعلیمات و ارشاد او از ستایش شرافت فرزانگی موج میزند.

و بشر را به اوج ارضاء عقلی و افتاب عقلی می کشاند و این آرمانیست که عارفان روی رسالت بدیگران را در داده است که رنگ عملی را نیز بخود بگیرد.

میافقرالله بنای اندیشه خود را در باره هستی برای ایه استوار میکنگد نسبت بان ساخت باور دارد و از چشمته زلال گرایین هامی نوشید و خود را تسلیم نمی کرده است چنانکه عارف منطقی بوده است، در از زیبایی مقاومی و معانی باریک و اندیشه های تابناک عارفان سلف، با سلاح استدلال و حجت بر خورد میگردد است، از آن واحکام بران عین چنانچه بقاء اعراض است تزد متكلمين به تجداد امثال و منافی نیست در مرتب آثار واحکام را بر آن اعراض (ص ۱۶۱ طریق الارشاد).

الهی سوت و عالم اعراض مجتمه اند در عین واحد، ص ۱۲۶ عالم صغير و عالم کبير: به گونه ذهنیت سایر بيش كسوتان او، عالم صغير انسان و عالم کبير مجموعه کابینات است، درین جهان بینی چونانکه به پندار «استاین» بعد زمان و مکان در یک نقطه جمع میشود و هردو در یک طرف بدون امتیاز قرار میگیرد.

درین جهان بینی عرفانی عارفان را، انسان چنانچه میشود و جهان انسان میگردد و یکی بعیت علی البدل یک دیگر اخذ موقع میکند. این جانشینی ها از جهت های مختلف در نظر گرفته شده است، از لحاظ فیزیکی و مادی تشابه و تمایل آن زیاد است و باز این مطلب به وجہ احسان از زیبایی میشود، از دیدگاه آنکه انسان تحرک بخصوص دارد که نیروی عقلایی اودست خود را انسان را عالم کبر نامیدند، این وقتی است که جهان در موقع عالم صغير قرار بگیرد و انسان باگزدن افزایش درسایه عقل و احساس خود تکیه میزند و خود را والاتر از جهان میبیند. در مجموع هسته خسته میشود و خسته درخت و درخت پس به هسته میبینند. خلق جدید: جهان بینی میافقرالله در پیرامون «خلق جدید» امر همکوئی است از آنکه پیش پردازان نیز ازین جهان بینی برخوردار بوده اند. میگوید عالم را بقایی نیست و هر آنی بوجود عالم به عدم می آید و باز بصورت عین شی بوجود می آید، این طور نتیجه گیری میکند که این بقای در واقعیت تجدد امثال است که به بقای عین منافق نمادند.

میافقرالله گوید: عالم را بقایی نیست در هر آنی بعدم میرود و مثل آن در آن تانی بوجود میاید و همچنین آن تیزدرا آن تالث بعد میرود و مثل دیگر در آن رابع بوجود می آید، پس زوال آن سریعت شد، از زوال موهوم و بقایان محال آمد در عادات این بقایه تجدد امثال است که هنافی نیست مرباعین را حکماً و جنگ ندارد با ترتیب آثار و احکام بران عین چنانچه بقاء اعراض است تزد متكلمين به تجداد امثال و منافی نیست در مرتب آثار و احکام را بر آن اعراض (ص ۱۶۱ طریق الارشاد).

میافقرالله ذهن وسیعی داشته یعنی هر چه خوانده و درگ کرده داوری خود را نیز در آنجا گنجانیده است، زود قانع نمی شده و خود را تسلیم نمی کرده است چنانکه عارف منطقی بوده است، در از زیبایی مقاومی و معانی باریک و اندیشه های تابناک عارفان سلف، با سلاح استدلال و حجت بر خورد میگردد است، از آن واحکام بران عین چنانچه بقاء اعراض است تزد متكلمين به تجداد امثال و منافی نیست در مرتب آثار و احکام را بر آن اعراض (ص ۱۶۱ طریق الارشاد).

میافقرالله بنای اندیشه خود را در باره هستی برای ایه استوار میکنگد نسبت بان ساخت باور دارد و از چشمته زلال گرایین هامی نوشید و خود را تسلیم نمی کرده است چنانکه عقیده دارد که گریز انسان از زمان نمیتواند او را از دل آزادی بای عذر رها سازد. چون هومانیست ها می اندیشد و طرفدار مکتب امثال انسانست که کانون هستی میباشد و سازنده و تصویر ساز جهانست. جهان بینی میافقرالله در موضوع خاص هستی شناسی از تباطع بغضون دارد. آنچه کوید عالم به جمیع اجزا مظہر اسحاء و صفات

طہران

معروفی کتاب دریاک فهرست
فهرست مصوّل :

- فن الولایت .

مقدّه سعدی محبت با امانت بعثت رسالت مراسلت خلافت ، غلیظت ، غوشیت ، اعامت ، و تدبیر طالب قرب الهی و جویان وصل و آگاه را وبدیت و نقایت .

مقدم داشتن چند چیز است .

- در آداب شروط شیعیت .

در آداب صحبت آنکه بر شیعیح هیجع اختراض سد کلمات قدسیه و این یازده کلمه در طریق نسبتند یه اند .

- نزد اهل طریق انتساب هریدان به مشایخ - در بیان توحیدی که هنسوب با کابر نسبتندیه است .

بسه طریق .

در درجات نبوت .

- در انتساب مشایخ اکثر علماء مدد نین را تردد است جایز نیست اخذ حق الى الله مکر ارشاد و تطبیت مدار است .

تصرفات در طریق نسبتندیه .

در دریان طریق تربیت نسبت باطنی ایشان سدراذگار طریقه مشایخ چشته .

وصل : راید راید کس سر و سنه اختیار باو بسیار .

چون بصدق ارادت صحبت صاحب دولتی اختیار نماید . آن صاحب دولت راید که بمرید بیعت گند .

در بیان اذکار اشغال طریقه علیه قادریه وصل : طریقه توجه درین طریقه این است .

ساید داشت مشایخ کرام گفته اند که ذات دراذگار طریقه حاتمه دراذگار طریقه سپروردیه دران کار و اشغال بهایه ؟

دراذگار طریقه کراویه دراذگار طریقه حاتمه کردانه .

وصل : عالم رادرسه موطن وجود است در تعین اول و تعین نانی و خارج .

وصل : تجلی بر سه گونه است : تجلی ذاتی طریقه همانیه وصفاتی والعلی .

وصل : بعضی صوفیه بر توحید وجودی فایل و معتقدانه وجود واحد است .

وصل : فی التنبیبات والا سوله والا جویس تذکر : این فهرست انتخابی محمل است .

الله و سیر فی الله، سیر عن الله، سیر در اشیاء خواندنگان فهرست کامل دادر پیوست هنر افست شده « طریق الارشاد، مطالعه خواهند کرد .

وصل : اول درجات فنادر آداب تهدیب نفس تخلیه از ردایل و تحلیه است به فضایل .

پس ساعت جوان و گهنه پیر است
پیر دم اندره حشره نشیر است
درو چیزی دو ساعت من زیاد
در آن لحظه که میمیرد بسازید

جهان یعنی ما فیقرالله در مورد هست
نمود و بیدیده شناسی از یک طرف یکنفع
جهان یعنی کلامی است که بکفه لاهیجی (در
شرح منظومه زیبای گلشن راز) جهان راممکن
میداند که از خواص ممکن است که نموده
عدمیت و در عدمیت مستمر است واما از کام
که جهان یعنی بشکل عرفان از آب در میاد
و مرحله آغازین خود را در پژوهشگاه عرفان
انکاس مینماید بدین گونه جهان یعنی تصویر

من باید جمیع انسای لحظه به لحظه نیستی
سود و به پیوست مدد وجودی از نفس رحمانی
هست میگردد گو یا این فیضان عمواره با
توالی و تداوم خاصی پاشان و بختان است .

همدان و عطفکران ما فیقرالله این تجدد
وابه تعبیری زادن و مردن انسای رادر لحظه
های گمرا به « نیر جاری و خیط مهند ». شایه
مادی داده اند تا این جهان یعنی با تصویر
عنی در اذهان نفس بگذارد و محوس نز
گردد .

تجھیز آنکه جهان یعنی ما فیقرالله . و
تصویر ذهنی او از نمود عای جهان دنباله
همان جهان یعنی هایی است که عارفان ما
چون مولانا بلخی و جامی هروی و همقطاران
شان در بین گرفته اند :

ما فیقرالله در اصطلاح جراح جهان یعنی
پیشوایان هرفت رادر کف محکم گرفته و آن
کار دانیای حله را دنبال نموده و جهان یعنی
خود را با زمان شکنی با ایشان هم هرزساخته
است و از جانی ما فیقرالله در راه سلوک
و طریقت هنگفت نسبتندی را از همه مکاتب
عرفانی بر گزیده است با این همیزه که به
وحدت سبود میگردد .

و طریقت شایسته یافته خود را با خطیر نور
سریعت پیک موایی عبار ساخته است .

منابع و مدارل

طریق‌الا رشاد : خطی هر بوط
روایح قمری : از جامی جاپ هندلکنیو تاریخ
جاپ ندارد شرح دیایات جامی جاپ کابل به
کوشش هایل هری ۱۳۴۳ ش .

گلشن راز محمود شمس‌تری جاپ تبران
سنگ ۱۳۰۲ ش

شرح گلشن رازلاهیجی چاپ تبران سنگی
۱۳۳۷ چاپ محمود

سیر فلسفه در ایران از اقبال لاهوری ترجمه
ارین یور سال ۱۳۵۴ جهان یعنی علمی
راسل .

نه نهای در اعراض این تجدد و یا به تعبیری
این فناو یقا صورت میگیرد بلکه در جوخر نیز
این امر ساری و جاریست حکمای اسلام در
حرکت جوهر نیز عقیده دارند . عارفان در
اصطلاح خاصی خود تجدد اعراض را به خلخ
لبیس تعبیر میکنند .

عارف بزرگوار ما مولانا جلال الدین بلخی
در موج اسعار هو سیفی ریز و با حال خود
این تجدد را اینطور تعبیری دلخواه میکند .

هر زمانی نیست میگردد جهان
هم در آن دم هست گردد بیکمان
جمله عالم میشود هر دم فنا
بیاز پیدا مینماید در ایسا
عست عالم دانها در سیرو جسی
نیست خالی یک نفس از خلخ ولبس

محمود پیشی در مورد تجدد اینال در
عنتی گلشن راز که یعنی نام با مسماهیست
عقیده دارد که بیک حال هیچ چیز دو ساعت
هم نمی باید و در هر طریق العین وجود و
عدم تحقق میگیرد .

جهان کل است در عرضه العین
عدم گردد و لا بینی زما نیز
دگر بازه سود پیدا جهان نسی
بهر لحظه زمین و آسمان نسی

جبهه وسیع ملی پدر وطن این خواست حق ورزند، موقف و موضع میری وطن پرستانه و ضروری مردم بلاکشیده ماتحت رهبری حزب همه مردم بخصوص جوانان درقبال این اعمال آنها ضروری میباشد همچنان علیه بیسادی،
دموکرا تیک خلق افغانستان حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور، من باشد.
جهل، و گرسنگی به منابع دشمنان عمدت دیگر باینه دانه رزیمید، بازدجوانان هایدانه دکه تاریخ کشور ما دارای تروت های بزرگ مادی و معنوی است برها و شما ست تاباکارو بیکار انقلابی این همه هنایع و تروت خارا درخدمت است، باید سعادت و پیروزی مردم ما هنوز همده جوانان رزمنده و وطن خوبیش قرار دهیم، جوانان رزمنده و وطن انتقامی کشور هستیم لذا ضروری است که با استفاده از امکانات وسیعی که حزب و دولت دموکراتیک جوانان افغانستان این گردان انتقامی هایرانی کشور مبارزه هشکل وطن خوبیش را علیه امیر بالیزم، ارجاع بخوبی ادا نهایم، امروز که ارجاع بین المللی پسرد هناری، خالله سالار ارجاع یعنی امیر بالیزم امریکا، عظمت طلبان چنایی و دستگاه حاکمه نظامیکار پاکستان به یاری سادات ما و بیگنی ها در امور داخلی کشور ما با برآ در راه خدمت بوطن، مردم و انقلاب خواستاریم زنده باد جوانان رزمنده وطن اند ختن چنگ اعلام نشده ای، هدا خله می



به پیشواز نخستین سالروز فیام ۶ جدی:

جوانان نیروی عمدت از انقلاب

جوانان دلیروطن؛ اینک که از قیام ظفر و انحراف کوتاه است، یکسال قبلاً در همین روز هند ۶ جدی ۱۳۵۸ این مرحله نجات مردم اردوی قبرمان افغانستان تحت رهبری حزب انقلاب و وطن پوره یکسال میگذرد وطن این دموکرا تیک خلق افغانستان با برآ اندختن فیام ظفر هند ۶ جدی طوهر امین و امینی هارا آزاد خواه مانع جوانان رزمنده وطن از خیانت آن صفاک درهم پیچیدند و به حیات نگین آن صفاک پایان دادند. اکنون که انقلاب شکوهمند تور داخل مرحله نوین و تکاملی خوبیش شده است مادر راه ترقی، و در راه آزادی ملی و اجتماعی، در راه جامعه واقعی عدالت اجتماعی در سر زمین باستانی افغانستان، یعنی سر زمین که برای جان های شیرین شانرا در راه به پیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک تور وبخصوص مرحله نوین و تکاملی آن، از دست داده اند درود عای آتشین و پرشور خود را پیرابر میلیون ها بیش از هزار دنیا شریعت هنری و انقلابی و زحمتکش که برای صلح، ترقی، آزادی، استقلال و پیشرفت انتقامی مردمان جهان و در آخرین تحمل برای سعادتمند شدن جاویدان انسان جان. های شیرین خود را فربان کرده اند، فرود همه جانبه نلایش می ورزد که هریس دختر آوریم.

جوان این وطن از کلیه امکانات و وسائل در حدود سی و دو هزار قبلاً مردم سلحشور سر بشنده با به پیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک تور صفحه نوین را در تاریخ جهان افرين و پرافتخار کشورها گشودند. ولی بنابر توطه و دیسه نیرو های سیاه اهربیض و دشمنان بشریت و اعمال جاسوس سانه و فربیکاران نه حفیظ الله امین این جاسوس انقلابی شما جوان خوب وطن است. فروع سی، آی، آی انقلاب از همیشگی اصلی خوبیش منحرف ساخته شد و در طول دار شوند، سعادت، داشتند شربات شدید و گشته بپیکر افغان اینکه زندگی خانوادگی ما آنکه از سرور، که زندگی خانوادگی ما آنکه از سرور، سعادت و خوشبختی باشد. در جهان هیچ کسی را نمی یابید که غیر از این را بخواهد و اگر چنین کسی باشد حتیاً، دیوانه است و با مریض. پیر حال نکته مهم و قابل باد اوری ایستگاه از کدام راه ها و به چه نوع



جوانان و رابط خانوادگی

ما و شما و هر کسی دیگر دائم در آرزوی زندگی ایندها و خواستنی هستیم و می خواهیم که زندگی خانوادگی ما آنکه از سرور، این در این بین یک عنده قلیل اند که یارا از این هم فرا تر نباشد و می خواهند که همه ایندیشان دارایی غر سه صفت قبلی باشد، که یافتن چنین همسر با مشخصات و صفات بالا ممکن است از تادرات باشد.

سanchez این میسازد که می خواهند با آن ازدواج کنند. این برو بلم ها از دید گاه ها یعنی متفاوت باید از زیبایی گردد. یکده خواهان زیبایی و جمال همسر آینده شان، عدید دیگر تحصیل و کمال و دانش را بر تر از همه می دانند و عده دیگر پول و تروت را محک خوش بخش برای زندگی آینده شان می شمرند.

با این طرز دید ها و قضاوت ها طبیعی است که زندگی ها نیز متفاوت میباشد. اما در این بین یک عنده قلیل اند که یارا از این هم فرا تر نباشد و می خواهند که همه ایندیشان دارایی غر سه صفت قبلی باشد، که یافتن چنین همسر با مشخصات و صفات بالا ممکن است از تادرات باشد.

اندیشه‌های جوانان

و فدایکاری در این آرزو های نیک به پیش روند و در مقابل مشکلات و دشواریها بن امان ایستادگی نمایند.

پاره از روشیای جوانان برای ایجاد یک
فلسفه مثبت و استوار تر در زندگی به یقین
برای دیگران نیز مفید خواهد بود. مخصوصاً
برای کسانیکه همیشه یا گاهی دنیا را نا-
مطلوب و سرد میبینند و همه آرزو عای خود
با این دست مدهشند.

شرايط زندگى امروزى اين واقعیت را برای
ما می نهایاند که با تلاش بیشتر به استقبال
زندگى هر فه و آبرو هندي که در انتظار
هast است يشتابیم . این زندگى هر فه و آبرو هندي
زماني بر آورده ميشود و تحقق می يابد که
جوانان ما وظایف شان را در قبال وطن و
انقلاب و دست آورده های آن بشناسند و مانند
یك جوان افلاس به آن عمل گفند .



عبدالغفار ييلاقني



دسته دوست

در شرایطیکه ما زندگی میکنیم داشتن زندگی سعادتمد و با افتخار آرزوی هرجوان با درک و با احساس است . چه از یکظرف زندگی سعادتمد و با افتخار عزت و وقار خانواده را بلند برده و بر جامعه نیز اثر نیک میگذارد و از جا نبی فرد را شخصیت میبخشد جوانان که آرزو دارند راه پر سنتلاخ زندگی را بدون دستواری طی نمایند و نفس آرزو عای خود را از تغیل به عمل بکشند و شاهد سعادت و پیروزی را تا آخر عمر در آغوش داشته باشند بهتر آنست سنجیده و معقول کام بر دارند و با چشمیووش از تو قعات بی جا و بی مورد با ستقبال زندگی واقعی بروند و برای اینکه رفاه و آسایش را برای خود و جامعه و مردم بار مقان آورند با گلستان و اینبار

د و س تی و ص میمیت ر امیان خانواده

داید گشترش داد

در بعض از خانواده ها ، مخصوصاً در خواهران و برادران چندان حسنه نمی باشد .
فا میل ها یکه جوانان زیاد زندگی میکنند البته تمام این دعواها و مدافعه ها زود گذشت
بعضاً و گاهی اکنرا جوانان با عم دعوا مرافقه بوده ولی با آنهم همین مسائل باعث میشود
را راه می اندازند ، مخصوصاً صاریح باشند



بهر صورت برای اینکه ذهن خوانندۀ خود را مخصوصاً آن عده جوانان را که علاوه‌نمایین موضوعات هستند روشن ساخته باشیم، می‌پردازیم به یک سلسله مطالب که خالی از زندگی از دیدگاه واقعی، آن بنگریم. خوب

دیگری بیست .
اویل باید خدمت آن عده چوانتا نیکه آرزو
دارند همسر آینده شان صاحب حسن و جمال
شاید بیر سید که چگو نه میتوانیم به این
ایده آل رسید ، و چطبور به تفاهم که راز
مو قعیت یکخانوode محسوب میگردد دست
آن را عرض نماید که : آیا خود شما وقتیکه
نافٹ .

جنین توقع دارید و می خواهید همسر آینده
نان صاحب زیبایی فوق العاده باشد خود شما
حظر خستد، آیا فکر نمی کنید که دختر

نیز می خواهد شو هر شن تا اندازه زیاد قیافه
جداب و مردانه داشته باشد . اگر شما چنین
و خاصیت ، عادات ، اطوار همد یگر با خبر

چیزه و چیزه مورد علاقه دختر را نمایند
باشید باز هم می خواهید که حتماً زنستان
قبول باشد؟ در حالیکه متناسبانه شما آن
با خبر باشند و طبیعی است که در طول زندگی

زیبایی را که همسر اینقدر تان می خواهد ندارید ! و اگر احیاناً شما دارای چنان قیافه هستید که فکر میکنید هیچ دختری در این بیوین انکشت انتقاد نمی کندارد ، آیا غیر از چهره و قیافه زیبا ، صاحب تحصیل و داشت و کمال که مورد علاقه هر زن و هر دختر است میانسید ؟

همچنان بیول و ترتوت که شما روی آن زیاد حساب میکند آیا خود شما چنین ترتوت و بیول را دارید؟ در صورتیکه هیچک از این سه عامل را که شما زیاد روی آن حساب میکنید ندازید پس چطور تو قع دارید که همسر شوهر زبان همد یکر را خو بتر و بهتر بداند آشنازی کان صاحب چنین صفات باشد.

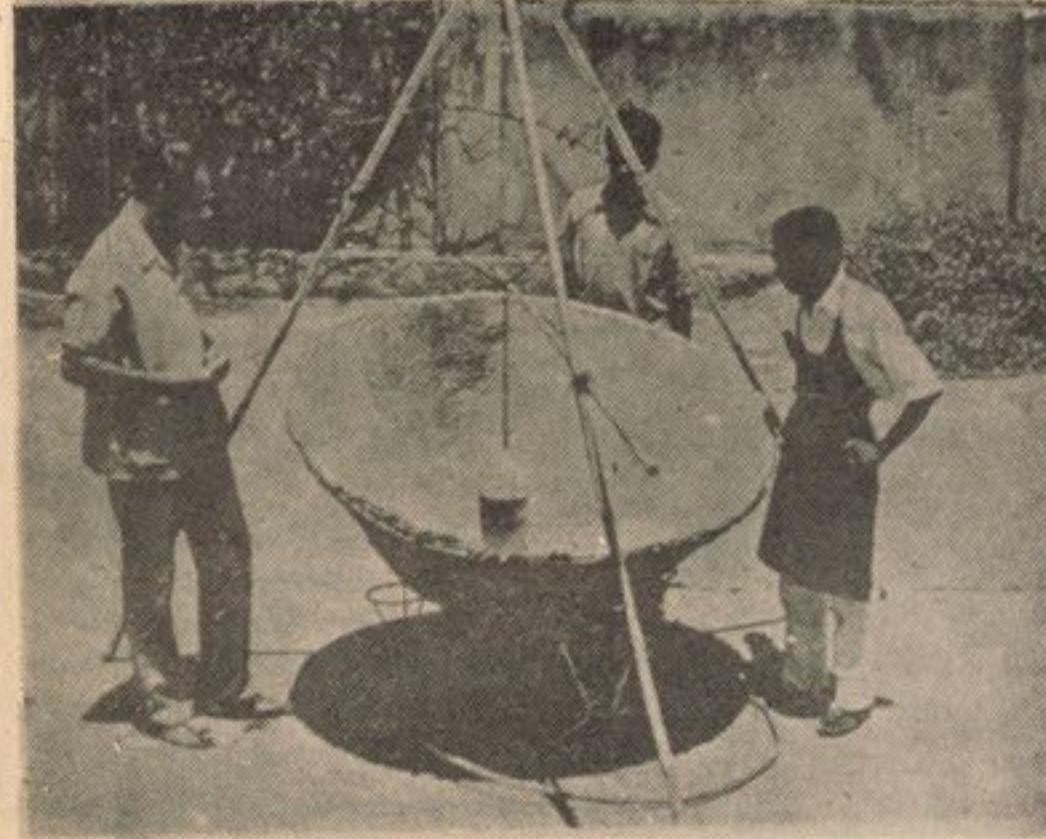
شما که این قدر بر مدعا هستید و تو قع
زیاد دارید ، گمی بخود ببایند ، و زندگی را
وقتی زن تعلیم داشت میتواند بار بزدگی را
واقعیت های آن را از چشم حقیقت بنگرید
از دوش مرد خانواده بر دارد و او را در مسایل
وزیاد هنفی باف و سختگیر و بر توقع نباشید.
اقتصادی و پولی خانواده کمک کند .

خوب ، درین چای شکی نیست این صفاتی
را که شما دوست دارید هر انسان به هر
امم و رسم که باشد به آن علا قمند است
و آن را دوست دارد ، اما اگر حقیقت را
بخواهید شاید کمتر کسی را سراغ نماید
که با چنین مشخصات و صفاتی متعصب باشد
و بپیدا شود ، یک گمی اگر گذشت داشته
باشیم و زیاد بر توقع نباشیم میتوانیم
زندگی ایده آلی که در جستجوی آن هستیم
مساله باعث میگردد که بین زن و شوهر
یک نوع اتحاد و اطمینان را بوجود بیاورد که

یک نکته را نباید فراموش کنید که زیبایی
نروت و امنال آن هر مز نمیتواند خو شیختی
باورد ، آنایکه کلید سعادت و خو شیختی
را با این چیز ها میداند سخت اشتباه میکند.
باید یک کمی معقول تر فکر کنیم و زندگی
را از دریجه حقیقی آن بگیریم ، بنظر اکثر
از گسانی که در این راه تجربه زیادی دارد
راز خو شیختی و سعادت خانوادگی در تفاهم
مشترک بین زن و شوهر است . وقتی زن و
شوهر همد یگر خو یش را درک نمودند
دیگر همه چیز بین شان حل میگردد ، قادری
مشکلات زندگی ، تا مساعد بودن وضع اقتصادی
و ده ها برو ملم دیگر که در خانواده هو چود
می گند بیر هیزند .

هیلایشد عمه راه حل می یابد و هیچ مشکلی این بود تکاتی چند پیرامون خو شیختر
باتی نمی هاند .
خانواده ، امیدواریم مورد پذیرش و قبول
نمای خوانند گان ارجمند قرار گیرد .

آنلاین های ریگ ران



این اجاق آفتابی که ذریعه آن غذا رامی بزند در حیدرآباد هندوستان مورد استفاده قرار گرفته است

روستای آنجا کمک قابل تو جهی

شود اکنون این رویای دیرین مینماید باید تذکر داد که پرور زههای بشر مبنی بر استفاده از انرژی مشابه در کشورهای برزیل- مصر- شمسی بشکل عملی تحقق می یابد یوگو سلاویا و یو نان شروع به استفاده از انرژی آفتاب مخصوصاً کارنموده اند. همچنان در اروپا باو امریکای علاقمندی وجود دارد تادر گرم تابش آفتاب در آنجاها فراوان است گردند هنوز شان از انرژی آفتاب به بیمانه زیاد و خیلی گستردۀ صورت استفاده نمایند.

گرفته می توانند . پروفیلسور بوچر از انرژی آفتاب در گرم کردن می گوید که در اثر اشعه آفتاب آب - پختن غذا - در کوره های عملیه «فوتو سنتیز» صورت گرفته ذوب فلزات همچنان در یخجال ها که برای زراعت بی نهایت سودمند و ایرانیش و تو لید بر ق استفاده شده می توانند . اکنون پیشرفت می باشد .

انرژی آفتاب بشکل طبیعی آن های زیادی در قسمت سیستم های قابل ببره بر داری نیست مگر تغییر دهنده انرژی شمسی بوجود زمانیکه بصورت درست و علمی از آمده است وسائل الکترو نیکی از آن استفاده شود یک انرژی قبیل «سولارسیل» (حجره های گرانبهای آفتابی) می توانند بطور مستقیم

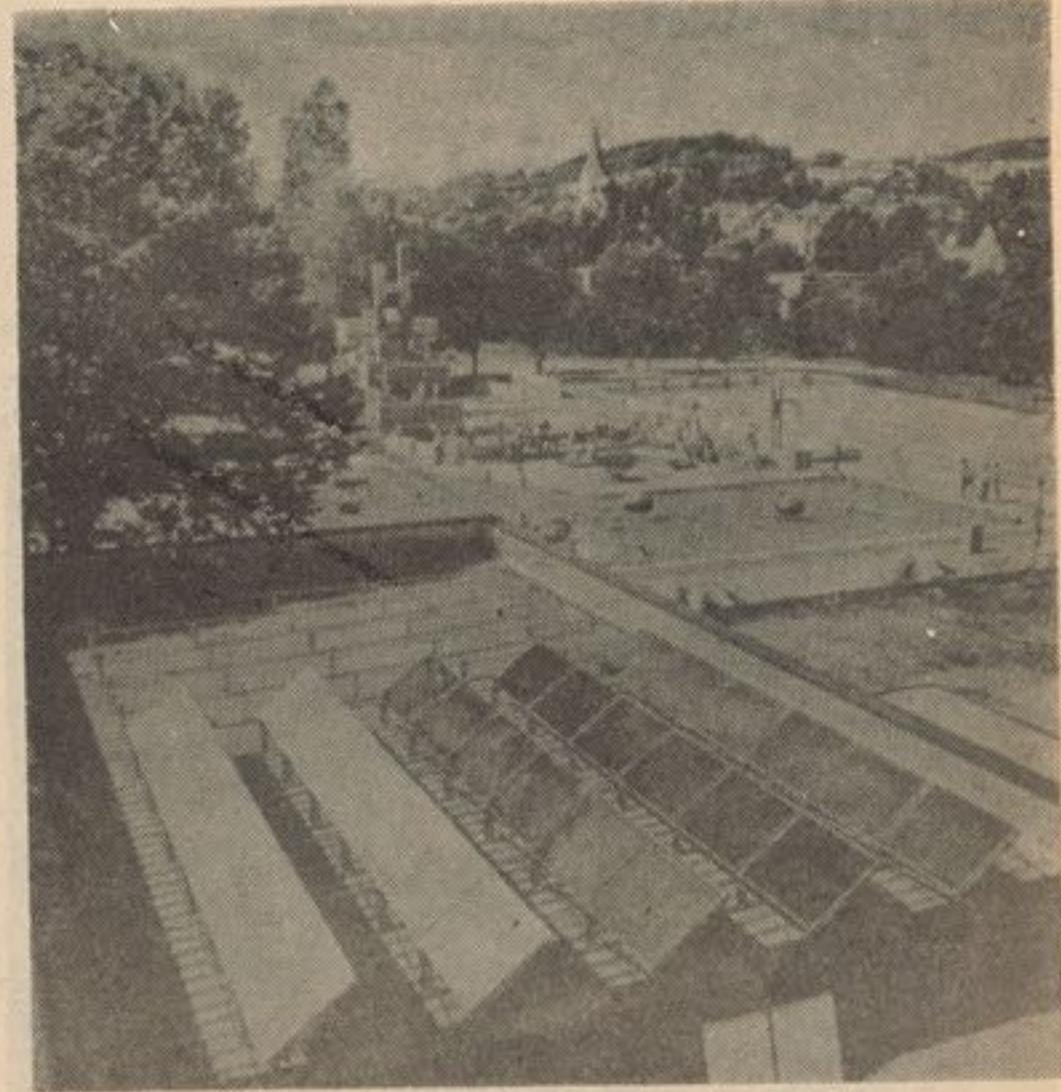
بناسی از ین مفکره اکنون برق را تو لید نمایند - وریا کشن یک دستگاه تو لید انرژی آفتاب های فتو بیو لو زیکی می توانند بظرفیت ده کیلووات در مدراس مصرف مولد سوت را در سیستم (هندوستان) تاسیس گردیده و های تغییر دهنده انرژی آفتاب شروع بکار گرده است . پرور زه تقلیل بد هند .

مذکور در قسمت الکترو نیکی کردن مواد دیگر استفاده از انرژی

استفاده از انرژی آفتاب

کوره مشتعل هایدرو جن آفتاب داشت . مو صوف همچنان علاوه غنی ترین منبع انرژی به شمار می رود. کرد که : اکنون معلوم گردیده که اگر همه منابع سوخت جهان وقوه انرژی شمسی پرسود ترین و یکانه انرژی ذخیره ای تمام دریا های طریق بدست آوردن انرژی می جهان را یکجا سازیم باز هم نمیتوانیم باشد ، کشورهای عربی با بلند به اندازه انرژی آفتاب ، انرژی مطلوب بردن قیمت نفت شان بزرگتر یعنی بدست آوریم . مقدار انرژی آفتاب کمک را بجهان نموده اند زیرا که در مدت بیست دقیقه بزمین همین بلند رفتن قیم نفتدانشمندان تسليم داده میشود میتوانند برای را در بسا کشورهای پیش رفتہ مدت یکسال تمام احتیاجات کرده صنعتی بر آن داشت که در جستجوی زمین را تکافو نماید . آنرا جانشین انرژی شوند تا بتوانند این مطالب را برو فیسرو آ. آنرا جانشین انرژی نفت زغال و بوتجر وزیر هم آهنگ سازی کمک غیره سازند .

بهره بوداری از انرژی آفتاب های متقابل علمی و تحقیکی آلمان که اخیرا در کانگرس انرژی شمسی با افزایش بحران انرژی که روز در هند اشتراک نموده بود اظهار برگزیده آن گسترده تر می باشد از این کنفرانس در ۱۹۷۴



دستگاه های آخذه انرژی آفتاب که در بام ساختمانها تعبیه گردیده و منازل را گرم می سازد

مصارف یکروزه مسابقات تسلیحاتی مساوی است به مصارف تهیه آب آشامیدنی برای دهات آسیا

متعدد شامل تیه آبوقافت برای دهات میباشد همزمان با آبیاری و تولید برق و دیگر موارد استفاده بوده و اهداف اولیه برای بلانگداری و اجرایی آینده موکول نمی گردد.

امکان تائیرات مفسره استخراج از حدیثتر آب زیر زمینی برای مقاصد آبیاری و حد نهایی انتکاف منابع آب باید در نظر گرفته شود. استخراج ابزیاد از منابع زیرزمینی سطح آبریانین خواهد بودو چاه های سطحی راکه برای آب آشامیدنی مورد استفاده است بسی فایده خواهد ساخت از جانب دیگر بندنا به پیمانه بزرگ تائیرات مفره حلقه الصحه محیطی را برای کسانیکه در جوار این بروزه هازیست مینمایند بار خواهد آورد.

در قسم استفاده آب برای صنعت فضور نیست که با تزیید مصارف صنعتی به همان پیمانه آب برای احتیاجات مجموعی صنایع اضافه شود طوریکه از تجربه یعنی از مالک مثل جایان نیوزلیند و اتحاد شوروی بر میاید. بطورمثال تاسیسات جدید صنعتی در جایان طوری طرح گردیده اند که تقریباً ۵۰٪ فیصد دو باره دوران انداختن آب یک اصلاح ۲۵٪ فیصد در موثریت دوباره دوران انداختن آب وارد نمود.

در تشکیل ساستر بلان غایر ای تقطیم اندکان وادی چاره های مختلف برای تهیه آب درین طبقات مختلف است اد کنندگان (اسکان شهری و دهاتی، آبیاری، صنایع، برق آبی، کشت رانی، هاشیکری، کنترول املاح حفاظه کیفیت آب وغیره) در نظر گرفته شود. تأییر آنها بالای انتکاف اقتصادی اجتماعی و همچنین بالای محیط نیز باید مدنظر باشد.

سفرشات مهم سیمینار یکده رانشکنند اتحاد شوروی در موضوع طرق جدید چشم داشت معادن در آگوست سپتامبر ۱۹۸۰ دایر گردید اندکاف پروگرام برای تربیه اشخاص فنی جوان، تاسیس هراکز جیولوژیکی ولاپراتور های منطقی در منطقه اسکاب و مطالعه اندکاف منابع ذغال سنگ نیز شامل بود.

برای مالک دور افتاده و رویه اندکاف اسکاب با یست اهمیت به سزا یسی قابل گردید تاسروی و نقشه برداشی شوند. چون اندکاف اقتصادی ممالک اسکاب اساساً متکی به اندکاف منابع طبیعی میباشد پس این مالک شدیداً احتیاج به تسریع در تکمیل اساسات ارقامیوی منابع خود دارند تا بتوانند بلان های واقع بینانه برای رشد اقتصادی سریع خود طرح نمایند.

درسا حات مخابرای روسیه ایکون دا نشمندان یک طرح استیشن های کنترول هوا ساعت یک سیستم آینه ها بی را رویده ای آفاتی و سیستم های تیلومتری سرت گرفته اند که ذریعه آن میباشد.

قرار محاسبه برو فیسور بوچر در کشور صحراء عوای گرم کشور صحراء در یکسال آنقدر و مرطوب را پخش نموده و بر ق از ری آفتاب را در یا فست مورد ضرورت را برای واتر پمپ می کند که هزار بار بیشتر از انرژی ها تهیه تور بین ها را بحر کت در حاصل سوخت تمام منابع روی آورد و شهرها را رو شن سالا زد.

یک اختراع جدید

دو نفر مختارع کا لیفور نیایی یک به مدخل های متعدد آب وصل دستگاهی را اختراع کرده اند که میگردد.

(هاید روایر) با شوت کردن یک ماشین موثر ۳۰ فیصد از مصرف تیل صرفه جویی مینماید. مختارعین پذکور که بنا های هوی هارن و بیل اندرسن یاد می شوند این

اختلاف شانرا «ها یدرو ایر» نامیده اند.

ماشین کمک می کند تا مساد سوخت خود را بصورت مکمل مخزن کوچک آب ترکیب گردیده است که به سهولت ظرف چند دقیقه بالای هر نوع ماشین (احتراق داخلی) بشمول ماشین های دیزلی نصب شده و به لیتر نکند.

سایله نامبرده از یک وال و یک

محترق سازد. وسیله مذکور همچنان به اینچ کمک می کند تا اب و نظافت کافی برای نفوس دهات در منطقه زود گرم نشده و در چدار های درسال ۱۹۹۰ عارت از دغام اینکونه پروگرام سلندر و ال ها گاربن رسوب

بلان کاری عموم اندکاف منابع آب هر

ملکت هیانت. پس بروزه هایکه دارای اندان



کارکنان فابریکه موثر سازی و لذاسکی در توکلیاتی با کارکنان سر کس نمایشی را برآه اندخته اند. در نمایشات موفقانه کارکنان این دستگاه موترسازی، موثر تیز رفتار «لادا» سیم خاص داشته است. طوریکه درین عکس دیده میشود، در جریان نمایش یک موثر «لادا» از بالای شش موثر دیگر خیز داده میشود.

هیات های ورزشی بوکسینگ و تنس کشور
دوست م اتحاد شوروی که چندی پیش بنا بدغورت
کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان
نستان چب انجام یکسلسله مسابقات دوستانه
با ورزشکاران افغانی به کابل آمده بودند
بعد از ختم مسابقات شان اخیراً کابل را به
صوب کشور شان ترک گفتند.
بوکسران اتحاد شوروی در کابل مسابقات
شانرا طبق پروگرام مرتبه اداره برگزاری
مسابقات ریاست عالی ورزش در چند مرحله
با ورزشکاران افغانی انجام دادند و روز یکشنبه
دوم قوس آخرین دیدار آنها با تیم منتخب
کابل بود که در استدیوم ورزشی ملی کابل
شکل گرفت.

راپور از عبدالکریم «لطیف»

عهده‌مندان تیم تنس آنکشور در کابل مسابقات



موقعیه مسؤول کمیسیون تعلیمات و تبلیغات سورای مرکزی اتحادیه هیئت‌صنفی افغانستان
که قهرمانی فتبال شورای اتحادیه هیئت‌صنفی ولایت بلخ را به کپتان تیم اهدا ننماید.

دوستانه را با تیمس بازان جوان افغانی در میدان
های ورزشی هتل انتر کا نتیوال کابل در
فضای کاملاً دوستانه و برادرانه پایان دادند.
ورزشکاران جوان ما طی آمدو بر گشت‌های
های کشور شوراها در افغانستان یکباره بیکر
موقع یافتند تا فهمن تماس‌های نزدیک هستند و
همه جانبی روی مسایل ورزش از تاکتیک و
تغییک آنها علاوه بر انداخته های قبلی شان
بیاموزند.

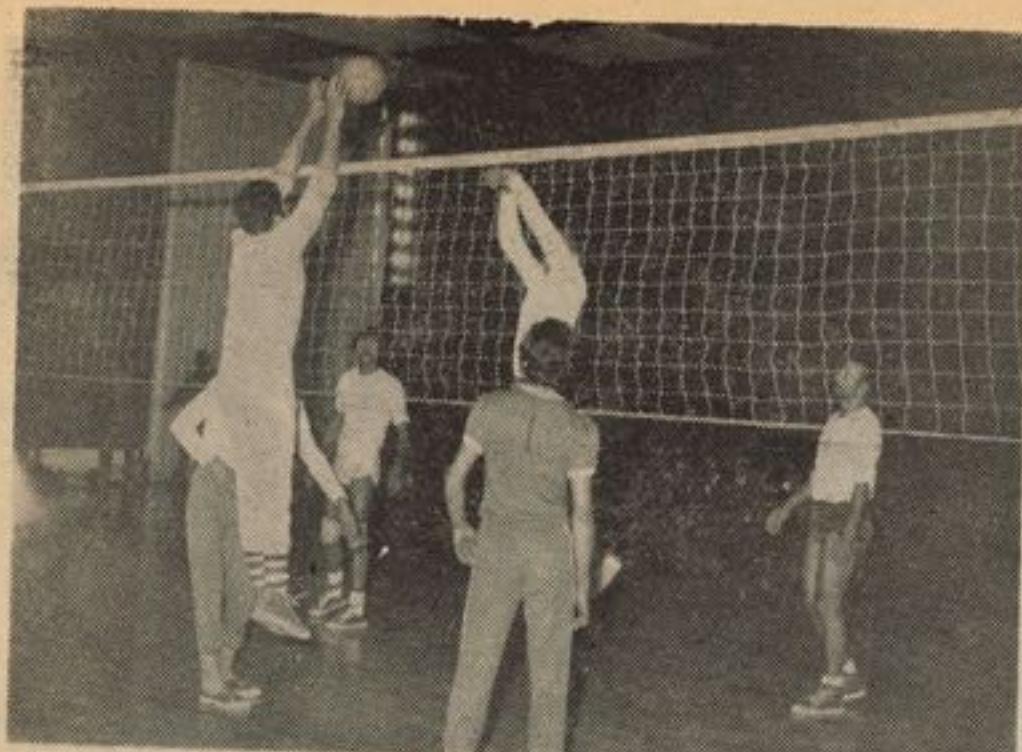
نتایج دیدار ورزشکاران بوکسینگ و تنس
اتحاد شوروی با ورزشکاران افغانی اطمینان
بغش بود ورزشکاران افغانی طی این مسابقات
توانستند با نتایج خوبی از یک دیدار بیکر
خارجی عبور گنند.

◦◦◦
◦◦◦ د ر قبال مسابقات خزانی اتحادیه های
صنفی افغانستان ، مسابقات دیگری برای
افتاده.

اتحادیه ورزشی شورای مرکزی، اتحادیه های
صنفی افغانستان هفته پیش مسابقات ازاد
والبیال و فتبال را با شرکت عده‌یی از تیم‌های
موسات دولتی و اتحادیه های صنفی و دو تیم



گوشی از مسابقه نهایی فتبال اتحادیه های صنفی بلخ و احصائیه مرکزی در میدانهای لیسه امامی.



کوشه بی از مسابقه نهایی والیبال که بین تیم های والیبال اتحادیه صنفی ولايت بلخ و سورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان در چمنازیوم لیسه امامی برگزار گردیده بود.

عنوان قهرمانی مقابل هم قرار گرفتند که بازی چهار مقابل صفر به نفع تیم اتحادیه صنفی بلخ بیان یافت و آن تیم لقب قهرمانی سلسله این مسابقات را حاصل گردید و تیم احصایه مرکزی دوم شد.

جوايز ورزشی ایکه از طرف امریت ورزشی سورای مرکزی اتحادیه های صنفی تبیه شده بود قبل از ظهر روز جمعه هفت قوس طی مطحلي در سالون دفتر سورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان به تیم های برنده اهدا شد.

محمد ظاهر کارگر آمرورزشی سورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان مخصوص بود که بالامکانات دست داشته خوبیش امسال دو تورنمنت را

درین تیم های ورزشی اتحادیه های صنفی موسسان کارگری و غیره پکرید که در پیش برداشتن مسابقات جوانان آگاه و چیز فهم سهیم فعالانه داشتند و آرزو می کنم با احساس نیک آنها دربرابر این وظایف سنتگین طوریکه جامعه کنونی ما من خواهد خدمتی را در ساحة ورزش

کشید و برای این نیروی مولده انجام دعیم وی گفت: در پیلوی پلانهای شهر و تمر-

پخش که رویدست داریم یکی هم دیدن عیات ورزشی ما از اتحادیه های صنفی ولايات گشود

است که این بازدید در آینده قریب آغاز می گردد و البته این بررسی و ارزیابی مساز رهگذر تشکیل تیم های ولايات به خاطر دایر نمودن جشن بزرگ ورزشی می باشد البته

این جشن باشکوه در روز اول ماه می ۱۹۸۱ عیسوی مصادف به ماه تور ۱۳۶۰ شمسی در

کابل برگزار می گردد.

فیال و والیبال اتحادیه صنفی ولايت بلخ در میدان های ورزشی لیسه امامی دایر نمودند. در مسابقات فیال تیم های کار توکاری احصایه مرکزی ، تصدی جنتگلند و سورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان شرکت داشتند و در مسابقات والیبال تیم های اتحادیه صنفی ولايت بلخ ، وافقا نستان بانک، پوهنتون کابل و قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان حصه گرفته بودند.

تیم های شرکت کننده مسابقات شانرا طبق

برنامه اتحادیه ورزشی سورای مرکزی سراسری برای جاگیری شان در مکان سوم و چهارم دو ز روز یکشنبه دوم قوس در چمنازیوم و میدان پنجشنبه ششم قوس مسابقات سرنوشت ساز

های فیال لیسه امامی آغاز نمودند که درنتیجه شانرا در چمنازیوم لیسه امامی از سرگرفتند که در فایتل مسابقات تیم پوهنتون کابل و د-

افغا نستان بانک مقابل هم قرار گرفتند که شده و تیم سورای مرکزی چهارم گردید.

در دورنها بی فیال تیم های سورای مرکزی در دورنها بی فیال تیم های سورای مرکزی و تصدی جنتگلک برای کسب مقام سوم و چهارم

تیم پوهنتون کابل بیان یافت و تیم پوهنتون بعیث قهرمان این مسابقات شناخته شده و تیم باهم مسابقه نمودند که بازی سه مقابل صفر به نفع تیم فیال تصدی جنتگلک خاتمه یافت و

داغستان بانک در مکان دوم قرار گرفت در مسابقه دیگر دورنها بی والیبال تیم های سورای مرکزی و اتحادیه صنفی ولايت بلخ به صنفی ولايت بلخ باهم دیدار نمودند که بازی سه مقابل دو به نفع تیم های دورنها بی پوهنتون کابل و داغستان بانک برای کسب عنوان قهرمانی و تیم های



تیم فیال اتحادیه صنفی ولايت بلخ که قهرمان مسابقات ورزشی سورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان گردید.

سور
موت
لغما
ستانه
بدند
دواه
بانات
اري
حمله
تبه
تخب
قابل

بنقات

آن مسابقات تیم های والیبال پوهنتون کابل داغستان بانک ، قوای مسلح و اتحادیه صنفی ولايت بلخ به دورنها بی قرار گرفتند که در دورنها بی پوهنتون کابل و داغستان

باهم کسب عنوان قهرمانی و تیم های

ستان
یدان
در
ادند
عيات
ديگر
بيت و
يداو
شان

تئنس
مينان
بابقات
ديگر

های
مراء

يه های
آزاد
هم های

دونيم
ون

وازخود آناری فراوانی بجا گذاشتند .
تا نیمه اول قرن هاهنوز دانشمندان موفق
بدریافت وکش این ساخته شده بودند . در
قرن ۱۵ یکی از دانشمندان وقتی بطرف هنرمند
ستان برای کسب اطلاعات نظامی و استراتژیکی
سفر نمود از طریق این حوزه بطرف جنوب
واز انجا به هند وستان رفت دریادداشت
های خویش این شخص که بنام (وت) معروف
بوده بیکارد : در سر زمین تخارستان در محلی
که ذریعاً خود را باهم قطع نمیکنند در عقب
جایی که من وسیع ترین نقاط را به عنای داشت
عای وسیع توام با قریه های کوچکی که نقاره آن
چشم را خیره میکند و بعضی خرابه
های را دیدم که در اطراف آن خشت
عای پراکنده و سنگ های هزین شده به چشم
میخورد و حالات طبیعی تبه ها و بلندی
هاراندارد . آین دانشمندوگاران نظیقی از
خصوصیات غیر طبیعی این شهر یادآوری عای
زیادی دارد ولی در چریان فربنا این حدنه تصادفی
نبوده بلکه به اثر تحقیقات و تحقیقات دانشمندان
شهری بدت اند که غوغای در عالم علم و
دانش به راه انداخت این عمان شهر قدیم
و باستانی آی خانم است که معرف کلتور و
تمدن باستانی مابوده باشکوه و جلالش می
درخشید که هانند هزار شهر باخته و بلخ -
اوازه از تاحدود آنسوی بحیره مدیترانه پخش
وطنین انداز گردید .

بلینوس وستراپون مورخین قدیم یونان
از کهن ترین بنایها و شهرستان هایاد اور
میشود که شمار شن را به هزار کشیده اند و از
زیباترین شهر های شرق شمرده شده اند .
به تاسف این هزار شهر تاکنون در دست
کشف نیست و شاید روزی بتوان هفتاد شهر
معروف باخته را به اثر تحقیقات و مطالعات دقیق
و علمی باستانشناسی معرفی نمود ولی از هزار
ویک هم سای خانم خواهد بود - زیرا در
عمر و زمانش سر امده بهترین ابدات زیبایی
بود که همسری آن کفتر از پارتبیون - اگوره -
اکروپول و پیر گمون یونان و لیدیه قدیم نخواهد
بود . زیرا ستون یا به های عظیم - قصر های
مجلل - منزل خیلی وسیع آن به سبک مدرن
امروزی بوده بلکان های کوچانه راه و عای طوبی
آن هانند هنال و پارتبیکوس خیلی زیباد عصرش
به آتش کشیده میباشد .

کرچه نظری این شهر باستانی تاکنون در
کشور هان به نظر نرسیده ولی تاء تیرات هنر
یونانی در باخته وبخصوص در ساحات شمال
کشور ساخته تغار زمین فرخار و وادی های
وسعی ایکه مدتی زمان زیرانبار های زیادی
خال مدهون اند شاید نظر چنین شهر هادر
اینده رونما گردد .

آی خانم را به اساس تحقیقات و حفریات یکی
صورت گرفت میتوان بصورت عموم به سه
بخش عمده تقسیم نمود .

بخش اول همانا اکروپول یا بالا حصان -
بخش دوم قصر حکمرانی یا بار تکوس و بخش
سوم منازل راه یشگاه های کوچکی دیگری که در
مجموع وضع یک شهر را بخود گرفته است .



حال تغیرات و ویرانی آی خانم بخصوص ستون یا به های گورنی .

نوشته: نظر محمد عزیزی

«آی خانم» یکی از شهر های بی نظیر باستانی

باخته بوده واز ولسوالی خواجه غار بـه
فاصله بیش از ۱۵ کیلو متر موقعیت دارد .

موقعیت جغرافیایی این منطقه را دریای کوچک
واموجند برایر بالا برده است . این شهر
باستانی در دلتای کوچکی قرار گرفته که
منظره دلنشیں آن مدت ها خاطره هارا در
ذهن وریان انسان باقی میگذارد . هر سال و
هرماه و هر ساعت بینندگان زیادی دارد . بازار

کوچکی که از مسیر سرک هوترو و بین راه

های کوچک و خامه سکسکول و بانلاق های نیزار

نم نامی آن در معروف ترین ویر بهاریین

منطقه صعبت بعمل بیاوریم که چندین قرن

میتوان کلاسیک خاور و اروپا تشییت گردیده است

قبل از امروز بزرگترین مدنیت جهان در انجا

دریای آمیب طرف چه موقعیت احراز نموده درواز

تبارز نمود ساین منطقه همانا آی خانم (درولا)

محل تجمع تجار و فروشنده کان محلی (روزبا -

زان) است که هر بروط به تهدن یونانو -

اکنون شهره آفاق گردیده است .

در بلند ترین نقطه این جله ها نازل اهالی

قرار دارد و تاکنون رهایشگاه ها به رسم

قدیم اعمار میشود . همای نظریه سیاحین

وزانرین در هر دو توهولو یا تخارستان صعبت

های فراوانی دارند که واقعاً این یاد داشت

و گزارشات درگلیه شنون حیاتی و اجتماعی

این حوزه صدق میکند .

وجه تسمیه محل باستانی آی خانم :

آی خانم محل بود بیان و یازاد گاه ساه

خانم همسر فرمانروایی بود که به نام زنیش

این شهربرا اعمار نمود و نامش را آی خانم

گذاشت . ولی از نظر بعض صاحب نظران این

محل هر بروط آن زمانیست که شاید سکندر

مقدونی وقتی با (رسانا) دختر او گسیار تر

فرمانروای باخته زمین ازدواج می نماید و

شهری بران اعمار میکند که شاید هر بروط یکی

از بنا های دوره سکندر باشد . ولی محققین

ساختمانهای این شهر باستانی و قدیمی را در

زمان سکندر نه بلکه کم ناوقت تربه شاهان

دیگر یونانو باخته نسبت میدهند . زیرا

حکمرانی زیادی در این منطقه زندگی نمودند



موج دیگری از صنعت سرستون سازی کوزنی با برگ های اکن مشکوفه آی خانم .

کیری های باطانه بیگانه گشته شده و توسط اینها در قسمت خیلی پائین این تپه بالا حصار مکمل تیاتر های یونانی نیست ولی تیاتری که نیم دارنه را داراست و گنجایش زیادی خود قبور علیحده بود تا مردان و گشته - تعداد اهالی را دارد در جوار تپه متصصل به قسمتی از منازل اکروپول آی خانم ساخته شده است درین صورت میتوان گفت که موجود بیت یونانیان وبخصوص اندیشه یونانیانی که از جمله های از رفتن سکندر مقدونی و نسل سلوسید ها در باخته باقی ماندند و با اهالی باخته حیات مشترک را آغاز کردند و چنین مسایل مباردت میورزیدند و چنین ایضاً مشود که در طول دونیم یا حد اقل سه قرن متواتی تخار زمین و مرز بندی های قدیم آن وابسته به کلتور یونانو - باخته بوده و همان عزار شیر معروف واقعاً بجا خواهد بود .

بعد از استقرار دراین جا زندگی عادی خود را بسوزانند و تغیری نمایند واز سوی دیگر کشته شدگان شانرا به رسم احترام در گودال که توسط اینها خود گردیده یکجا دفن نمایند تا از حوادث جوی و حیوانات وحشی در امان باشند سرمهین سفر سکندر در باخته چنین واقعیتی را مشاهده کرده اند - اکثر دانشمندان این نوع گزارش را تحریف شده میدانند و نظر میدهند که شاید قبل از آمدن سکندر ویا بنین آمدند او زد خورد های زیادی در باخته صورت گرفته باشد و اهالی شهر به عمان سانیکه تلفات سنگین دیده بودند هر ده گان و گشته شده گان شان را رها نموده باشند .

حیرات تیاتر آی خانم نشان میدهد که در قسمت های پائین یا به اصطلاح طبقات و اقسام زیر صفحه تیاتر دارای تعدادی زیادی استخوان ها و جمجمه های انسان های بودند که قبلاً از ساخته ای خانم نشان به از حادث و یاد

ناتمام



نمایه ای از سرستون های شهر باستانی آی خانم که به تپ سرستون های کورنی یونان قدیم ساخته شده است .



موزانیک مربوط حمام مکشوفه آی خانم

همه این ساخته ای های توسط دیوارهای بزرگ بیشتری به خرج داده اند - چنین فکر میشود احاطه شده که لابد دارای مدخل بزرگی بوده که این مهاجمین باشند و کلتور منطقه چنان وسیستم یا تکنیک دیوارهای این طبقه باستانی به بهترین وجه ساخته ای های تهدن باخته بوده شهر اکثر آبادی هارا ویران گرده اند و بعد از بعضی رهایشگاه های نیز استفاده نموده اند. طوریکه حیرات این شیر ثابت ساخت اینها طلاقه کوچی دوراز تهدن باخته بودند ستون یا یه های که به تپ و ساخت ستو ن های بلند بزرگ بوسیله گوردنی یونان ساخته شده بود و توسط دستگاه مخصوص یکی بالای دیگر گذشته میشد واز هم پاشیده شده اند و بصورت پراکنده هر سو به صورت غیر هر تاب افتاده اند .

از بنایهای جالب این شهر باستانی که کاملاً طبق یلان و مهندسی تهدن یونانی اعمار گردیده بیکی عم تیاتر آی خانم میباشد . یونانیان قدیم در محل و هر سرمهین ایکه اقامت میجستندشند مهاجین بیگانه زیاد محسوس بوده و از نگاه علم باستانشناسی هستون گفت که چندین بار این منطقه مورد هجوم و حملات مهاجمین قرار گرفته و تعداد زیادی از اهالی شهر گشته شده ابادی هاو ساخته ای های زیادی که معماری اصیل در آن بکار رفته بوده رویه ویرانی گذشته و چندین بار هرمت کاری گردیده است . یونانیان طلاقه کوتاه نمودند این استوار است که مهاجمین شمال نیز چنین تیاتری را بوجود آورده اند . درین ن ورود باستان تیاتر آی خانم از جملات از میلاد و هفتاد قبلاً از هیlad برین شهر حمله و مسکن اهالی و حکمران و یا باشندگان شهر ورشده اند وکی در هر دو بار اهالی شهر مقاومت نمیبود .

دوسنی و صهیمیت ۰۰۰

که بین خواهر و برادر و بین دو برادر و بین ترجیح نهادند، درست است که شاید پدر یا
دو خواهر کشیدگی های بود جود آید.
مادر یک اولاد خود را بیشتر دوست داشته
رفته، رفته این کشیدگی ها باعث میشود
که فضای آرام خانواده ها تر گردد و مخصوصاً
ازین ناحیه والدین زیاد ناراحت میگرددند.
سایر فرزندان میگرددند.

وقتی عمیقاً به این مسائل تکریسته شود دیده
میشود که این مراعات ها و دعوا ها که بیشتر
دیگر ترجیح میدهند و محبت بیشتر ابراز
آن روی مسائل پیش پا افتاده و کوچک که
می توانند، که این وضع عاقبت و خیم برای
اینده برادران و خواهران یا بیشتر است بگوییم
ویشه این مناقشات از کجا سرچشمه میگیرد؟
بین فرزندان دارد.

بدون شک از عقده های است که از دوران
طفلیت بر داشته شده است و بسیاری از
زندگی مشترک خانواده های را بعده دارند،
دایم متوجه این نکته باشید که طرز تر بمه
شما طوری باشد که بین فرزندان خوبیش
حسادت و عقده تولید نکنید، آنان را طوری
تر بمه توانید که در آینده جوانان بالا دل،
صدمی و روشنگر باز آیند.

اگر راستش را بخواهید، همینطور است،
زیرا بسیار دیده شده در خانواده هاییکه پدر
و یا مادر از بین اطفال شان یکی را بیشتر از
دیگران ترجیح میدهند و نسبت به سایرین
بیشتر مورد توجه قرار میدهند، این
زندگی را وریشه حیات را می خشکد، و انسان
را به بد بخت و سیاه روزی سوق میدهد.
یگذارید، آن طوری توانید که اجتماع
آینده ما به آن نیاز دارند.

شما با محبت های بی جا و بی مورد خوبیش
نایاب تهم نفاک و گیته را در دل آنها بیانید
به آنها درس محبت، اینوار وطن پرستی،
دوستی به هم نوع خود را ببا موزید.
حقایق زندگی را از همان اوان طفو لست
برای شان بینایا نید، آنها را به واقعیت
عای زندگی آشنا سازید، تا باشد که آنان
جوانان بادرد، وطن پرست، حق گوی و
تریبیت گوید کان را بعده دارند گوشزد نموده
و من نماید که هر گز یکی را بر دیگرسی راستکار باز آیند.

مورد هیچ شک داشت اینکه از پیروزی
خیزش ظفرمند ۶ جدی ۱۳۵۸ این مرحله دوم
و تکاملی انقلاب واپس مرحله واقعی نجات
ماه اول سال گذشته افزایش یافته است. مردم، وطن و انقلاب یکسان هی گذردن تبا
درنتیجه تدایر اتخاذ شده دوران تجارت
خارجی طی نش ماه اول سال ۱۳۵۷ نسبت
بعین دوره سال گذشته مبلغ یازده میلیارد
القانی افزایش را نشان می دهد که
مجموعاً مبلغ بیست و شش میلیارد و چارصد
تاریخی هیات حزبی و دولت ما تحت ویاست
بیزی کارمل به اتحاد شوروی برای ارج و
وارادات به ده میلیارد و شش صد میلیون
القانی افزایش یافته است.

در فرجم باید هنوز شد که کمیته مرکزی
و حسن هم جواری و برادری مردم دوکشور
است مردم افغانستان و حکومت
حزب دموکراتیک خلق افغانستان به یاری
چهارمی دموکراتیک افغانستان به یاری
و گمک مردم در دو جبهه کار و بیکار انقلابی
را پیش میزد و در آینده نه چندان دور نه تنها
از غاصر شد انقلاب و دشمنان مردم و خاک
مقدس ما نشانی نخواهد بود بلکه مشاهد
شگوفان. وجود موضع ها، موضوع حزب و دولت
اهمان افغانستان نوین و پر اتفاق و شگوفان
اصادقانه، شریفانه و مطابق قانون تکا مل
جامه و در جهت رفاه و آرامی مردم است خواهیم بود.

به پیروزی نهایی رسیدنی است و نایاب درین
زنده باد مردم افغانستان، زنده باصلح
و دوستی در جهان

نگاهی به ۰۰۰

زنان و پیر و زن

لهذا گشایش کنفرانس سرمه
تا سری زنان از جمله سایر
اقدامات تیپ نیک و ارزشمند و محسوب
می شود که در طول یکسال نصیب
خلق و مردم ما شده است که
شمردن همه آن از حوصله این
مقال بدور است.
امیدوار هستیم که این گرد هما
یعنی با شکوه سنگ محکم باشد
در تهداب گذاری جبهه ملی پدر
وطن ... به امید همبستگی و یکباره
چکی همه وطن برستان و وطن
دوستان. نیرومند باد جنبش جبهه
ملی پدر وطن.
زنده باد حزب دمو کرا تیک
خلق افغانستان
بیروز باد سازمان دمو کرا تیک
زنان افغانستان.

کتاب قطب الارشاد در مجموع
گنجینه ایست از نکات فقه و رموز
تصوف و عرفان به سبب دایره
المعارف بیشتر از همه آثار دیگر -
میافقیر در حلقات های صوفیه
افغانستان از قدیم تا امروز مشهور
و شناخته است.
قطب ارشاد چند بار در هند به
چاپ رسیده است. شایسته آنست
که اکنون این مجموعه از زشنده
وطن اصلی مو لف. از زبان عربی به
زبانهای پښتو و دری ترجمه و برای
استفاده مطابعه عده بیشتر همچو
طن نش بچا پ پرسند.

نهاده جدی یار و زن جات

خلق انقلا بی و میهن پرستا نه مردم مردم ما که بخواست و اراده حزب
مایه سعی و عمل خستگی ناپدیده و دولت جمهوری دمو کرا تیک
آغاز نمود و اقتشار و اصناف زیادی افغانستان و حکم ما ده ۵۱ منشور
از مردمان کشور چون، دعما نان، ملل متعدد به کشور ما صورت گرفته
علماین، روشن فکران، علمای و است بهانه قرار داده علیه مردم،
روحانیون، زنان، نویسنده گان، میهن و انقلاب ما جنگ اعلام ناشده
رور نالستان هنر مندان خته اند. آن عاسیلی
تدویر سیمینارها و کنگره های با از اسلحه باروت را توسط باند
شکوه در صفو ف مربوط خوبیش
متشكل گردیدند و همبستگی کامل
کشور ما عبور داده به کشور ما
خود را با حزب نیرو مندو دولت سرازیر می نمایند و از آن درگشتار
انقلابی شان ابراز داشتند.

چنین وحدت واقعی و همبستگی و جوانان
خدشنه نایدیری که پس از پیروزی تحریر
مرحله نوین تکا ملی انقلاب شکوهمند
نور که میان حزب، دولت و مردم ما
ایجاد شده است اراده خوبیه
ولی این همه دشمنان دا خلی
و خارجی مردم افغانستان باید
بدانند که دیگر تو طهه ها و دسایس
آن های بیهیچو جه سد راه تو قی
و تکامل مردم انقلاب و جامعه ما
شده نمی تواند و مدارکه مستقیم
اجرا یلان های شوم و اعمال
سیبوتاز کارانه و جنایتکارانه یعنی
کننده از دوی دلیر، خارندوی جوان
فیو دالان ستمگر دا خلی وجیره
خواران دون صفت ایالات متحده
گردیده سر انجام به شکست
ا مریکا دریک اتحاد نامقدس باعظامت
طلبان مرقد چینی و ارتقای منطقه
و پاکستان در راس امیریالیزم
جهانخوار ایالات متحده امریکا
مساعدت های خالصانه دوستانه و
برادرانه نظامی اتحاد شوروی را به
سند راه تکامل آن گردد.

کتاب قطب الارشاد در مجموع
گنجینه ایست از نکات فقه و رموز
تصوف و عرفان به سبب دایره
المعارف بیشتر از همه آثار دیگر -
میافقیر در حلقات های صوفیه
افغانستان از قدیم تا امروز مشهور
و شناخته است.
قطب ارشاد چند بار در هند به
چاپ رسیده است. شایسته آنست
که اکنون این مجموعه از زشنده
وطن اصلی مو لف. از زبان عربی به
زبانهای پښتو و دری ترجمه و برای
استفاده مطابعه عده بیشتر همچو
طن نش بچا پ پرسند.



نهم زانو یه



خاموش شد . حرکت مردم عصبی
تر و شتابزده تر میشد . از رود
برگردید و گرنه دستور میدهم خانه باد سرد و برند ای میوزید .
سر نیزه های بران بیحرکت
میدر خشید .

مردم فریاد های شکفت انگیز
رد و بدل میکردند در مقابل فشار .
یکه از عقب برانها میامد بایداری
نکرده به پیش میرفتند .
کسانیکه با دستما لهای سفید
میر فتند بطرفي پیچیده در میان
جمعیت نا پدید گشتند اما در ردیف
های اول همه مردان زنان کودکان
همانطور دستما لهای سفید را تکان
میدادند .

مرد میان سالی که ریشش کمی
سفید شده بود با لحن جدن گفت :
برای چه تیر اندازی گند ؟

بطرف کی . آنها فقط نمیکذارند
از پل بگذریم بتابر این باشد
یکراست از روی یخها گذشت .
آنوقت ، چیزی با صدای خشک
گرسنگی کشیده و چشمان سیاه
لرزید و چون ده تا تازیانه نامه
بر جمعیت فرود آمد گوئی برای

یک ثانیه تمام صدای خاموش گشت
توده جمعیت بارامی بسمت جلو
حرکت میکرد .

صدای ضعیف و هر تعشی که
علوم نبود میپرسد یا توضیح
میدهد گفت :

قشنگ مشقی است ..
اما در همان لحظه صدای ناله
ها بلند شد چند جسد بیروح پیش
پای مردم افتاده بود ، زنی دستش
را به سینه چسبانیده با صدای

بلند آه میکشید و با قدمهای تنده
به پیش ، بسوی سر نیزه های
برانی که بجانبش دراز شده بود

میر ویم و میکذارند برویم ...
هیاهو زیاد میشد فریاد های
میرفت . پشت سر او باز هم چند نفر
دیگر هجوم آوردند باز هم چند نفر
استمزاء آمیز بلند میشد . فکر
دویدند و اورا در آغوش گرفته از
مالم به مانع مبتذلی بر خورد کرد و او پیش افتادند . دو باره صدای

برویم . . .
- با کمال آرامش . . .
- برگردید و گرنه دستور میدهم خانه باد سرد و برند ای میوزید .
تیر اندازی گندند . . .

وقتیکه صدای افسر بجمعیت رسید
جمعیت با انعکاس حیرت انگیز و خفه -

ای بان جواب داد :
راجعاً باینکه نمیکذارند پیش
(او) بروند چند نفر از میان جمعیت

قبلات تذکر داده بودند اما دستور تیر
اندازی بطرف هلتی که میخواهد با
کمال ارامش و با ایمان به قدرت

و خیر اندیشه (او) پیش وی برود
بقدرتی شکفت انگیز و با ورنکردنی
بود که یکباره موجود خلق شده در

ذهن آنها را واژگون ساخت . (او)
نیرویی مافوق تمام نیرو هاست و
نایابد از هیچکس بترسد . اصولاً

چه معنی دارد که ملت خود را با
سر نیزه های بران و گلوله های
آتشین از خود دور نماید .

مرد لاغر و بلند اندامی با چهره
گرسنگی کشیده و چشمان سیاه
ناگهان فریاد کرد :

- دستور میده هی تیر اندازی
گندند ؟ جرئت نداری . . .
آنوقت بجانب جمعیت بر گشته

با صدای بلند که حاکی از نفرت
و انججار او بود ادامه داد :
- دیدید ! گفتم که آنبا نمیکذارند .

- چه کسانی (سر باز ها)
- سر باز هانه اما ... آنها ..
او دستهای پیش را بسوی نامعلوم

و دوری حرکت داد .
- بالاتر ها را میگویی . . . اما .
منم که گفتم .

- اما هنوز معلوم نیست ...
- خواهند فهمید برای چه
میر ویم و میکذارند برویم ...

هیاهو زیاد میشد فریاد های
وحشتنا کی بگوش میرسید . صدای
دیگر هجوم آوردند باز هم چند نفر
دویدند و اورا در آغوش گرفته از

میزندند :
- ما میخواهیم پیش تزار خودمان

داشتند چنین وانمود کند که راجع
بس ر بازان از پیش اطلاع داشته
اند و اینمو ضوع بهیچوجه باعث
تعجب و شگفتی آنها نشد ، است .
چند نفر با کمال آرامی بفرشته
طلایی که در آسمان نیلکون بر
فراز آن در شوم میدر خشید نگاه
میکردند دیگران میخندیدند . صدای
کسی فریاد کرد :

- (او) ما را دوست دارد .
تردیدی نبود که توده مردم از
ضمیم قلب این مو جودی را که
همان ، آن خود خلق کرده بود
دوست میداشت و از روی حقیقت
با این علاقه و دوستی ایمان داشت .
وقتیکه جمعیت از خیابان بکنار

رود خانه هجوم آورد بخط زنجیر
طولانی و شکسته سر بازان برخورد
که راه پل را سد کرده بودند . اما

این فرده نازک و خاکستری رنگ
مردم را متوقف نساخت چه در غیابه
و هیکل سربازان اشکارا بر زمینه
نیلکون رود خانه پهن ترسیم گشته
بود بهیچو جه اثار تهدید مشاهده
نمیشد . آنها جست و خین میکردند
تا با های یخ کرده شان گرم شود .

دستها را تکان میدادند . بیکاری
تنه میزندند . مردم در آنطرف رود
یک خانه سیاه در مقابل خود دیدند
در آنجا (او) که مردم طالب شن
بودند یعنی (تزار) صاحب آن خانه
انتظار آنها را میکشید (او) بزرگ
و مقید و دو ستار ملت بود و

چند نفر بعقب نگاه کردند - در
پشت آنها توده متراکم ایستاده
بود و از خیابان چون سیل تیره و
بی انتہایی مردم پیوسته بطرف
این توده هجوم میاوردند . فشار

جمعیت را بپیش میراند و کم کم
میدان مقابل پر میشد .
چند نفر پیش آمدند و همچنانکه
دستما لهای سفید را حرکت میدادند
میر فتند اندکی قد مها را سست
کردند .

پارهای بعقب نگاه میکردند دیگران
بکناری رفتند و همه کوشش

ردشمشیم هاو ضریب آنها بسیار استخوان بکوش میرسید فریاد ضربت خورد گان بنا له های کشیده و خفه ای هنچه میشد .

آ... آ... آ...

سریا زان شمشیر ها را میچر -

خانیدند و بر فرق مردم فرومیاور - دندکسا نیکه ضربت خورده بودند بطری خم می شدند صور تهایشان سرخ و خون آلود بود چشم نداشتند .

اسبها بطری ز مو حشی ور عشه - آوری دندانها را بر هم میسا نیزند سرهاراتکان میدادند و شیوه میکشیدند .

مردم را در کوچه ها پرا گنده ساختند . اما همان ندم که صدای سه اسپان خا موش گردید مردم تو قف کردند نفسهای عمیق میکشیدند با چشمان از حدقه برآمدند بهم نگاه می کردند . در بسیاری از چهره ها تسمی گنا هکارا نه نما یا نبود کسی از آن میان خنده کنان فریاد میزد .

اما منهم چه خوب فرار کرد . با وجود این میدادند .

بلی ناچار فرار میکنی آنوقت ناگهان از هر سوی را عجیب . تر س و کینه بر - خاست .

- برادران این دیگر چیست . ها - گناه نکرده ام پس چرا مسرا میکشند .

- برای چه.... این چه دولتی است . درو میکنند ؟ ها ؟ زیر سم اسپها لگمال میکنند ؟

همه با حالت بیت وحیرت دریکجا میخکو ب شده بودند و بر یشا نی خود را بهم اظهار میداشتند . از یکدیگر میبرسیدند که پنهان کرد؟ هیچکس .

نمیگیریخت ، خود را بهم میفرشند و همچنان که کو شش داشتند راه نجاتی از این احتساسات بیچیده و رنگارنگ پیدا گندند و با اضطراب و

کنجکاوی بهم مینگریستند . با اینحال تعجب آنها برترین و وحشتمندان غلبه می کرد . یادگات گوش میداد .

دنده با طراف نگاه میکردند مثل میشند . اینکه گرد با دی بمقدم حمله

ورشود و یا اینکه زمین زیر یا آنها بیکد یکن فشار آورده تنہ میزدند

زخمی هارا رها میکردند و از روی اجساد مر دگان میپرسیدند . صدایی سه اسپان هر لحظه شدید تر میشد سر با زان هلبله میکردند

نعره میکشیدند اسپهای آنها از روی افتادگان زخمی هاو کشتنگان میشند شمشیر های بران بر ق

میز فریاد های وحشت و درد و رنج شنیده میشد . گاهی صدای برخوا

نوشی بالا رفت و فریاد کشید :

- گایون خان است

زغقا! می بینید اچطور از شما استقبال میکنند

صبر کن . این اشتباه بود : این عمل غیر ممکن است . می فهمی

- بزر خمی را بدھید !

دو نفر کار گرو یک زن ، مرد لاگر و بلند انداد می رانند . برف

سرهای او را پوشاند . از آستین های او خون می ریخت . صور تشی

سیاه و کشیده تر بنظر می آمد .

لیان کبود ش آهسته تکان میخورد و وزیر لب گفت :

- گفتم که راه نمیدند آنها را او را پنهان کرده اند ملت بچه درد او میخورد .

کسی فریاد زد :

- سوار نظام .

- فراز کنید

صفسر با زان بحر کت آمد و چون دو پله دروازه بزرگی از هم جدا شد .

اسپها رقص کنان شیوه می کشیدند و از میان این دروازه عظیم می باشند .

راکه با شرابه های نقره ای بیچیده رسانید . سوا ران شمشیر های بران

شده بود بالای سر میچر خا نیدند

هوارا میشکا فتند و همه آنها با یک طرف باشمشیر یور شن بر دند .

جمعیت ایستاده بود با یعن طرف و آنطرف حرکت میکرد و آنچه رامیدید باور نداشت .

سکوت برقرار شد .

- صدای فریاد رسایی بگوش رسید :

- بیشمن!

مثل اینکه گرد با دی بمقدم حمله

و از گون گردد همه با برقرار گذاشتند

بیکد یکن فشار آورده تنہ میزدند

زخمی هارا رها میکردند و از روی اجساد مر دگان میپرسیدند . صدایی سه اسپان هر لحظه شدید تر میشد سر با زان هلبله میکردند

نعره میکشیدند اسپهای آنها از روی افتادگان زخمی هاو کشتنگان میشند شمشیر های بران بر ق

میز دفریاد های وحشت و درد و رنج شنیده میشد . گاهی صدای برخوا

چشمها دریده بخون نی که بر فراز می بلعید بچهره هایه دستهای خون آلد ، با جسد مرد گان که آرا مشن آنها و حشتنا که بود و بوزند گان که باضطراب و شتاب با طراف میدو -

یدندگاه کند . آشوب عمومی و تباہ گشته کینه اندوه زا و عاجزا نه ،

پریشانی فوق العاده حکمفر ما بود .

چشم بیشتر مردم بطری ز عجیبی بی

حرکت بود کلمات تند و زنده بگوش میرسید اما چنین بنظر میباشد که قلب

مردم را بیشتر از هر چیز بهت و حیرت سردم ملکی میشارد مگر نه

اینکه چند لحظه پیش آنها میرفندو آشکارا هدف خود را میدیدند .

در مقابله با آنها سیما افسانه ای آمیز

و باعظم تزار ایستاده بود آنها از دیدن او لذت میبردند فریفته و

عاشق او شده بودند و روی آنها را نشستند و با دستها شکمشان را

بیگرنند . لنگ لگان بسوی نامعلومی میدویدند . روی برف

میخزیدند . همه چاروی برق تعداد زیادی که های سرخ رنگ میدند

خشید که چشم را خیره میکرد . این لکه ها دائم بزرگ میشد . بخار

میکرد و توجه را بخود جلب مینمود ...

جمعیت عقب نشست ... لحظه ای توقف کرد . ولی ناگهان ضجه

خشک شد . و همچنان خشک شد و همچنان تشكیل شده بود برخاست .

این ضجه از هزار ها ناله درد

ناک فریاد و حشت انکیز ، اعتراض ،

پنهان و حیرت ، عجزولا به درخواست های یاری و کمک بوجود آمده چون پارچه ای بری رنگارنگ لر زان در قضا

روان گشت .

مردم همچنان نکه سر عارا خم کرده بودند دسته دسته پیش می فتند تا

مردگان وزخمی هارا جمع کنند .

زخمی های هم فریاد میکشیدند با

مشتباها نا توان خود تهدید نمود

میکردند تمام سر بازان فقط سفیدی داردولبا نشان از سر ما خشک شده است .

آن ترس و حشت ناگهانی و بی اساسی که یکباره بر عموم چهره

میشود و همچنان نکه باد یا نیزی بر کهای خشک را در هم میشارد ،

مردم را در هم میچیدند . بی اراده بی اطراق میکشند نه و چنان هیجان و

اضطرابی در آنها پدیده می آورده که

میل دارند خود را در جای مخفی سازند

برای مردم وجود نداشت . دهشت

بود ، دهشتی که چون تبعی برند بود

قلبرامی برید و بدن را می فشند و انسا نرا ودار میساخت که با

علمای محترم دینی ، ملایان و امامان شرائمه ، خطبا و تقدیمات متین !
بمحاطه خوشنختی و صلح در کشور عزیز ما ، بمحاطه فراوانی ، بهبود و رفاه هر فرد شرائمه را بده کاه خداوند تعالی دعا کنید !

دارکوب

۶ جدی پیروزی اهور امزدا بو اهور یمهن

ش وحشیانه‌ی بیگانه نکان بی فر هنگ قرار گرفته ایم ، خواسته‌اند که فر هنگ بو می‌مارا از میان بردارند و به این وسیله مارا بی‌ریشه‌نمایند. از هستی و سرشاره‌ی مان سما قطساز ند ، کشور گشایان ، جهان خوران و افزون طلبان در میهن آزادو خاک مرد آفرین و گرد پرورهان مشق ستم بیشگی و بیداد گری کرده‌اند ، بتوده هامجال تفکر و اندیشیدن راحتی نداده اند ، یکه تازی نامردمی واستبداد و شکنجه را پیشه ساخته‌اند . اگر بیداد گران ، خودخواهان و مستکبران بودند اکنون مالازین موتعیت و پا - یگاهی که در آن قرار داریم فر سنتک هافرا تر رفتہ بودیم در همه‌ی زمینه هاورشته هابه پیروزی هاو مو فقیت های رسیده بودیم . اما مستکبران و غایران ، بیداد گران و خود خواهان این راه ر گزوییچگاه نمی‌خواسته‌اند . زیرا بانهادو ما هیئت و سرشت شان در تضاد بوده ، اما با وجود فضا یی از بیداد و شکنجه استبداد و آزار ، ما در پنهان و گستره فر هنگ تو قف و درنگ سکوت وایستایی نداشتند ایم . در گستره‌ی فر هنگ مردانی بیدا شده‌اند که در برابر همه‌ی از زش‌های ساخته شده در کار خانه‌های طاغوت کلمه‌ی نفی را بزمیان آورده‌اند به قرارداد هاونهادهای بیداد گرانه بشت پازده‌اند .

قیام کاوه‌ی آهنگر بر ضد ضحاک خون آشام مار دوش ، جدال اهورا - مزدا باهار یمن از صورت اساطیری آن بگونه‌ی حماسی و تاریخی اش بددید می‌آید . کاوه‌ی آهنگر بر می‌خیزد دیگر استبداد ضحاک را نمی‌تواند تحمل کند و دیگر پرخاش من کند ، عصیان می‌نماید . او دیگر تاب آن همه بیداد را ندارد . قیام کاوه‌ی آهنگر در این ادامه جدال نور با ظلمت ، اهورا -

در این طیور که مقد مه ای است بر حماسه و تاریخ که دیگر انسا نهان ، قهرمانان ، واقعیت عینی می‌باشد کار نامه هایشان پنداری نیست . ازوا قعیت مشهود مایه و سرچشمه‌ی گیرد . آمده است که اهر یمنان ، جادوگران و دیوان را بارو شنان ، ا نوشہ روانان و اهورا مزدا ، تضادی آشتنی ناپذیر و سنتیزی همیشگی است . اهر یمنان ، جادوان و دیوان از ظلمت ، تاریکی بیداد و دروغ بسادا ری می‌کنند هر گز رضا نمی‌دهند که در روی زمین آیند دادو راستی بر قرار گردد . می‌خواهند سنتگی ، نا برای ، بیداد و تاریکی آن دست می‌یا فتند « حسادت دیگران و حسنه ، پر ند گان همیشه اسیر سیرابی انجام بر اهور یمن که پاسدا رنده‌ی گر - سنتگی ، نا برای ، بیداد و تاریکی است چیر کی می‌یا بد ، بیانان های تشنه ، پر ند گان همیشه اسیر سیرابی و آزادی می‌یابند نظام بیداد جایش را بر استیزی و داده هد . همه‌ی کو - ششها ، تقله هاوجان سختی های هاوسسلسله هاواآل های گون نا به این خاک آزاده و همیشه افزای یورش آورده اند ، خانه ها و کتابخانه ها ، کام نونهای فرهنگی و افتخار رات تاریخی مارابایی رحمی هر چه تما متبر بر باد داده اند بدن ذرهای احساس مسوو لیت بدون آنکه لحظه ای به سرنوشت ، هزا ران کود ک بی‌گناه و پیر مردی بیان و بیوه های عذا ب دیده اند یشیده باشند . منطق شان شمشیر وزیان شان سر نیزه و برچه بود ، فقط دریی آن بودند که خویشتن خویش) رانجات دهنده . باری سر زمین مابامو قعیت ویره‌ی چفا فی ایسی و طبیعی ای که داشته است در دراز نای تاریخ مورد توجه کشور گشا یان درواز بوده گهواره های تاریخی اسی از آن مدت تاریخ زادگاه عقاپا ن مغورو و بلند سرافراز و افتخار آفرین می‌گردند . از این مدت تاریخ و ضرورت زمان است از آن گز یروگریزی نیست . میهن آزا ده سرافراز و افتخار آفرین می‌گردند . از این مدت تاریخ و ضرورت زمان است از آن حکم تاریخ ضرورت زمان پندا ری حمقانه و واهمی است . تاریکی را از ای مقا بله در برابر روشنا یی بست ، حقیقت همیشه پیروز است . مه‌ی هستی و موجود بیت پدیده ها درخشان و تمد نهای شکو همتد خا - در حکمت و بیان توجیه می‌کند ، از نظام هستی هیچ آفریده و پدیده ای

مزدابا اهریمن است. در هر دوره ای از تاریخ میهن ماحماسه‌ی کاوه‌ی آهنگر نکرار میشود، توده‌ها بر ضد نهادهای پوشالی بیداد می‌شورند و قتی در تاریخ معاصر میهن آن شدته‌ای این انقلاب‌واز مقاومه‌اوست آوردهای آن را نابود کند تایکبار دیگر حکومت بیداد گران را احیا نماید. حفیظالله امین را تا آن قبل در آغوش خود پروردید بودند با تر دستی و

دهار تی هر چه تمامتر در حزب دموکراتیک خاقانی افغانستان رخنه داد و او تو نسیت‌هایند هنر پیشه‌ای نقشن خود را بخو بی انجام دهد مامور شده بود که از انقلاب‌ومردم افغانستان را نداشته باشد. به و دیگر شهادت خواهان و تاج پوشان را زندگی سازد. او در نقابی از انقلابی گردی تاجا بی که تو انسانیت بیاری باند تبیکار خویش به اندیشه‌های متفرقی و رهایی بخش خیانت کرد. او که با بی شر می‌داند از دکتاتوری پرولتاریا می‌زد، استبدادی فردی را بر توده‌ها کشاند و کارگر زدن اعمال میکرد، امین و باند تبیکار او در دوره‌ی خود نین و سیاه خویش تا توانسته باشد در راسته این شهادت و مردم آن دشمنی ورزیده اندیبه این واقعیت اعتراض کرد و از خودگذری‌ها و مردانکی‌های مردم را راسته اند و این شهادت و قهرمانی در برگیری زرین تاریخ مارنگ همیشگی و جاودانکی یافته است.

نهضت امانت نشانه‌ی دیگری از شهادت مردم ماست، اما وقتی استعمار دریافت که افغانستان می‌خواهد به شاهراه تمدن و ترقی کام بردارد درین تحریب، توطئه و کار شکنی و تبلیغ برآمد، به مداخلات بی‌شرمانی نهاد اما حقیقت همیشه پیروز است باطل محکوم بشکست و نا بودی و فنا استعمار با نیرنگها، دسا یسین حیل و ترفندهایی که خاص اوسیت تو ایست نمایند گان خویش را در لباس‌هایی قلابی در میهن ما بقدرت بر سانند و به این وسیله یکبار دیگر آین بیداد راجا نشین راستی وداد نمایند. کینه‌ی امپر یا لیزم واستعمار با مردم افغانستان پدیده ای نظریه بر نیست این کینه‌وپدیده همیشه وجود داشته و انقلاب رها بی خشین تور این ضدیت و صفت آرایی دشمن را بیشتر ساخت و این امیر یا لیسم وقتی دریافت که در خاک آزادگان و سرزمین درختهای که از توفان نمی‌هرا سد

خیانت پیشه، مزدور و بی فرهنگ مردم دیگر نمی‌توانستند، اتهمه بیداد و استبداد را پذیرا شوند. شش‌جده مرحله‌ی نوین تکامل انقلاب تور که بحق آن را مرحله‌ی نجات مردم و انتقالب نام نهاده اند در شورهای فضایی از آزادی و امنیت به وجود آورد. هر ران زندانی بی کنایه که به چرم انسانی اند یشید نو وطنپرست بودند در اسارت کشانیده شده بودند آزادی را درست کردند. حزب‌بود و لتبه نشانه‌حق‌شناصی و همدردی با خا تواده‌های درسو گک نشسته، روز منی عزا داری را اعلام کرد، پس از مرحله‌ی نوین تکامل انقلاب تور درهمه‌ی بخش‌های زندگی اجتماعی اقتضا دی دیگر گو نی پدیدارد. حزب دمو کرا تیک خلق اتفاق نشاند دست بی‌ابتکار های زد که همه میتوانند گام‌هایی باشد در راه ساختمان جبهه ملی پدر وطن، پس از مرحله نوین تکاملی انقلاب تور کنکره ها و گردهم آیین روحانیون، آموزگاران، کارگنان طب، روشنگران، کشاورزان و کارگران، زورنا لستان، هنرمندان شاعران و نویسنده‌گان، زنان در کابل برگزار گردید. که این‌همه می‌توانند دلیلی باشد برای ایجاد جبهه و سیمی ملی پدر وطن که یکی از آرمان‌های درخشنان حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان در شهر ایطیو مقطع خاص زمانی است. از مرحله نوین تکاملی انقلاب تور تا کنون که نخستین سا لکرستان از طرف مردم رزمنده و حق شناس ماجشن گرفته میشود در میهن مانع مانعولات و دیگر گونه‌های شگفت و چشم گیری بو قوع بیوست که شمردن هر کدام آن‌متنضم رساله ای جداگانه است و درین یاد داشتیهای کوچک گنجایی نداشد. قیام قسمن‌سینه اسیر نمایند. قیام پیروز مند شش‌جده باز تاب خشم و مرحله نوین تکاملی انقلاب تور بز-

رگداشت از حقیقت انقلاب تور است که بوسیله مشتی از او باشان و سان دیست و باند یتمه‌ای بیرا هه و انحراف کشانیده شده بود. ما آنون از روزی تجلیل می‌کنیم و استقبال بعمل می‌آوریم که باسر نوشیت انقلاب و مردم مادریو ندی گستاخ نا بدیر است. شش‌جده سر آغازی است برای فرداهای زنگین، گرم و آفتابی بیرون زی حقیقت برباطل اهورا مزدابا اهریمن شش‌جده مقدمه‌ای است بزندگی نوین وسعت های راستین مردم مانکه در دراز نای تاریخ از طرف ماکه در دراز نای تاریخ از طرف حکومت های مطلق العنان و بیگانه بیان پرستان در اسارت و عسرت و بدختی نگاهدا شته شده بودند. مرحله‌ی نوین تکامل انقلاب تور که باند از بالا فصل از معان ها و دست آورد های انقلاب شکو همند تور است بر خلاف تلاشها و سنگ اندازی ها و مداخلات بی‌شرمانه محاصل ارجاعی و امپریالیستی همچنان به راه بی‌مای ادامه میدهد این کار وان در نگه نمی‌کند و برگشته نمی‌شناشد همه کوشش‌ها و تلاش‌های دشمنان بی‌حاصیل و مذبوحانه است.

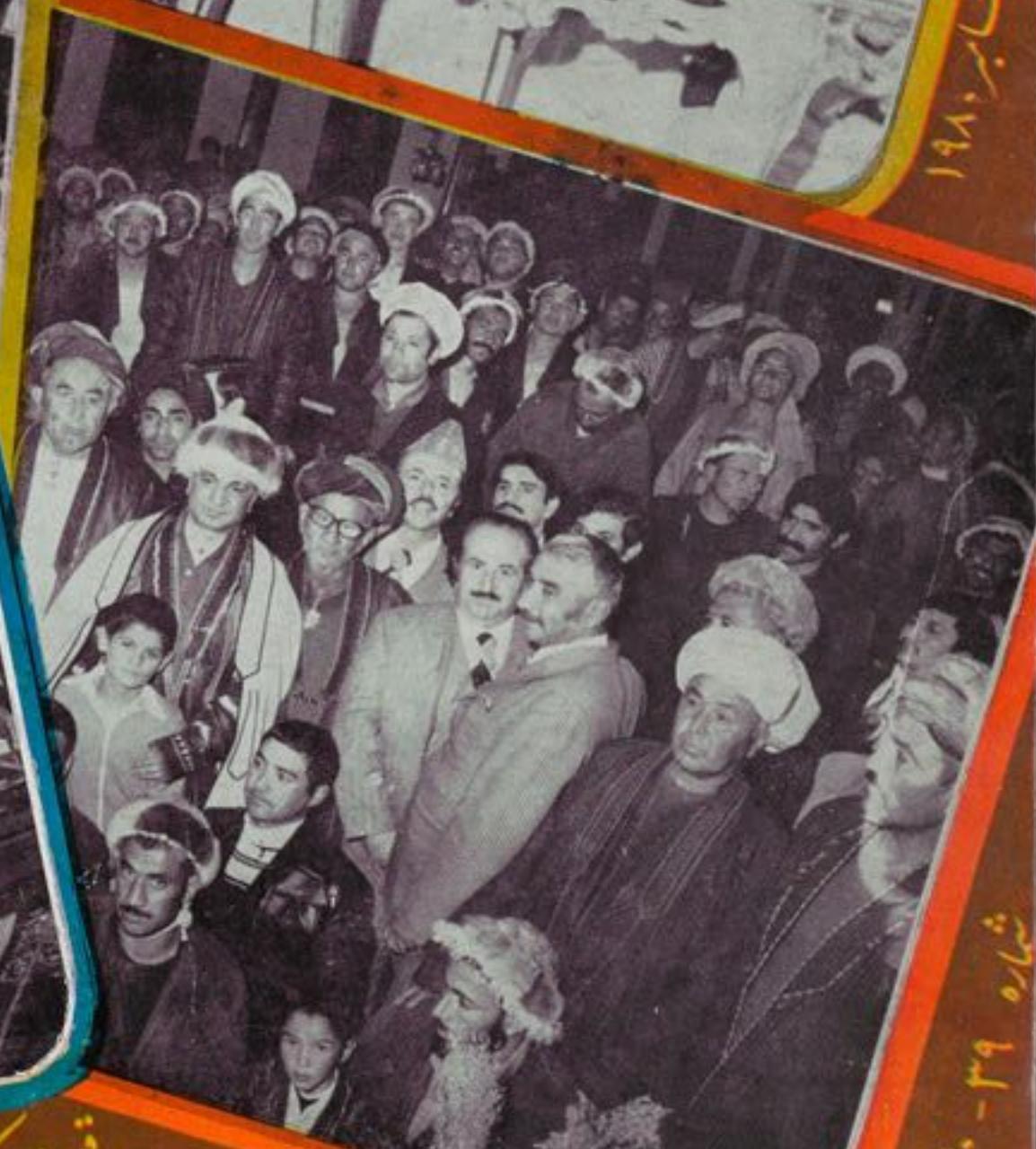
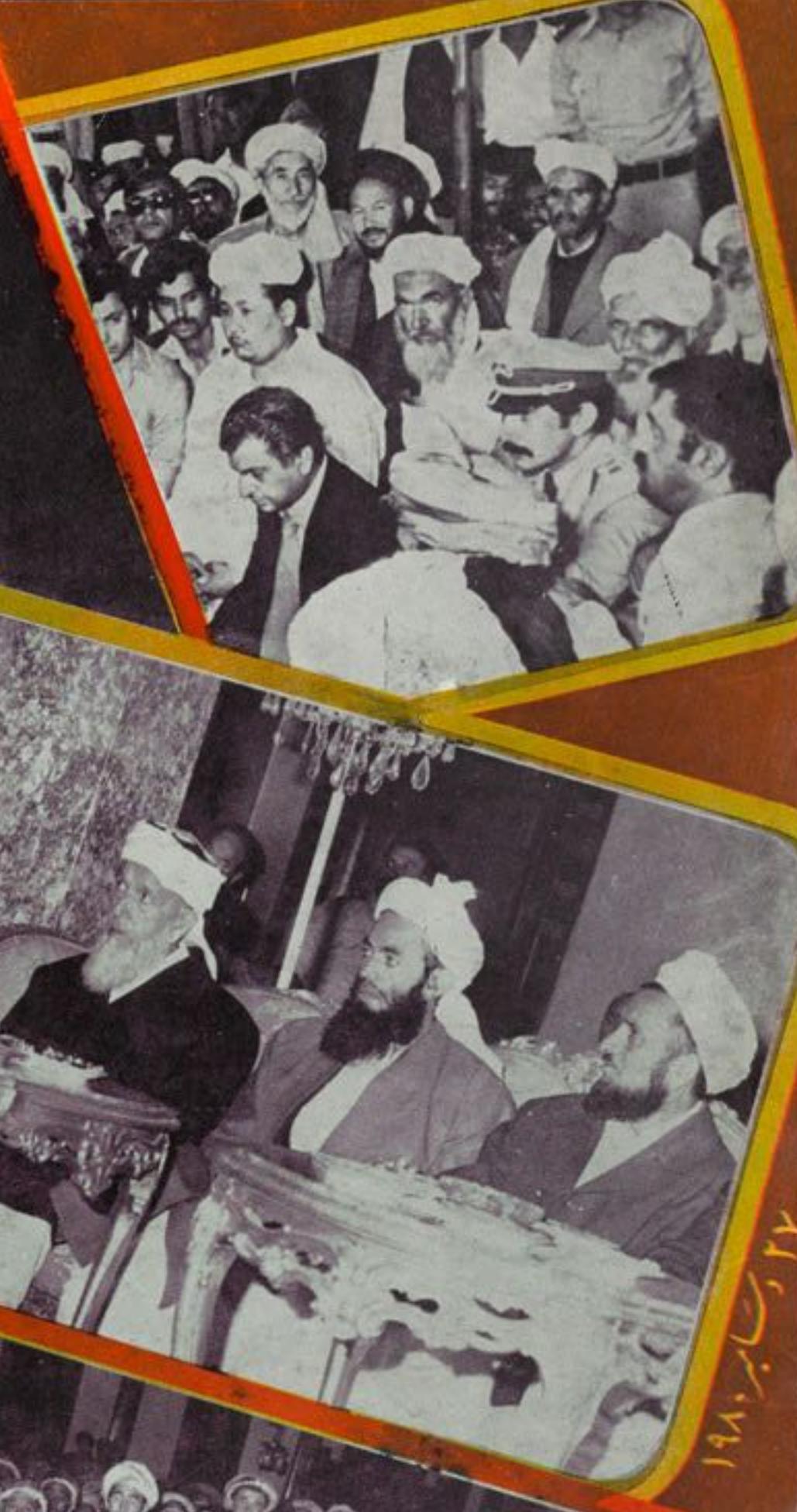
مدیر مسؤول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرایی
امر چاپ : علی متیند عثمان‌زاده
آدرس : انصاری وات - جوار
ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسؤول : ۳۶۸۴۹
تیلفون توزیع و شکایات : ۲۶۸۵۹

دولتی مطابع

قیمت یک شماره ۱۳ - افغانی

نیمه ۲۹

دی ۱۳۷۸



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library